

امصار و استگاه هنر

۵۲۱

# راهنمای سنسکریت

تألیف

پروفسور اسدوشیکهر

اساد سنسکریت در دانشگاه راجونانا  
و اساد سنسکریت و هندسای در دانشگاه بهار

تهران

۱۳۴۷

حاجانه دانشگاه



تقديم به دوستان ارادتمندان و ایران



## دماچه

اېن امه ۵۰ درسمه ر دما ساجر م است بچمن دامه است در بر ميمه  
دريان فارسي گير- آرر ده ه سل احمد آن آفای در و سور امدو سده هر  
Indu Shokhar ايلک رسال است اعاسته داس دران همسان است در دانسگاه بهران  
نگار ده ان دماچه سار است ار امه ان چند سطر را در سر ان نامه  
بنادگا معكدار، چه بحداد ارسى چمن برسى در اران ار است

در درارده سال بنس ار م ار است اب همد بدسمارى سطر آن در بهرات  
رحه استم ۵۰ اسماني ار دراي در دس سانسار ب- آمور سگاه عالي ادرا سمانى به  
اران در سمد بانگواهي ان دران، چه سواندى ر دنا همد ار رادر امان همديگر  
بهر نموده سود بچمن اسمار ان ران در دس در دانا سال ۱۳۲۸ خور سمدى  
دتهران رسيد گير هي ار دانسجه نان آن آمور سگاه د بافمد د رنا بهاي ارسماني  
و نارسي ناستان را ستممان در امانا در بر ممدى است نامه سانسار ب و آنچه  
ارمانا در ممان دوس بچس در را ارستا ار سب دمه ار نامه آسماني ردا Veda  
ميتوان بدسب آورد

ار بخت بد بنس از سد سال موانسدمه آن آمه رسگاه اياندار ندا م دس  
ار آن ار بنس دانسگاه آن رهت حما د کمر عالي ا کمر سمانى ر خواستم که



۱۷۷۱ انتشار یافته بود، دریافت که بر حتمه او اساس درستی ندارد<sup>۱</sup> و نایب دار  
 سانسکریت در بوی برهان که همسال دیگر آرنابی یعنی اوسما، افکند حای سپاسگراری  
 است که از برای هندوان دحاره هگفتی بجای مانده که امروزه نگار ابرانسان آند  
 و نمارمندیهای ما را در رمنه ارستا و پارس باستان بر کمار سارد

گدسته از بوسمهای واران دمی و داستانی و فلسفه و شمار دسماسی و پرشایی  
 و حرامها، کتابهای که همالی هم در دسمور زبان سانسکریت مانده از آنهاست  
 استادهمانی *Astadhyayi* از نانمی *Panini* ده زبان را سده چهارم تا پنجم  
 پمس از مسیح دانسمداند و دستوری که در بوضیح گرامر نانمی است و موسوم است  
 به مهابهاسه *Mahabhasya* تألف نانمجلی *Patanjali* زبان او را یک ا در سده  
 پمس از میلاد مسیح دانسته اند و حرامها

برخی اردانسمندان ارسما سانسکریت دان چون نا بواومه *Bartholomae* که  
 در سال ۱۹۲۵ میلادی در گدست از برای سادادن خو ساریندی زبان دو گروه  
 آرنابی (ایرانسان و همدران) با همدگر یک حمله ارسما را برگزیده، در در  
 هر کلمه معادل سانسکریت آن را بوسقه ر همان فاعله صرف ر بجوی آن حمله  
 ارسما را بآن کلمات سانسکریت احرا کرده، اینمجنس یک حمله در سانسکریت  
 ساخته است گدسته از بردی لغات زبان این در گروه بهمدگر، ساهم طرز  
 سخن و تعمیرات در اوستا و *Veda* سانس است

چون وجه سانه زبان ارستانی با سانسکریت بسیار است را این مختصر  
 کمحاس برشمردن آنها را ندارد، نایب کوناه نگاریم در زبان ناد آرر مسوم  
 یک رسته لغاتی که در زبان فارسی داریم، معادل آنها را در اوستا و سگمپسمهای پارس

۱- آنکه بل در سالهای ۱۷۶۱ تا ۱۷۵۸ در سورب (از شهرهای هند) او ادیکه سده است

دسمور دازات از نارسان همد معانی سبی اوسا را که ساداس واری نداس او که و او از  
 روی همان اداسها رجه اوسای خود را مر ساج

کرسی زبان سانساریت را در حدود دانشکده ادبیات پایدار ندارد از آن نارنج است  
که دانشگاه تهران از چمن درس سودمندی برخوردار است

همه دانشگاه‌های بزرگ اروپا و آمریکا از چمن درسی بهره‌ور است ،  
دانشگاه تهران آن را در برده است ، چه این زبان زبانهای باستانی ایران چون  
اوستایی و پارسی اسما منقط تفاوت لهجه دارد این است که این زبانهای آریایی  
را حوهران همدگر خوانده‌اند آری این زبانها را يك سه و بنیاد است و هر يك  
بجای خود رمان خود که بیایگان ما بود چنانکه میدانم از زبان اریستانی  
چهار يك آن جدا مابند راز زبان پارسی اسما همان اندازه بخواست که در  
سنگ‌نوشته‌های پارسیان هخامنشی کده‌گیری شده است کم و کاست زبانهای ایران  
رمان را بخوبی، بان درین عهد حیران می‌ماند

باید یاد آید - که در سده نودهم میلادی برخی از دانشمندان ، از برای  
د بافتن مفهوم درس اوستا بناسا ب روی آورید راز چهار دیوار گراس  
سمی نامه رومی ایرانمان که بنیاد استواری داد در آمدند اینچنین بسیاری از  
رازمهار جمله‌های اسما را که کدست رمان ر آست رزگار دوران مهم کرده  
بود دیگر باره وس کردید

از دری که نوری Burnouf حار بناس فرانسه هات (فصل) اول اسما را  
با نادانیه‌های فراوان د سا ۱۸۳۳ ر هات بهم اسما را در سالهای ۱۸۴۶ - ۱۸۵۰  
میلادی انسا داد اسما بناسی دانه عامی گرفت در همان زمان دانشمند آلمان  
Ropp - رپپ بناس زبانهای هند را رنا همدگر پرداخت ر بنوستگی زبانهای  
آریایی هند را ران همدگر ، هونداد سد

خ ه ه ا ر حمة سا - رت ر بنوسك Neryosang ، هوند پارسیان  
ر ر ا ر ا ر حمة میلادی ، راهما کردند نوری بناس بناس حندن ر حمة  
بناس در ر بناس ر حمة فرانسه ر بناس ای اکتمل Anquetil که در سال



## پیشگفتار

بیاری به شرح سبب انتشار کتاب حاضر نیست زیرا ما آنکه بستگی بسیار نزدیکی میان زبان سمسکریت و زبانهای ایرانی وجود دارد پیش از این کتابی به فارسی دربارهٔ زبان سمسکریت، موسسهٔ همچیک از دانشمندان نوشته شده است همگام ورودم به ایران از این قصور در سگت ماندم، نوشته که کتابهای بسیاری در بارهٔ خودآموز زبان سمسکریت به چندین زبان اروپایی در دست است در میان سخنرانهای درسی خود در دورهٔ دکتري ادبیات فارسی مستر این قصور و کونااهی را در باضم و بر آن سدم که با تقدیم کتاب خودآموزی در سمسکریت این شکاف را پر کنم تا دانشجویان و دستداران این زبان با خواندن آن بهره‌ی برگیرند ولی پس از آن آگاه شدم که این کار چنانکه چشم داشتم آسان نبود بلکه در دمال این تصمیم سختیهای فراوانی پیش آمد که بی اندازه موجب پس افتادن انتشار این کتاب شد

بهترین مسکلی که بدان برخورددم آگاهی اندکم بود از زبان فارسی و این موضوع بستگی پیدا نکرد مایکه درسهای مرادگران فارسی بر گردانند بعضی از همکارانم که برای ناری حواستن بردشان رفتم کارهای سودمندی داشتند که اوقات ایسان را گرفته بود و من ناچار سدم از «معلم معلم» که منظورم دانشجویان و شاگردان خودم است یاری بخواهم حتی پس از اینکه مقداری از درسهها بوسیله حیات آقای دکتر معین استاد دانشگاه تهران به فارسی برگردانیده و آماده چاپ شد همه آنها بکجا با نسخه‌های اصل بدست مستخدم بی احتیاطی گم شد و این بیش آمد مرا سخت غمگین و دلسرد کرد پس از چندی دوباره با گذراندن چهارماه وقت درسهها را آماده کردم و به چاپخانه سپردم از اسحا بسیاری

## چهار

باستان نمی‌نامم، زیرا آبچماکه گفتیم پخش بر رگ اوستا از دست رفته و پشته‌های  
پارسی باستان هم مانده‌اند بی‌بست که هیمنه‌های باستانی بیش از پانصد واژه زبان کموبی  
ما در آنها یافت شود از آن واژه‌هاست فرموشیدن = فراموشیدن = فراموش  
کردن (در سانسکریت پر + marsh = pra + marsh) ، همجار (در سانسکریت  
Saṅcara) ، ناهار (در سانسکریت آهار āhara عدا، از همین بیاد است آهار  
در فارسی)



۷- از آنجایی که فارسی جدید کمتر دارای حالت مجهول (Passive-Voice)

است برای کم کردن اسکان، مقدار لارمی اراستگوبه حالها را شرح دادم

۸- بخش مربوط به العما و حظ «دونا گری» را برای آستاسا حتم داسخو بان

به شکل و طرز این حرفها اضافه کردم

۹- چون داسخو بان بمستر آستما نا حظ لاین هستمد، بمستر واژه های

سمسکرت را به این حظ آوردم ولی داسخو می تواند آسانی نا فرا گرفتن حظ

دونا گری آنها را به این حظ برگرداند و بتواند متن های سمسکرت را - که مقدار

آنها کم نیست - فرا گیرد

دربانان ناند ارمکاران و درستان و شاگردان خود که در این کار از هر نظر

مرا ناری کرده اند سپاسگرایی کنم

حماط آقای استاد پورداود که در این کتاب پیشگفتاری نوشته و مرحمت

فرموده اند

حماط آقای دکتر محمد معین و آقای دکتر که همان استادان دانشگاه تهران

دوست گرامیم آقای آریان نور و دوست گرامیم آقای مابور عضو سفارت

کمرای همد

بیر از ساگردان خود ماندم

آقای بقی ممبا و دوشمره سودانه دهدشتی و بانو کریمی و دوشمره بدری قرب

و آقای هوشنگ حوامرد و آقای محمد مسعود سادات ناصری، که دروازه نامه و بیر

علط گیری چاپخانه مرا ناری کرده اند، سپاسگزارم

وسرا حجام از شاگرد ماهوس و ربك خود آقای احمد بفصلی که بدون وجود

همراهیهای مؤثر ایسان این کتاب مسلماً همور در مراحل ابتدایی چاپ باقی میماند

و بدین صورت در نمی آمد، سپاسگزارم و تسکرات قلبی فراوان خود را بدو تقدیم

می دارم

از مسکله‌ها آغار شد بر ا حروفچيمان چاپخانه از نشانه‌های لاین که برای واژه‌های  
سمسکرت بکار می‌رود آگاهی نداشتند و نمونه‌اشگونه نشانه‌ها در چاپخانه نمود  
ولام بود که ساخته شود ساخته‌سدن این نشانه‌ها بسیار به‌در آتشید چنانکه در  
هر همه پس از يك نمونه چاپی آماده می‌شد و سرانجام انتشار کتاب به‌ناحیر افتاد  
و ناگوسس بسیاری که در بی‌علمت بودن کتاب به‌کار رفت غلطهایی در کتاب راه یافت  
ولی اکنون ساده‌مانم که کتاب منتشر شد و اگر بسیاری ناسد بحس دوم آنرا بر به  
خوانندگان هدیم می‌کنم

در این کتاب ممکن است استباهات فراوانی دیده شود که ناند ندیده عفو  
نگر بسته شود و به‌ها خود را در آن معسر می‌دانم و ناند بگویم که « هر چه هست  
از فامت ناسار بی‌اندام ناس »

در اینجا لارم می‌دانم بکلی را ناند آورسوم

- ۱- از آنجایی که زبان فارسی بطور شگف آوری ساده شده است، واژه‌های  
دسموری سمساربت برابری - فارسی ندارد و در رافع ناند گف که ساخته‌مان  
دستوری زبان سمساربت ربه خود آن است و هر کوسسی برای برگرداندن  
اصطلاحات دسموری زبان سمساربت گرفتارهایی در بردارد
- ۲- در بحسی که بطور کوتاه از زبانهای آریایی و نایج کوناهایی که ارادینات  
سمساربت داده‌ام کوسیده‌ام که از مطالبی که موجب اختلاف است در کنار ناسم و  
اگر در مواردی مورد سررس قرار بگیرم، قصوری کرده‌ام و آن بیر غیر عمدی است
- ۳- در درس دادن دروس و فواعد ناچار سدم که حالت سبیه را که دارای  
اشکالانی به‌د حذف کنم

۴- از ده نوع زمانها و حوه مهیا پنج نوع آنها را آوردم بر ابقمه آنها  
برای دانش‌جویان پیچیده مهال است

۵- سه‌ه‌بی حالت‌های مبنایی (Preposition) و کلمات عبر متصرف  
(Indeclinable) را در حروف دسمه نمود (Adverb) قرار دادم

۶- سه‌ه‌های حالت‌های مبنایی (Middle-Voice) را بهانه يك شماره محدود کردم

# فهرست مندرجات

## بخش نخست

صفحه

	دیناچه بقلم استاد پورداد
	پیشگفتار بقلم مؤلف
۱	آعار رمان سسکریت
۱	اقوام هند وایرانی
۲	وداها و اوسا
۳	رمان سسکریت
۳	هماندی‌های سسکریت و اوسایی

## بخش دوم (محصری درباره تاریخ ادبیات سسکریت)

۹	سررمین همت رودحانه
۱۰	پروردگاران آریایی
۱۱	برحورد آریاها ناساکنان اولیه سواحل همت رودحانه
۱۲	ادبیات ودایی
۱۵	برهماها
۱۵	اوپایشادها
۱۶	سوتراها
۱۶	ادبیات بعدارودا
۱۷	اشعار حماسی
۱۸	رامایانا
۲۱	شعر برمی آثار کالیداس
۲۱	آثار بیلها
۴۲	آثار باهری تریهری

بمرار کار کماں و کار گران چاپخانه دانشگاه که در کار چاپ بهمت کوشش را کرده‌اند، سپاسگزارم

درمانان از اولیای دانشگاه که کماں مرا حرو سلسله انتشارات دانشگاه و رار داده‌اند بونثره ارحماب آقای دکتر سیاسی ریاست محترم دانشکده ادبیات که کوشش بسیار در انتشار این کتاب فرموده‌اند، سپاسگراری می‌کنم

امیدوارم که این نخستین کتاب فارسی دربارهٔ سمسکرت مورد استفاده دانشجویان و دستداران زبان سمسکریب قرار گیرد و راه را برای مطالعات بعدی در چمن موضوعی که ممراب عمومی ماست هموار نماید و به روابط بزرگ بر میان همدو ابران کمک کند

**ایندوشیکهر**

ناسگاه دانشگاه هراں

اول اسفندماه ۱۳۳۷

۶۱	درس هفتم	صرف اسمهایی که بحروف بی صدا حتم میشوند - رمان حال - تمرین
۶۴	درس هشتم	صمائر و صرف آنها - افعال - تمرین
۶۷	درس نهم	واژه‌ها - صرف بعضی صمائر - افعال - تمرین
۷۰	درس دهم	اعداد - صرف اعداد - تمرین
	درس یازدهم	افعال میانه رمان حال و ماضی نقلی و صرف آنها - واژه‌ها -
۷۵		افعال - اسم فاعل - تمرین
	درس دوازدهم	اسم فعل - گذشته معلوم - اسم مفعول - اسم مفعول معلوم
۷۸		واژه‌ها - تمرین
	درس سیزدهم	اسم مصدر - مصدر - صرف مستقبل مجهول - افعال -
۸۲		واژه‌ها - تمرین
	درس چهاردهم	افعال صرف حالت مجهول و علامتهای بصری - واژه‌ها
۸۶		افعال - تمرین
	درس پانزدهم	بیشاوندها و حروف اضافه قیدی - کلمات مرکب - واژه‌ها
۸۹		افعال - تمرین
	بخش پنجم	(چند نمونه ارمتن‌های مشهور سسکریت)
۹۴	۱-	هیو پدشا
۹۶	۲-	هیو پدشا
۹۸	۳-	پچاتا تئرا
۱۰۰	۴-	مهانهارا نا (فرمان بهیشتما)
۱۰۲	۵-	راما یا نا
۱۰۴	۶-	گنمارهای بیک
۱۰۶	۷-	اوپایشاد
۱۰۸	۸-	ریگودا

موضوع

صفحه

۲۲	آثار حدوا
۲۲	نمایشنامه‌های سسکریت
۲۵	افسانه‌ها
۲۶	افسانه‌های هند و کلیله و دمنه
	بخش سوم (محصری دربارهٔ دستور سسکریت)
۳۰	القاء سسکریت
۳۱	اسامی و صفات
۳۳	صمان و اعداد
۳۴	فعل
۲۵	رمان و وحوه افعال
۳۵	افعال مشبق
۳۹	مصدر - صفت، تفصیلی و عالی
۴۰	ادغام و عدم بناور
۴۱	کلمات مرکب

بخش چهارم - درسها

۴۲	درس اول صرف اسمهای که بحروف ناصدا حتم میشود و تمرین
۴۶	درس دوم صرف کلمات، فعل - رمان حال - ضمیر شخصی، تمرین
	درس سوم اسمهای مذکر و مؤنث محذوم به ۱ و ۲ و صرف آنها - افعال
۴۹	صرف نعی، تمرین
	درس چهارم اسمهای مذکر و مؤنث محذوم به ۲ و صرف آنها - کلمات
۵۲	عبر منصرف - تمرین
۵۵	درس پنجم اسمهای که بحروف بی صدا حتم میشود - ماضی نقلی - تمرین
۵۸	درس ششم اسمها - صرف بعضی اسمها - افعال - تمرین



## نشانه‌های اختصاری

### ABBREVIATIONS

---

a	adjective	(صفت)
adv	adverb	(فید)
f	feminine	(مؤنث)
ind	indeclinable	(غیر مصروف)
int	intesection	صوت
m	masculine	(مدکر)
n	neuter	(حشی)
num	number	(عدد)
part	particle	(حره)
pr pl	present participle	(اسم مفعول معلوم)
pt pl	past participle	(اسم مفعول مجهول)
pt pf	past perfect	(ماضی مطلق)
pro	pronoun	(ضمیر)
prop	name	(اسم خاص)
prep	preposition	(حرف اضافه)
v	verb	(فعل)
√	root of verb	(ریشهٔ افعال)



بخش ششم: حدود و اگری

۱۱۱ الفای دوا گری

۱۱۵ رقمها در خط دوا گری

۱۱۶ نمونه ای از کلمات به دوا گری

۱۱۷ حمله هایی به دوا گری

۱۱۹ نمونه ای از هیو پدشا وریگ ودا به دوا گری

بخش هفتم (واژه نامه)

۱۲۱ ۱ - واژه نامه سسکریت - فارسی

۱۶۷ ۲ - فهرست واژه های فارسی که معادل سسکریت آن در واژه نامه آمده است

۱۸۵ بخش هشتم (پاسخ تمرین ها)

۱۹۶ علطنامه

## آغاز زبان سنسکرت

زبان سنسکرت زبانی است کهنه و معانی به اقوام هند و ایرانی این اقوام که  
بنا بر تحقیقات مختلف احتمالاً آنداء در آسناى صغر ( دره دجله و فرات ) با نواحی  
در ناحیه اورال در روسیه با نواحی قطب شمال با اسبهای قراسه می رسیدند برای  
امرار معاش کوچ کردند و با آمدن و زبان خود در سرزمینهای کونا کون پراکنده  
شدند اقوام مربوط رفته رفته زبان خود را بکلی کردند و آنرا توسعه دادند ، و برای  
بسهیل کار می توان آنرا زبان هند و اروپایی نام نهاد

این زبان در بین اقوام هند و اروپایی در آسناى ممانه بصورت سنسکرت درآمد  
و در غرب گروه زبانهای هند و رومی با وی (Teutonic) را بوجود آورد که آنرا  
مادر زبانهای مغرب زمین دانسته اند

### اقوام هند و ایرانی

سرهانی از اقوام هند و ایرانی در آغاز دوره مهاجرت به ایران کوچ کردند و  
سره های دیگری از این قوم در سیستان یا در افغانستان کونی، که در اوسنا « ایران و خه»  
(Airyan - vaeja) خوانده می شود ، جدا شده و بسوی آسناى ممانه سرار می رسیدند این دسینه  
بس از عمورار کدر گاه شمال عربی کوه های هندوکش به سرزمین « سیناسندھو »  
(Sapta - sindhu) - یعنی « هفت رودخانه » - واقع در حجاب هند رسیدند آنهایی که در هند  
ساکن شدند « آریان » (Aryan) نام گرفتند و آنهایی که به فلات ایران آمدند ایرانیان (Airyan)



در ریشه فقه الله بطبیقی که امروزه آن سنجی خوانده می‌شود برانگیخت رمان  
 شناسان آلمانی مباحه شده بودند که بسیاری از واژه‌های رمان سلتی (Celtic) یا کلتی  
 (Keltic) و توتونی (Teutonic) و یونانی و لاتین و فرانسه و آلمانی بسیار همانندند  
 ولی ناآن موقع مسائل این مشابیه‌ها را نمی‌دانستند اما فرانز بوب (Franz Bopp)  
 رمان سنجی آلمانی کمک رمان سسکرت اولس کتاب فقه الله بطبیقی را نوشت  
 و راه سارونی در تحقیقات مربوط به فولکلور و مردم شناسی کسود معلوم شد که  
 سسکرت کهنه تر از رمان هند و ایرانی و مادر عده بی از رمان های هند و اروپایی  
 است

### رمان سسکرت

سرودهای دلبند و عارفانه و دها و اوایسادها و آثار لطیف کالداس به سپاه تحقیقات  
 اروپایی را مباحه رمان سسکرت کرد، بلکه کلتی برای حل بسیاری از مسائل علمی  
 فراهم ساخت و ایشان در یافتند که بقول قدما «نور از سرق می‌آید» و برای حل بسیاری از مسائل  
 باید به سرق زمین روی آورد سس کروه رمان های هند و اروپایی ساحه سد ولی  
 محققان چون سسسم بنجده حرف‌های آوایی (Vowel System) رمان های هند و اروپایی  
 را در سسکرت یافتند معتمد شد که قدیم تر از رمان هند و اروپایی سسکرت بوده  
 بلکه ربانی بوده است که حرف‌های آوایی بسیار متنوعی داشته اس رمان فرسی که  
 در هر حال منبایست از سسکرت دور باشد «رمان هند و اروپایی» خوانده شد  
 از آن زمان تا کنون مطالعه رمان سسکرت برای هر گونه تحقیق در رمان -  
 شناسی و تاریخ تمدن و فکر و دین و سن سری لازم سمرد شده و حان بروهنس های  
 دامنه‌داری در مورد رمان های هند و اروپایی صورت گرفته است که در مورد هسکرت  
 گروه‌های ربانی دیگر سافه ندارد

### همابندی‌های رمان سسکرت و اوستایی

سافه این دو رمان بقدری است که مطالعه هر یک تحقیق در دیگری را اجاب

با (Arya) نامیده شدند معنی هردو نام «آزاده» است و چنانکه می‌دانیم نام کشور ایران از اس ریشه بدست آمده است

بدیهی است که ساکنان ایران و هند با آن که از مناسباتی بگانه برخوردار بودند باز در سطح درمخاطب‌های حدید خود دگرگون شده و دو تمدن متفاوت بوجود آوردند که میان تمدن باستانی آسبانی‌ها گردید هردو قوم باوصای تمدن آسبانی حدود طبع تربیت بودند و برای باس مخاطب طبع سرود می‌گفتند منبرا (mantra) های هندی بصورت که اب‌های ودا (veda = دانایی) بحا مانده که بمعنی کتاب دانش است - گا (Gatha) های ایرانی نیز که بناد اوسا سمرده میشود و در دست است در بوصف حدانیان ایرانی مایند م‌را - اهورامزدا و غیره سروده شده است

زبان وداها و اوسا از لحاظ واژه و ساختمان و آوا سبسی (Phonetics = فونیک) بسیار هماهنگ و حیرت‌انگیز است - ردنکی می‌دهند آس و عقاید و رسوم هندیان و ایرانیان بر باوجود تفاوت‌های زیاد از مشابهت‌های بسیار برخوردار است - مناسباته اوسا برخلاف وداها تماما بر سه دهه و ناره‌یی از بحس‌های آن در جریان حوادث از میان رفته است - همچنین در مقابل زبان وداها که مدت چهار هزار سال دوام آورده زبان اوسا از طرفها بس بصورت زبانی مرده درآمده است - باهمه از سبب این دوربان بنوسنکی ردنک ایران و هندیان باسبان خوبی بر می‌آید

## وداها و اوسا

با آنکه زبان وداها (س سکریت) و زبان اوسا (اوسبانی) مشابهت فراوان دارند، اما اواخر که اروپا بدست بمطالعه این زبانها رسید کسی بموجه مشابهت آنها نرسیده بود - در فرس هجدهم حاور سبب معروف و بنام جونر (William Jones) که دربار زبان فارسی نیز سمعاع بسیار کرده است در سال ۱۷۷۶ اروپا را با آسار س سکریت آرمیل و راهها و اوباناسداها (Upanishads) و برخی از آثار کالیداس (Kalidasa) آسبا ساحب و دانسمندان اروپا مخصوصا آلمان و انگلس را بمطالعات حدیدی بوبره

زبان‌های هند و آریان را می‌توان به سه دسته زیر تقسیم کرد

الف - هند و آریان باستان  
 ۱ - سنسکريت و دها  
 ۲ - سنسکريت کلاسیک

ب - هند و آریان میانه  
 ۱ - پالی  
 ۲ - پراکريت (Prakrits)  
 ۳ - آبان هرامشا (Apabhramsa)

ج - هند و آریان جدید  
 ۱ - بنگالی Bengali  
 ۲ - هندی Hindi  
 ۳ - گجراتی Gujarati  
 ۴ - مراठी (Marathi)  
 ۵ - بهاری Bihari و غیره

زبان‌های هند و آریایی بر طبقه‌بندی دارند زیرا اقوام آریایی در مناطق وسیعی از دره حینون ناحی از یک طرف و ارفلات ایران با روسیه از طرف دیگر پراکنده شدند و علاوه بر این اقوام به اتحاد زبان‌های مسبق رعیت نمودند، بر روی هم زبان‌های هند و آریایی را بر مبنای این طبقه‌بندی کرد

الف - آریایی باستان  
 ۱ - اوستایی (کاناها)  
 ۲ - پارسی باستان (کتابهای هخامنشی)

ب - آریایی میانه  
 ۱ - پارسی میانه (پهلوی)  
 ۲ - سندی و سکایی  
 ۳ - سوسو (؟)

ج - آریایی جدید پارسی رایج و گویش‌های آن

در سارّه زبان‌های آریایی باستان و زبان‌های میانه (سندی و سکایی) اطلاعات منطقی در دست نیست و می‌توان آنها را به سهولت با سنسکريت مقایسه کرد اما زبانهای

میکنند بسیاری از شعرهای هریک از دوریان را میتوان با تعمیرات گرامری و لغوی محضری بریان دیگر بر کرداد. سباحت گایاها یعنی قدیم ترین قسمت اوسنا یا ادبیات سسکریت خواننده را مجرب مفاکند. ناین وصف خوبی معلوم است که زبان سسکریت کهنه بر از زبان گایاهاست

گرچه هر دو زبان از واژه های مشترکی برخوردار می باشند ولی این واژه های مشترک تفاوت هایی بر دارند. با این همه الفاظ دینی و فرهنگی و کلمات دال بر اسما رندکی روزانه بر ما همادند

اوستایی	سسکریت
زانا (Zanya)	هرا (Harya)
اهورا (Ahura)	اسورا (Asura)
زاونار (Zaotar)	هونار (Hotu)
هانا (Haena)	سنا (Sena)
یاسنا (Yasna)	یاجنا (Yajna)
هئوما (Homa)	سوما (Soma)
مذرا (Mithra)	مذرا (Mitra)
یما (Yima)	یما (Yama)
وی واهانت (Vivahant)	وی وایسمنت (Vivisvint)
ایم نپات (Apem Napat)	ایم نپات (Apim Napat)
دوا (Daeva)	دوا (Deva)

برای تفکیک زبان سسکریت از زبان های ایرانی آنرا « هندوایرانی » (Indo - Iranian) خوانند. زبان های هندوایرانی همه زبان های هند را (باسمهای زبان های دراویدی) از زبان وداها یا زبان های کنونی هند که بازمانده زبان سسکریت میباشد و هوای ایرانی از لغات سسکریت را حفظ کرده اند در بر میگرد



سرد	شرد (Sharad)
سمند	سه ونا (Shveta)
سرد	کشیرا ( Kshira )
آب	آپ ( Apa )
بدر	پتری ( Pitrī )
مادر	ماتری ( Matrī )
برادر	بهراتری ( Bhratrī )
دختر	دوهتری ( Duhitrī )
مرد	مریتا ( Maitya )
حسک	سوسکا ( Shuska )
برم	برما ( Naīma )
پور	پورنا ( Purna )
یوان	یوان ( Yuvan )
اک	اکا ( Eka )
دو	دوی ( Dvī )
چهار	چاتور ( Chatur )
پنج	پنچا ( Pancka )
شش	ست ( Shat )
هفت	سپتا ( Sapta )
هشت	اشتا ( Ashta )
نه	نوا ( Nava )
ده	دشا ( Dashā )

ایرانی جدید چون منحصراً سه دوهزار ساله زبان‌های هند و اروپایی مناسب است سسکریت  
سباهت‌هایی دارند

ناوجود بحولاب عظمی که در زبان فارسی کوبی روی داده است هنوز در حدود  
۳۵ درصد کلمات آنرا میتوان با کلمات سسکریت و دای و کلاسیک سسکریت  
مهمترین بحولابی که در زبان فارسی پدید آمده است عبارت است از

تبدیل « س » به « ه »

تبدیل « ه » به « ر »

تبدیل « ب » به « پ »

و تبدیل « ه » به « د » و غیره

### سسکریت

### پارسی کهن

اسب	اسوا ( Ashva )
حر	کهر ( Khara )
موس	موسکه ( Mushika )
کبوتر	کبوتا ( Kapota )
دست	هسا ( Hasti )
زبان	جانو ( Janu )
پا	پد ( Pad )
دندان	دسا ( Danta )
بازو	باهو ( Bahu )
سایه	حانا ( Chaya )
هفته	سپتاها ( Saptaha )
ماه	ماسا ( Masa )
دور	دورا ( Dūra )
گرم	کاهارما ( Gharma )





## ۲ = مختصری درباره تاریخ ادبیات هنسگریت

### ۱ - سرزمین هفت رودخانه

دسه اول آریها که عده زیادی از همراهان خود را یست سر گذارده بودند سرزمینی حاصلخیز در اطراف رودخانه‌های بر رک یسحاب و دره سند (Indus Valley) رسیدند. ریح بی پایان مسافرت بر خطر این دسه نارسیدن ناس سرزمین حاصلخیز حیران سد چه به‌های خوش منظره، رودخانه‌های بر آب و آب و هوای نشاط انگیز این منطقه بهرین ناداسی بود که طبیعت ناین کاروان بخشید. رایشا بود که آریها برای اولین بار طلوع خندان و ریشای آفتاب و آسمان بر سبازه را مشاهده کردند. این مناظر محلل و لذت بخش طبیعت، مسافران تازه رسیده را بحدی بخت نمود خود فرار داد که در همان نقطه ماوی و مسکن گزیدند. طبع سر ریده و نسیم معطر این بواحن همجون نفس آرام بخش معسوق، این مسافران حسنه و کوفیه را وادار به سکوت در دامان خود نمود. مسافران نور رسیده و حسنه که در دامان طبع آسایگاهی نایه بودند مصمم شدند نالز وطن بویافته خود با آخرین لحظه دفاع کسند و با فروبسی و بندگی، بررگی و افیاج طبع را بسابند.

ساکان اولیه سرزمین هفت رودخانه که بندرست و ورورمند بودند فکری برورمند و تحلیلی قوی بر داشتند. شادی و سرور ناگهانی که از رسدن باین محیط بر رک برایشان حاصل شده بود سب سد که بکرتش و بعظم در مقابل این ندیده ناعظمت طبیعت دسترسند و برای و حوه محلل آن از قبل ماه، حورشد، ناد، سبازگان و عبره ریاست قابل شومد و هر یک از این النوعی سارند و سرسش آن سر دارند. ناس بر سب رب النوع‌های حدیدی بر آنچه که در مسلولوری اولیه وجود داشت افروده سد.



بر حور د آریاها ناساکان اولیه سواحل همت رودخانه - این طو ام آریایی

برودی در ناسند که مبارزه ایشان هورنایان بر سنده است چه دیری نگذشت که ساکان اصلی این نواحی بطور با گهانی از بست علفزارهای برست و جنگلهای اسوه آنرا مورد حمله فرار دادند این ساکان اصلی سناهوسست و دارای قدی کوباه و دماغی بهن وسنه معولها بودند بندن این فنیل بقدری وسع بود که مایه بعجب براد سناسان و ناسان سناسانه معاصر گردیده است آنها بهنحوه ار آر ناها عفت نبودند چه علاوه بر سناسانی کامل محل چون در سهرها و فلاحی که ار داخل و خارج محفوظ بود رنگی میکردند بر آر ناها بهوق داسند ایسان که ار هجوم آریاها ر بحدده خاطر سده بودند مو حبات ناراحی آنرا فراهم کردند

بهر حال حور عدۀ آریاها ر بادر بود و علاوه بر داسن بدن قوی و بحرنه جنگی ریاد محور بودند ار مسکن خود بر دفاع کسند اقوام بومی این سرزمین را نواحی ساحلی جنوب عفت رانند ، اقوام بومی دروداها سنام داسا Dasa یاداسو Dasyu بمعنی بست و ریر دست نام برده سده اند امروزه اکثر این فنیل بوسنله دراویدی های Dravidian حوب هند که به سیرسان در مدرس ، حوبی برن نواحی ، رنگی میکنند مسخص میشوند در ادسات و دانی این قبایل سناهوسست ار رنگ بست و بعنوان برده آریاها و براد عالی نام برده سده اند بعلت سواهد ر باد عفتده بران است که این ساکنین اصلی سانه گذاران بمدنی سناز وسع هسند که آنار آن در حرانه های موهن جودارو Mohanjo Daro در ناکسنان عربی محفوظ مانده است در حقیقت این آنار در سراسر هارانا Harappa دره سند Indus Valley با حدود حلقه های گنگ برا گنده اند هر معماری - محسمه ساری و سفالکاری این فنیل و نمونه های حانه ها و مصرها سنان سسیم علمی ره کشی و حمامهای محلل ، دوق دکوراسیون و بریشان همه عالی و حیره کسده است بدون سک آریاها محور بودند که رمن و قدرت را برور و با دادن قربانی ریاد بدست آورید و سواهد معقدی وجود دارد که نانت میکند که رمن و حب نوح و سار جنگهای حوبی مسخر شده است

**پروردگاران آریاها** - شمار انبوهانه است اگر تصور کنیم که آریاها پس از

رسیدن به سرزمین هفت رودخانه سرگرم انداع رب النوع ها وساحین مسئولوری خود شدند چه آریاها مدینهها قبل از مهاجرت بایران و عبور از سلسله حمال هندو کش دارای تمدنی بودند که بر مسئولوری بسیار بر مایه نانه گذاری سده بود همه آنان رئیس Zeus ( سانسکرت آن دیاوس Dyaus ) رب النوع در حسیده آسمان را که از اولین رب النوع های مسئولوری هند و اروپایی است میسر رسیدند طلوع آفتاب Dawn که اغلب بعنوان دحرر نمای ریوس Zeus سوده سده است در یکی از الهه های هند و اروپایی است علاوه بر اینها اندرا Indra رب النوع جنگ و گاهی رب النوع باران و آب ، ورونا Varuni نگهبان مانو و بطم، مدهرا Mitra رب النوع روسی و بدرسی و رمیو بر رک ورونا Varuna و حیدر رب النوع دیگر مثلاً بوجود آمده و مسئولوری او را آریاها را تحت تابش خود قرار داده بودند

وجود این رب النوع ها و حد رب النوع دیگر را میتوان در تمام آریاها سکه همرمان با مهاجرت دسته مورد بحث ساحل هفت رودخانه نظرف شمال با سمت های دیگر مهاجرت کردد بحوبی مشاهده کرد سکه های متجی که اخیراً در بغاز کوی (Boghaz Koi) در آسیای صغیر کشف سده و حاکی از بنمان مبار که جنگ بین ریوس دو مثله هند Hittite و میتانی Mitani میباشد ، وجود رب النوع های هندی را در آن بواحی در سال ۱۵ قبل از میلاد مسیح بایند میکند

عده براه است که هکامی که آریاها نظرف مسرق ویا بنفیده بر و سورما کس مواری (Mix Muller) نظرف جنوب مهاجرت کردند این رب النوع ها را از خود باقی گذاردند وساکنان آن بواحی پس از عریمت آریاها بر سر سس این رب النوع ها ادامه دادند ندیهی است پس از اینکه در سواحل هفت رودخانه مسکن گردیدند باسروی بشتری سر سسش خدا ان او را خود برداشتند و برای آنان مقامی برابر از رب النوع ها و رب النوع های جدید باقی سدر



همانند آثار واسه سیار قدیمی هند و اروپایی که بجای مانده است این وداها بر  
آمال و آرزوها و عقاید های شر اوله را به بهترین صورت بت نموده اند . مطلب جالب  
اینست که ودا های دیگر وجود رنگودا را پیش از خود دلارم و مرص نموده اند ولی ریگودا  
هیچ اثر ادبی را لارم ندانسته است

ریگودا تصویر است از گیتی و نظام آن صورتی که با تصویر رمانهای بعد کاملاً  
اختلاف دارد همین اختلاف تاریکی خاص آن بحسیده که با وجود معسر رمان کهنه شده  
است این کتاب که قدیمی ترین سند مدون آریاهاست دارای قسمتهای پنجگانه و مبهم  
بر مناسبت ولی معهدا مجموعه بی نظیر و یکپارچگی است از سرودهایی که در آن بکرات شر  
اوله بصورت درخشانی منعکس گردیده است

هرگاه بترتیب تاریخ بصف ، وداها را مورد مطالعه قرار دهیم پس از رنگودا  
به آثار و Atharva ودا می رسیم . اگرچه مدتها بعدی که بعداً سرچ داده خواهد شد  
مورد احترام نبود ولی نایبسی گفت که بعضی از سرودهای آن بقدمت و کهنگی  
ریگوداست و موضوعات آن بر همان تاریخ ودا نظر می رسد . این کتاب بعلت  
موضوعاتش مدت مدیدی سناخته شده بود . آثار و Atharva ودا علاوه بر سحر مقدس  
شامل سحر جادو نیز میباشد و علامتی وجود دارد که نشان میدهد بعضی از قسمتهای آن  
بجای نامبرساکنان بومی این نواحی بوجد آمدن و همین جهت پیمبران آریایی را علیه  
این کتاب تراکنجه است . آثار و Atharva ودا شامل اطلاعات معددی است دربارهٔ نشروفت  
آریاها بطرف مشرق با حدود سگال و برساکنان از سرهای سگاله . علاوه بر سرودهایی  
راجع به علم پزشکی دعای خیر ، واحسان این ودا مبصن سرودهایی راجع به سحر و  
جادوگری و ارواح حشته بر میباشد که حالتی غیر عادی و برساکنان بحشده است  
یعنی ودا و سام ودا مطالبشان را مدیون به ریگودا هستند . در یحور ودا سرودهایی  
راجع به قربانی و مراسم عبادت جمع آوری شده در حالیکه سام ودا فقط سرودهایی مربوط  
به مشروب حاوانی خداوندان یعنی سوم Soma (دراوسا هما Haoma) را شامل است  
این مشروب بر و بخش مورد بحسن رب النوعها بر بوده است . علاوه بر مراسم عبادت

یسار اینکه آریاها بر داساها یمرور شدند قسمتهای برحسنة مین آنرا احد  
 نموده با حدودی تحت داسر مین آنها فرار گرفتند

سروری بر داساها آریاها را حصور کرد بطوریکه شروع بکشورگشائی و توسعه  
 سرحدات خود نمودند فرهنگ و مین آنان که مسکی بر متولوری بود حشش حدیدی  
 را آغار بهاد که بطوری بارر بصورت سرح و فاع در مسراهای ( Mantra ) ودا صطسده  
 است وداها علاوه بر اسک مدحل تمام علوم هسند یا داسهای رورانه ملتی بررگ  
 بر سمار مبرود که در آن طمه اشراف از ابرار هیچگونه کسه ای سست نه بررگان  
 فروگذار بکرده اند همزمان با سب آریاها در سررمن هت رودخانه اس قوم اقدام  
 به جمع آوری مسراه و سرودها سکه با آتمان بصورت آنار براگنده بی بود نموده  
 از آنها مجموعه بی فراهم آوردند نار بح بصف مسراه سمار قدیم است ولی جمع آوری  
 آن هنگامی شروع سد که دند علوم درك سده آنان روبرا بودی است و حطر فراموشی  
 اس کجده را مورد بهدید فرار داده است

بقسم و بر سب مسراه بر طبق اصول علمی انجام گرفته و تمام کلمات بچار  
 سام هسا Samhita با مجموعه سرح زیر بقسم سده اسب

Rig - Veda	۱ - ریک ودا
Yajur - Veda	۲ - بحور ودا
Sama - Veda	۳ - سام ودا
Atharva - Veda	۴ - آناروا ودا

### ادبیات ودائی

ریک ودا قدیمی تر س قسمت ار چهار ودا اسب و برار دعاها ی حدایان و بوصفات  
 برمی میناسد اس ودا شامل ده کتب و ۱۰۲۸ سرود است کتبهای دوم تا سیم آن ، کتب -  
 های حاواد کی بوده و سمار قدیمی تر از کتبهای اول و آخر هسند فداین کتب آنار  
 وعلامت بالاسنه قدیمی تر بر وجود دارد

## براهماناها : Brahmanas

علاوه از اردیاد عناصر مخالف، عنصر و تفسیر بعضی از منسراها هم مشکل سدریرا هردو مکب - سروان و برهمنایی مخصوص بخود داست که باهم اختلافات زیادی داسند. بنا بر این برهمنان شروع بنوسن تفسیرهایی بروداها نمودند که به آنها مفصل هستند بلکه شامل مطالب هرودا بر مناسند این تفسیرها بر اهما نام دارند و شامل تحقیقات و نظریات فلسفی - زبان شناسی - علم استعاق لغات - تاریخ - افسانه - مراسم عبادت و حرهای دیگر در خصوص وداها مناسند

## اوپانیسادهای Upanishads

در حلال این دوران هرج و مرج بعضی از افراد طبقه ممان بر دست از فریبی و انجام مراسم مذهبی کسیده بها و دور از مردم در جنگلها به تفکر و تأمل یردا چند انسان به خدمان مکب آزادی فکر و حقیقت حویی بودند که میخواستند خود را در بند و بند اسکال و سعارهای حدیبی نوار نگاهدارند. انسان با استیاق تمام میخواستند بدانند سرار کچامآند و کچا می رود. منظور از بندایی او چه بوده، پس از مرگ سربوستن چه خواهد بود، چه کسی بر جهان حکومت میکند چه حیرت که رندگی میشود و دوباره پس میکند. این مردم صادق و صمیم که لیا ناراحت بودند سرگرم مباحث و مطالب فلسفی شدند که امروزه ما آنرا اواناساد منامیم. اواناسادها گوهرهای دانش سری مناسند و سهم بسیار مهمی در تکامل تدریجی فکر بر دارند آنها گنجینه های تفکر اب عالی قدیم د که نابوشن های عارفانه آراسه سده اند. طبقه عالی هنگامی که در کنار از محیط کاهیان بودند بصورت هدیه باس بحیثا کمک های بسیار دیممی کردند پادشاهان، جنگجویان، دانشمندان و حتی زبان بر در این بحثها شرکت میکردند. تعداد اواناسادها زیاد است ولی ۱۲ عدد بسیار قدیمی هستند و سردهای آن متعلق به کمی بعد از در طی زمان تعداد اواناسادها رناسد و به ۱۰۸ عدد رسد و آخرین آنها در قرن ۱۹ بوسه سد که عنوان آن الله اواناشاد مناشد

دستورانی در خصوص طرز فریدن و درست کردن سوم Soma سر در اس ودا آورده شده است

سحش ودا ناکب مدهنی موحود دیگر ارفیل ورا آن - ارجیل - گرابا صاحب Grantha Saheb صحیح است و برا مؤلف کلبه کتب مدهنی نامبرده و فوق فقط یک نفر بوده و تمام کتاب سر در زمان حیات اس مؤلف یا سحسا بوسیله خود او و نااروی بعلمانیس بالف گردیده است (اوسا بوسیله نك سحش معین بالف نشده است بلکه مانند ودا در بالف آن حدیث بر سر نك مساعی کرده اند) در حالیکه ودانه و بها بوسیله یک نفر تصنیف شده است بلکه بالف آن سر در نك ورة مسحش ساناا بر سنده وین تاریخ بالف مسراها و زمان جمع آوری بعدی آنها بصورت سامهسا فاصله زیادی بوده است علاوه بر این در ادبای جهان بطرا اس مجموعه بر حجم که در آن کوسس های حدیث هر ارساله بشر که نسل بسمل بوسیله سس سفاهی منبعل شده بوده است و با نهایت دقت ممکن جمع آوری شده یامت مسود

بطور تقریب میتوان گفت که جمع آوری ودا باستانی در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد تمام شده باشد سواهد زیادی در ودا باف میشود که بوحود سك است به موحودیت رب الوعها و بقو آنان است به سر دلالت دارد

ا رسواهدی که در وداها باف مسوم حسین بر می آید که است به موحودیت رب الوعها و برتری آنان است به سر سك و بر دند هایی بر بوحود آمده است این سك و بر دندها بعضی اوقات طبقه بر همنان را بسیار عصای مکرر ده انسان برای هم فکر و متحد نگاه داسن مردم، بخاره و در مانده مسندند بخاطر اس حکام و اطمنان، بعضی از گاه ان بحسحوی دل خود بردا حد با حقیقت را درك کنند علاوه بر این عده بی یاعی است بوحود رب الوعها اندیشه های خود را بصورت بحوی نادوسان خود در میان گذاردند و یاسح آنرا سوالات بسیاری که در فلسفان پیدا شده بود حواسنا سدید

درجه دوم بنده نمودند با وفی علی رعم این رسد و بر فی حسدند و دها یعنی سر حشمه اندی داس همشه منبع موبق بشمار مرفسند

### اشعار حماسی ( Ramayana and Mahabharata )

یکی از آثار برجسته ای که در اس دوران بوجود آمد اشعار حماسی است که بدو دسته مسحص و محرا به قسم مسود Itihasa Legend یا یورانا (Purana) نامیده میشود. دسته دوم که بنسر روی اشکال رمینی و مصنوعی شعر بکته کرده و نام اشعار کاویا (Kavya Poetry) مشهورند نمائنده اصلی هر دسته مهابهارانا و رامانا هستند که اشعاری بنسار با ارس اند و محبوبیت زیادی بر کسب کرده اند. مهابهارانا علت رسد و بر فی سگفت انگیز و بارگی عبارات و علل متعدد دیگر بعنوان يك اثر بزرگ ادبی همانند ودانه المعارف شعر کلاسیک سباحه سده است.

داسان اصلی علت مطالب آموزنده و بعالم اخلاقی خود آنقدر پهنده و مبهم است که حوادده در رواناب و حکانات بزرگ آن کم مسود مصنف مهابهارانا « و ناس Vyasa » حکم ودانسمد معروف است که علاوه بر مهابهارانا ۱۸ یورانی دیگر بر نصف کرده است که مورد سانس عموم اهل ادب است. نام و یاس در ادبنا اوسانی بر عنوان يك حکیم مشهور ذکر گردیده است. مهابهارانای فعلی دارای صد هزار اسلوکا (Shloka) که بنسارنا هست براسر ایلناد و اودیسی Oddysey , Iliad بر رو بهم میناسد. این کتاب به ۱۸ فصل به قسم سده و يك فصل بوردهم بر بعنوان مکمل ناں اصافه گردیده است. این حماسه دارای عبارات بویگانه میناسد و سواهدی دردست است که ثابت میکند لافل دوبار این حماسه بنسار شکل یافته است. بر پایه شواهدی که در داخل حماسه موجود است عده ای عمده دارند که حماسه اصلی شامل ۱۸۰۰۰ اسلوکا بوده سس بعداد اسلوکاها به ۲۴۰۰۰ و در آخر با ۱۰۰۰۰۰ افزوده سده است.

داسان اصلی درباره کسمکس وردو خورد دوفبله همسایه نام یبحالها و کوروها Panchalas, Kurus است که اریک نراد و پسر عموی یکدیگر بودند کوروها در میلولوری

اوپانشادها فکر و دوق هندوها را میراث قابل ملاحظه ای تحت تأثیر قرار داده اند در حقیقت حدیثی رساله فلسفی دورملهای بعد بر اساس مطالعه اوپانشادها تألیف گردیده است در حالیکه قلاسمه مغرب زمین از قبیل کانت و سوپنهاور احترام بسیار زیادی برای اوپانشاد قائل هستند یکی از اولین محققین گران اوپانشاد سرامرا نور شاه جهای بود که دانشمند برجسته و ایرانی و ریل سانسکرت را بر آموخته بود ترجمه بعضی از قسمتهای اوپانشاد که توسط داراسکه Dara - Shikoh انجام گرفته است و سلم اوپانکھت Oupaneekhat معروفست فارسی سربر گردانیده شده است

### سو تراها • Sutras

رمان و دایی بر ما با اوپانشادها بنایان می رسد و بعداً شکل سو تراها ادامه پیدا میکند

سو تراها آخرین دایره ادبای و دایی است علت ادبای بر حجم و سودن وسائل کافی برای نگاهداری این آثار بصورت خطی یا حابی صلاح در آن دیدند که قسمت اعظم این آثار را بصورت کلمات فصار ( Aphorisms ) در آورند و بوسیله حافظه باقی نگاهدارند ، سو ترا بمعنی رسه یا کلمات فصار است که در آن یک اثر مفصل بصورت محصر مسود نا این روس ساده علما بوانسند مقدار زیادی از ادبای موجود را در حافظه خود نگاهدارند و از نابودی آن جلوگیری کنند

### ادبیات بعد از ودا

آثار ادبی دوره بعد از ودا از نظر مضمون و شکل و سایر مشخصات ادبی با ودا متفاوتند اگر چه تمام آثار سانسکرت با هم موسیقی دارند ولی ادبای و دایی اصولاً دارای مضامین فلسفی و مذهبی میباشد در حالیکه آثار کلاسیک پیشتر جنبه دسوی و رمانیک دارند

معاب معاصر با ساکنان اولیه و دیگر گون شدن مفاهیم مذهبی و سایر عناصر کای، رب النوعهای جدید اهمیت بیشتری کسب کردند و اکثر رب النوعهای و دایی موفعت

یادشاه آیودھیا (Ayodhyá) دور میرید این پادشاه طاهر آ نادر حیرت آفرینی از اهالی سرحدات ایران واقع در دواج کرده بود ، رن حوای نادر شاه منحواست بر خلاف سن مسلم که طبق آن حاشین سلطان سر از شد ملکه بر رگ مناسد رفتار نموده یسر خود را ولعهد سارد نادر سسه و بوطئه اس رن موفق سد که یسر خود را حاشین یادشاه سارد این عمل سب مرگ سلطان گردید و در نتیجه این رن توانست راما یسر بر رگ نادر شاه را به همراه رن و یکی از برادر اس بحنگل بعد کند

سنا (Sita) روحه راما که سنار رینا بود بوسله سلطان شطان صفت سنان ربوده میشود سار ر دو حوردهای راد سیاحتات ندا میکند و راما یسر شهر آیودھیا (Ayodhya) بر میگردد و سحت سلطنت حلوس میکند در سراسر داسان از راما بعنوان یک سبه رب النوع نادر شده و اعمال مهرانانه او در خصوص کمک به مذهب و یروان دس مورد سنایس قرار گرفته است در اس کتاب راما بعنوان رب النوع محسم فرص سده که ناکسن حید سلطان نظم را محدودا روی رمن بر قرار کرد

داسان راما نانا مهربای ممدادی قلوب هندان را محدود کرده بود و در سمال هند حیدین بر حمه آن از بر حوانده مسد راما بعنوان نك سلطان ایده آل بوصف شده و کتاب بر اسب از رید گابی حانوادگی ایده آلی و اسباط ناسکوه بن سوه ر - رن - بدر و سران و برادران و اطاعت از بر رگان این کتاب دارای محبوبیتی همگانی و شریستی خاص است

عقده بر این است که این کتاب بطور تقریب در ۸۰۰ سال قبل از میلاد بوشه شده است بدسال اس دوا بر حماسی دودسه ادبای محرا بو خود آمد بلافصله سار مهابهارا نا، نوراناها، که مجموعه های تعلیمانی و آموریده ناروح فرقه ایست بصیف گردید، این مجموعه ها بطور کلی راجع به مسولوری - کارهای بر حسه و حارق العاده رب النوعها مبارزه بن رب النوعها و سباطین و سحره نامه سلاطین شمسی و قمری بحث میکند اینها شامل اصولی از تاریخ قدیم هسند که بعلت مطالعه در حوبی اسحات لعب

و دانی بعنوان يك قبله مستعد نامرده سده است و بنا بر این مآنه و منشاء اصلی تاریخی آنرا میتوان در ۲۰۰ قبل از میلاد جست کوروها صدیها بودند در حالیکه (Panchalas) فقط پنج برادر ولی بطور قطع حواصمرد و نایمان بر بودند و از قانون سراطاعت مسکروند این قبله موفق شدند که دشمنان و مخالفین خود و متحدین آنها را هر از هر از قبل برسانند و سپس کناره گیری کردند و جنگها را رسید با با حمل عذاب جسمانی بونه کنند و گناهشان بحسده سود و در کوههای بر برف هیمالایا در گذسند

در حدود چهار بحم مهابهارانا احصااص دارد به داستانها و حوادث قدیمی متعددی که یانه و اساس اسعار و درامهای شعری بعد فرار گرفته اند داستان مسهور سکنتلا (Shakuntala) که بوسه کالیداس (Kalidasa) بصورت درامی حاودانی درآمد از این کتاب گرفته سده است و بالا دامایانتی (Nila - Damayanti) که محبوبت ر نادی در مسرقرمین کسب کرده از این کتاب بدست آمده است علاوه بر این داستانها از منظوم Bhagvadgita که بصورت يك قطعه ادبی عالی و فلسفی بدست رارسیده است بر رسمینی از مهابهارانا است بطور بقرت میتوان گفت که این حماسه بر رک در حدود ۵۰۰ قبل از میلاد بصورت فعلی تمام سده است در صورتیکه تاریخ شروع آن بایستی ۱۰۰۰ قبل از میلاد و یا حتی کمی قدیم تر باشد

### رامایانا Ramayana

رامایانا دارای اهمیت و ارزش معادل مهابهارانا است و اولین شعر آراسه بصابع بدیعی است که بوسیله والمنکی Valmiki تصنیف گردیده است این مجموعه شامل ۲۴۰۰۰ اسلوکا میباشد که به هفت کتاب بقسمت گردیده است پنج کتاب وسط صحیح بر و موبق بر بوده و از بقر ریان - سیک و مضمون بر نکدست و بکواحت میباشد

رامایانا بر از اسکاال بکامل بافه ریان و بر کتاب ادبی و شعری بیان سسکی آراسه است وضع این کتاب بیان میدهد که بوسیله بکر بوسه سده و از حرانی بحریف بر کنار مانده است داستان اصلی روی عملیات مهربانانه رامانا ، یسر دشرت (Dasharatha)



که میبایست در بیان را بر طبق زمان و حال بقلب بریرد علاوه بر این دو شعر ، سعدیگری ، ام مگه دون (Meghaduta) نامبر این ، بهر بن و طر بقیر بن امله ربانی و برمی است اگر چه اسعار کاونا (Kāvya) بن از کالنداس بنر نصف گردند ولی این اسعار رور برور حینه ساحسگی و تکلف بندا کرد و بهر حال آ از بر حینه نا ۱۰۰۰ قبل از میلاد مسیح بو حود آمد که از میان آنها شعرا بهاروی (Bharavi) ماگها (Magha) هارشا (Harsha) برای اسعارسان که بر روی داسانهای مهابهارانا ساخته سده مسهورند

### شعر برمی آثار کالیداس

گرچه قسمت زیادی از اسعار برمی سسکرت در نمایسامه ها ذکر گردیده است ، چند قطعه برمی مسفل بر فابل ذکر است از این قبل « مکهادونا » ( Megha - duta ) یعنی « بنک اس » ) و « ریسو سامهارا » ( Ritu - Samhara - یعنی « گردس فصول » ) مکهادونا این برمی لطیفی است که از بحلاف ساعر ناسی سده وداسان بو حوایی نام یا کشا ( Yaksha ) است که بر این لعنی از بو عروس حود دور بمعند و در آعوش کوه های همالانا بروی مسود ساعر در میان این داسان نامهارت نام ربانی های طبیعت رانار مگوند و عظمت جهان بنی مساند

« گردس فصول » داسان فصول سس گانه هند است که بنکی س از دیسگری سماسای جهان مآند در این انر عشق و عواطف رفیق دیگر و طبیعت دوسی بنجدا ساع حلوه گر است

### ۴ - آثار بیلها

حورانا پانچاسکا (Chaura - panchashika) این بیلها نا (Bilhana) ساعر کشمیری من یار دهم سنار ربا است گویند بیلها نا ساهراده حانمی بهانی بر دسوق مساحت و حون سراجام ماحرا بر ملا سنده مرگ محکومش گردند روری که وی را برای اعدام مسردند این اسعار را ساحت و حواند ساه را اسعار او حنان خوش آمد که عهوس کرد و معسوق را بدو داد

نصوری عزموتق در آمده اند علاوه بر این بطور سگفت انگیزی تمام نکات این مجموعه ها تحت نامر حدیدر محرا نو خود آمده اند اسمری ها (Smritis) کتاب قوانین سر نا این مجموعه ها از بناط داست و شامل ۱۸ کتاب اند که مهمترین آنها مانوا سمریسی (Manusmriti) یعنی قوانینی که توسطه مانو (Manu) وضع شده است میباشد این نام نا موحهر که در مسولوری اولنه ایران دکر شده سناخت سناز ریاد دارد

حدیدین سسر سر نه بروی از رامانا سر روده سده است که مضمون اکثر آنها از داسانهای مهانهارانا ورامانا کر فیه سده است این دوره را ناسنی دوراں سسر در نار نامدحه در این رمان هر ساعری تحت حمایب نك سلطان فرار مگر فت واشعار خود را ناو بقدیم مسکرد در حدود اوایل عصر مسیح و دو قرن قبل از آن وضع سناسی هند مرارل سد سس از فرن سوم با سسم گونا ( Gupta ) قدری مد ه دو ادساب را شوبق کرد

این دوره بعلت سسرف های همه حانه و بر فی عمومی آن به عصر طلائی تاریخ هند مسهور است در همین دوره بود که کالداس ساعر نو خود آمد و نامهارت در ساعری و قدر بجل و بناں قوی خود سهری سسرا کسب کرد اگر چه بعضی علمای هند عقیده دارند که این ملك الشعرا قبل از دوراں مسیح مرینه ولی سسر داسمدان معبدند که کالداس متعلق به دوره کونا ( Gupta ) میباشد و از سسر ای در نار و سکر امادی با ( Vikramaditya ) بوده است

کالداس ساعر سست بر حسنه و کم بطیر که عالیا ناسک سسر انگلسی معايسه مشنود او سوعی فراوان داست و در بوصف احساسات سسری و سسمهاات سسوی وار همه مهمسر بر گریده برن سسر ارب رمد و بطیری ندارد

دوسر او، را گهو و امسا (Raghu Vamsha) برادر اگهو (Raghu) کومار سامبهاو (Kumara Sambhava) نواد کومار از نظر نارگی واصل و رسانی بجل و مهارب فوق العاده سسری مسحص و معروف و اواساد سسبه است و دارای این موهبت سسرمیباشد

مبنای نمایشنامه‌های هندی است. هیچ مدرکی در دست نیست که بتوان نامگذاری آنها گفت که یونانیان در هند نمایش برداشند

محملاً نمایش‌های سسکریت بر مانند نمایش‌های یونانی در آثار جنبه دینی داشت. مدارکی در دست هست مبنی بر اینکه در اجرای ناره‌یی مراسم اساطیری برای انبیا بر بری‌خدایان بر شیطانی و سلط و یسنو ( Vishnu ) بر اهریمنان صحنه‌های نمایش بر بر نامشده است

#### ۴ - رمان نمایشنامه‌ها

حون نمایشنامه‌ها مرکب از شعر و در و صورتی بکلیت و حسیه کشیده بود. قطعاتی بر به گوس‌های محلی ( براکرت ) به آنها افزوده میشد. شخصیت‌های معین نمایشنامه بر ران سسکریت و آدم‌های معمولی و ران بگوس‌های براکرت سخن میگفتند

#### ۴ - موضوع

موضوع نمایشنامه‌ها اغلب متحد از حماسه‌های قدیمی بود. صور گوناگون عشق و گاه عواطف مهرمائی موضوع اصلی نمایشنامه را تشکیل میداد. بلخی و اندوه در نمایشنامه‌های هندی دیده نمیشد. ساعران کوسا بودند که آثار خود را با حوسی بنان رسانند و مردم را سرخوس سازند. بدیهی است که در نمایشنامه عم و سادی با هم آمیخته بود. ولی نمایشنامه باحوسی حایمه میناف و در آخر آن دعایی برای کامروایی و آسایش مردم خوانده میشد

هر نمایشنامه شامل چند برده ( ار یک ناده ) و هر برده مسمل بر چند صحنه میگردد

#### ۴ - نمایشنامه نویسان مشهور

پانزده نمایشنامه‌ار نمایشنامه‌های سسکریت اهمیت بشیری دارند. این نمایشنامه‌ها همه در فاصله قرن دوم پیش از مسیح و ۸۰۰ پس از مسیح بوجود آمده‌اند. مهم‌ترین

### ۳- آثار ناهر تری هری :

« شاتاکس » (Shatakas) یا « سده » نام سه اثر است از امرشاعر پیشه ناهر تری هری این آثار حاکی از مراحل سه گانه بی است که ساعر نموده است این اولی ( شرینگر - Shringar ) گویای مرحله عشق و سوزندگی است این دوم ( بی بی - Niti ) رساننده مرحله بعلم و بملک نفس و این سوم ( ویراگنا - Vairagya ) حاکی از برک دنیا و سهو و هوس است

از میان سایر آثار ناهر تری هری « آمارو شاتاکا » ( Amaru Shataka ) که داسان عسقی حسنی است از رس نسری دارد  
ناهر تری هری در بیان عواطف رفیق اسناد مسلم است

### ۴- آثار چندوا

یکی دیگر از آثار مهم قرن دوازدهم « گیتا گوویندا » ( Gita Govinda ) منظومه معروف چندوا ( Jaideva ) است در این منظومه عشق کرشنا ( Krishna ) بیان شده است

گیتا گوویندا « نمونه آثار دوره تحول نمایشنامه های سنگالی است این معنی که یاترا ( Yatra ) ها با مراسم و سریتاف ارباب انواع، صورتی مردم پسند در میان اسعار چندوا بنابر سربس و سلس است

### نمایشنامه های سسکریت

#### ۱- تئوری

آغاز رمانی نمایشنامه های سسکریت معلوم نیست میتوان گفت که قرن سوم پس از مسیح نمایشنامه های سسکریت بصورت تکامل یافته بی در آمده بودند برخلاف نظر برخی از محققان اروپایی نمیتوان نمایشنامه های سسکریت را اساسی از منابع یونانی دانست نمایشنامه های سسکریت واحد مشخصات اصل هند میباشد و شاید پس از سلط یونان در باکتریا ( Bactria ) فقط از لحاظ فنی با انداز بی رین هود نمایشنامه های یونانی فرار گرفته باشد برخی محققان ناورد دارند که مکالمات منظوم ریگودا

## افسانه ها

مهمترین خدمت هند به ادبیات جهانی در افسانه‌های عامیانه است. اخلاق و تعلیمات و مبانی و فلسفه اجتماعی خوبی در افسانه‌ها منعکس است. معمولاً دربارهٔ حادثه معینی عده‌ای افسانهٔ مختلف بوجود می‌آید و پراکنده می‌شود. افسانه‌های هند در ایران و عالم اسلامی بخش سد و بجاهای دیگر رسد.

### ۱ - پچاتا نرا

ارمنان افسانه‌های هند پچاتا نرا یا کتاب چهار فصل شهرت بسیار دارد. طاهر آ ناندیت و بشو سارما (Vishnu Sharm) برای برست پنج سر ناسا به نالف این افسانه‌ها دست زد. از تاریخ نالف اطلاعی در دست نیست. اما می‌دانیم که در قرن ششم به یهلوی و سس به فارسی ترجمه شد، همچنین در همین زمان به زبان سریانی درآمد. از ترجمهٔ فارسی آری مانده ولی ترجمه یهلوی نافی نیست. عنوان ترجمه سریانی «کنلک ودمک» مناسب است که در عربی «کنله ودمه» شده است. از معاسه این ترجمه هاجس می‌آید که من اصلی (سکریت) در کتاب «ناترا حایکا» (Tantirakhyika) سالم بر مانده است.

### ۲ - در ادبیات بودایی حیمی

بعضی برای این افسانه‌ها مناسبی بودایی وحشی فابند سک نیست که بسیاری از قصه‌های بیروان آیین حن (Jain) و افسانه‌های مربوط به ولادت بودا از دیر زمان در هند سنوع داسه است ولی نمی‌توانیم ارتباط این افسانه‌ها را با مآخذ بودایی و وحشی معلوم کنیم.

در هر حال افسانه‌های کنله ودمه در اروپا نام افسانه‌های «پیل پا» یا «پیل پا»

مشهور شد و در داستانهای لافوس مؤثر افتاد.

### ۳ - هیتوپدشا

مجموعه دیگری از افسانه‌ها نام هیتوپدشا (Hitopadesa) از کنله ودمه گرفته

نمایشنامه نویسان این دوره عبارتند از ناسه ( Bhasa ) و کالداس و سودراکا ( Shudraka ) و باوانوبی ( Bhavabhuti ) و سری هارشا ( Sri Harsha ) ، ناسه از دینگران قدیم تر است و نمایشنامه های سروده گانه او با اوایل قرن حاضر در دست نبود این نمایشنامه ها بسیار ساده ، لطیف و مؤثر می باشد و موضوع اصلی اغلب آنها افسانه های مردم سبند حماسی است

### ۵ - شودراکا

مرنك حاکم کاما ابر سودراکا بر ارس فوق العاده دارد پس از آن کلی کارب - ( Clay - Gatt ) دارای ارس ر باد و حاکی از داستان عشق نك حوا و برهم است و عوامل ماعد طبعی در آن وجود ندارد در بعضی از صحنه های این نمایشنامه بریان باراکرت گفتگو مسود

### ۶ - شاکونتالا اثر کالداس

مسلمان رحسه بر بن نمایشنامه نویس ه د کالداس است و ساکونتالا ( Shakuntala ) ابر معروف او همنامه عالی ر بن آثار نمایشی حوا می باشد کالداس سه نمایشنامه رومانیک نوشت ساکونتالا نام بانوبی است که عشق او با ناساه دوسناتا ( Dushyinta ) موضوع نمایشنامه است اصل این نمایشنامه از مهابهارات ( Mahabharata ) است ولی کالداس آنرا با لطف و مراع کامل بیان کرده است این نمایشنامه بعدری در گونه نوشته بر ر ک آلمانی ابر کداشت که سعری درباره آن سرود دکنر هادی حسن اساد دانسگاه علیگر خلاصه این نمایشنامه را به فارسی در آورده و آقای علی اصغر حکمت سعیر کنر سابق ابران در هند بر آنرا نظم فارسی در آورده اند

### ۷ - بهاوانوبی

بهاوانوبی ( Bhavabhuti ) بعد از کالداس نمایشنامه نویس بر حسه ایست و « او ارام حارما » ( Uttara Ram Charita ) که وی برای داستان رامایانا فراهم کرد بسیار رما است کرچه نویس این موضوع باقرن سردهم ادامه باقی بار ابر بهاوانوبی هیچگاه از رویی نماند

مشاهده میشود که شاید نااندره‌ای تعلیمات اخلاقی محسوس و روس افسانه‌های بعدی را در بر ندارد

هرتل (Hertel) یکی از دانشمندان مسهور عقیده دارد این افسانه‌ها دست کم از دویست سال قبل از میلاد مسیح وجود داشته است بنفی (Benfey) یکی از دانشمندان بزرگ آلمان اظهار میدارد که اصل این افسانه‌ها بودایی بوده، ولی در این مورد دلیل فاطمی اظهار نموده است بعضی از دانشمندان اروپایی که سر دسینه آنها ویر (Weber) است، طرفدار فرضیه یهودیونان در این افسانه‌ها بوده ولی تئوری آنان با دلیل قانع کننده‌ای همراه نیست و مدارکی برای اثبات آن در دست ندارند

یکی از مهم‌ترین افسانه‌های تعلیماتی و اندر آرمس پنچاتانرا (Panchatantra) است که علت داسن پنج فصل بدین نام خوانده شده است این کتاب توسط بر رویه (Buizoi) در زمان ساطب انوسروان در حدود سال ۵۴۵ میلادی به زبان بهلوی ترجمه شد ولی مناسباً ترجمه بهلوی واصل سه سکریت آن از این رفته است ترجمه بهلوی بر رویه مانین سالهای ۵۷۰ و ۷۵۰ به زبانهای سیرناک و عربی ترجمه شد و سنارحای رعجب است که هم ترجمه بهلوی و هم ترجمه عربی کتاب مجموعه افسانه‌های پنچاتانرا به نام کلنله و دمنه خوانده شده است سایداین کتاب در هند در اسدء نام «کاراناکا» و «دمناکا» نام دوسعالی که نفس مهمی در یکی از فصول کتاب بر عقیده دارند خوانده شده است بعضی از دانشمندان عقیده دارند این کتاب در اسدء فقط دارای سه فصل بوده و بعدها که دو فصل دیگر بدان اضافه شد نام پنچاتانرا یعنی پنج فصل خوانده شد

بهر حال حکایات پنچاتانرا مدت دو هزار سال است که در هند کاملاً محبوب و مداول

است این کتاب بعد از انجیل تنها کتابی است که با این اندازه به زبانهای مختلف دنیا ترجمه شده علاوه بر این ترجمه‌های مختلف، که عموماً از ترجمه عربی کتاب افسان شده

آثاری از این افسانه‌ها در کتابهایی مانند La Moral Filosofia, La Fontaine, Fables of Pilpai or Bedpai, Buch der Biespe

سده است این مجموعه که از اولین کتاب فارسی حوادث کائنات سسکریت است، شامل چهار کتاب است مجموعه دیگر «ونال- پانچایمساتی» (Vetala - Pancavimsati) نام دارد، شامل ۲۵ افسانه مجموعه دیگر، «سوکا - سانساتی» (Shuka - Saptati) شامل ۷۰ افسانه است

#### ۴ - منابع دیگر

«کانا - سرب - ساکار» (Kathi - Sarit - Sagar) ، «بریهات - کانا - مجاری» (Brihat - Kathi - Manjari) در قرن نازدهم نویسنده کاشمیر (Kashmir) بنظم سد و مرکب ارسن ویر است

#### ۵ - نثر نویسی

گرچه ادبیات منثور سسکریت عی نیست، از برخی آثار مهم منثور مانند آثار «داندی» (Dandin) و «بانا» (Bana) و «سواندهو» (Subandhu) از رستم راوان دارند کدامباری (Kadambari) از بانا بسیار بنا است

البته در این محضر از آثار فلسفی و حقوقی و پزشکی و سسکریت نامی نماند

است

#### افسانه‌های هند و کلیله و دمنه

مبدأ تاریخی افسانه (۱) های ادبیات سسکریت با اندازهای تاریک بوده و روی این اصل مسائل مهمی در آن وجود دارد که حتی با امروز هم لایحل مانده است بنابر مشکل است که بتوان اظهار داشت که این افسانه‌ها در چه زمان شروع شده و چه کسی اصل و بانه آنها را بنام نهاده است در ودا که یکی از منابع نخستین و مهم آریاهاست چند افسانه دیده مسود در اوبانسادها (Upinadas) و مئون دیگر حکایات و داستان‌هایی

۱ - لغت افسانه در این مقاله ترجمه لغت انگلیسی fable است که عموماً به بند و

اندردهای که صورت افسانه‌هایی از زبان حیوانات بنام مسود اطلاق میگردد بهترین نمونه این افسانه‌ها کلیله و دمنه است





و کتب دیگر مشاهده نشود. تقریباً تمام زبانهای ادبی جهان شامل برحمة افسانه‌ها و حوسمر کنها و مکاتبات آن می‌باشد. اگرچه اصل این کتاب متعلق به هندها بوده ولی ایرانیان در انبار آن سهم بسیاری داشته‌اند و چنانکه گفته شد اولین برحمة آن به زبان پهلوی بهمه و اساس برحمة بعدی عربی این کتاب گردید.

نایبیکه این افسانه‌ها بمطوّر بصایح و بعالم عملی اخلاقی برای ساهرادگان بهمه سده ولی نویسنده آن رحمت فراوانی برای حالت شدن آن محتمل سده است. مؤلف با بر بست ماهرانه و هنرمندانه‌ای ( مانند حعه سندرلا Cindrella ) این افسانه‌های خدا ارهم را که در عین حال مجموعاً حکایت طولانی را ادامه می‌دهند، سرخ داده و حکایات متعددی برای اثبات نظرات اخلاقی خویش بیان نموده است. عموماً فرمانان این افسانه‌ها حیوانات بوده و گناهان بر نفس‌های کوحکمری را برعهده دارند. این عادت انتحاب حیوانات در افسانه‌ها يك سبب قدیمی است که در هندوسان وجود داشته و چند افسانه بدین گونه در ودا و اوبانسادها و ماهانهارانا وجود دارد که در آنها حیوانات از حکمت و دانس گفتگو می‌نماید. هم‌چنین در افسانه‌های مربوط به ولادت بودا، حیوانات نفس مهمی را برعهده دارند.

این طرز افسانه‌های خدا ارهم که در ضمن مجموعاً افسانه طولانی را ادامه می‌دهند در مرون وسطی بسیار مداول بود. حکایات سبهای عرب و هزار و يك سب یکی از نمونه‌های آن است.

۱

، چنانچه در نسخه‌های مختلف و متووع وجود دارد و متووع این نسخ بعلت و جموست این کتاب بوده که در هر دوره افسانه‌های آنرا با وضع زمان بعدیل و نسبت به مابلات و احتیاجات خویش بعدرانی به‌من کتاب داده‌اند. بعدر احاب ( Recension ) پهلوی چهار حاب مهم دیگر، امهای حاب شمال عرب، حاب کسمیر، حاب نیالی و حاب ه نویدسا خواننده می‌سود. آخرین حاب بنا بر روس، چنانچه را بهمه و در آن صریحاً افراد سده است که با حه اندازه مرهون، چنانچه را می‌نماید.

## ب - مصرع مرکب

آی	ai	ای	e	کمی
او	ou	او	o	لی
آح ah ( با فشار تلفظ میشود )				
آم am ( عهه )				

## حروف بی صدا

n	گه	gh	ک	g	که	kh	ک	k	Guttural	گلوبی
n̄	حه	jh	ح	j	حه	ch	ح	c	Palatal	کمی
n	ده	dh	د	d	ده	th	ب	t	Lingual	معری
n	ده	dh	د	d	ده	th	ب	t	Dental	دندانی
m	ه	bh	ب	b	ه	ph	ب	p	Labial	لی
	و	v	ل	l	ر	r	ی	y	Semi - vowels	نیم صدا
	س	s	س	س	س	س	س	s	Sibilants	صفیری
	ح				ح			h	Aspirate	وشاری
m	n	n	n	n	n	n	n	n	Nasal	عهه

## ۱ - اسامی و صفات Nouns and Adjectives

الف - درس سکریت اسامی و صفات آنقدر بهم سنه و بر دك اسب كه مینوا  
 نكجا ار آنها بحث كرد اسامی و صفات دارای سه حس یعنی مدكر ومؤت و حسی  
 میباشد

هیچ فایده مؤكدی دربارهٔ تشخیص و تعیین حس در زبان سسکریب وجود  
 ندارد بلکه فقط از روی استعمال يك اسم با صفت مینوا بحس آن بی برد مثال

آسوا « نریان » ( اسب ) ، مدكر

مالا ( باح گل ) ، مؤت

## ۳ = مختصری دربارهٔ دستور سنسکریت

فراگیرندگان زبان سنسکرت اغلب بعلت دستور آن هر اسان مسوید در حالیکه دستور سنسکریب حیدان بچیده و مشکل نیست بلکه جامع و کامل است و اگر کمی دقت شود، مسلم خواهد گردید که مطلب بچیده‌ای وجود ندارد که در مسدیان اتحاد بررس نماید زیرا هر ربانی کتبیب مخصوصی دارد که با حوصله و برین فابل ناد کرفین است و اینکه داس آمو را با ساحمان و اصول زبان آساند مسواید سهولت برسرمت کند

مطالب محصر دسل اسکالات اولیه کرامر سنسکریب را به آسانی بر طرف خواهند کرد

### الفباء سنسکریب

زبان سنسکرت با حط دوناگری (زبان حیدان) Devanagari بوسه مشود نموبه حروف آنرا در سمب حدا کانه‌ای بعداً حواهم آورد و در ایجا الفباء سنسکرت را با حط لاین و فارسی می آوریم حط دوناگری دارای ۴۸ حرف است که شامل حروف صدا دار و بی صدا است و این حروف بر طبق قواعد علمی صدا سناسی (Phonetic) دسته بندی شده‌اند

### حروف صدا دار

الف - مصوب مفرد

آ	ا	ا	گلوبی
ای	ای	ا	کامی
او	ا	u	لی
ری	ری	ر	معری
	لری	lr	دندانی

مفرد	دسته	جمع
Nom s (m,f) m (n)	au (m,f,n) i (n)	as (m,f) i (n)
Acc am (m,f) m (m,f,n)	au (m,f) i (n)	as s (m,f) n (m) i (n)
Ins a (m,f,n) ina (m,n)	bhyam (m,f,n)	bhis (m,f,n) as (m,n)
Dat e (m,f,n) ya (m,n)	bhyam (m,f,n)	bhyas (m,f,n)
Abl as (m,f,n) t (m,n)	bhyam (m,f,n)	bhyas (m,f,n)
Gen sa (m,f,n) sya (m,n)	os (m,f,n)	am (m,f,n)
Loc i (m,f,n) sm, su	os (m,f,n)	su (m,f,n)

#### ۴ - ضمائر و اعداد Pronouns

الف - ضمائر و اعداد بر اثر حث ح س و عدد سه دسته به قسم میشود ضمائر  
حالت بدانی ندارند در حالیکه اعداد دارند  
ب - ضمائر شخصی عبارتند از

جمع	دسته	مفرد	
te	tau	sah	اول شخص
yuyam	yuvam	tvam	دوم شخص
vayam	avam	aham	سوم شخص

همانطور که ملاحظه میشود این ضمائر فقط در اول شخص اثر حث مد کر و  
موث بر می کنند و در سایر اسخاص عملاً نیکی هستند

ج - ضمائر اساری دارای سه حس و سه عدد و هفت حالت هستند

د - استعمال ضمیر موصولی یاد نا حدی در زبان سسکرت عجب است این  
ضمیر دارای سه حس است در سسکرت ضمیر و اسمی که ضمیر بآن عطف میشود

فعل از جمله موصول می آید مثلاً *yam balam hyah apasyam sah agatah*

یعنی آن سر را که دست دادم او آمده است

ه - ضمیر اسمیهامی *kim* دارای سه حس است برای دلالت بیک معنی

مهم، گاهی نیکی از بساویدهای دلیل باین ضمیر اضافه میشود

## حلام (آب) ، حبسی

ب - همه اسمی و صفات از حیث عدد سه دسه نهمه مسوید مفرد و سبه و جمع استعمال سبه در سسکریت سمارمداول است ، بر خلاف زبان یونانی که در آن سبه در حال فراموش شدن است

ح - کلمات سسکریت دارای هسب حالت هسند فاعلی - مفعول به - مفعول فیه - مفعول عنه - مفعول مع - ملکی - ندا - حالت فاعلی و ندا فقط در مفرد بعبر می کند و بصریف حبسی در فاعلی و مفعولی عینا یکی است

د - کلمات حبسی در تمام حالات تابع مذکر هسند مگر در حالت فاعل و مفعولی رسه اسمی و صفات و مسند و فعل با نه حروف صدا دار حتم مسوید و با نه بصدا حروف آحر اصلی عبارتند از

۱ - رسه هایی که نه «ا» و «آ» حتم مسوید ، دسه اول مذکر و حبسی و دومی اغلب مؤنث هسند اسوا - مذکر ، حل - حبسی ، مالا - مؤنث

۲ - رسه هایی که نه ای و او حتم می سوید این رسه ها در تمام جنس ها ناوب مسوید ، اگر چه بسر رسه ها سکه نه «او» حتم مسوید مذکرند

مثال کاوی (ساعر) ، مذکر مائی (عقل) ، مؤنث واری (آب) ، حبسی بهائو (خورسند) ، مذکر مادهو (عسل) ، حبسی دههو (گاو) ، مؤنث

۳ - رسه ها سکه نه ای و او (کننده) حتم مسوید این رسه ها اکثر سان مؤنث هسند مثال

نادی (رودخانه) داسی (کلفت) وادهو (عروس)

۴ - رسه هایی که بحروف بی صدا حتم مسوید متعدد هسند و شامل هر سه جنس مناسبند ولی آم و اس بسر حبسی هسند

۵ - رسه هایی که نه ری و ری (کننده) حتم مسوید اینها در هر سه جنس یافت مسوید مثلا پیتر (بدر) ، مذکر ماتری (مادر) ، مؤنث داتری (نحسده) ، مذکر و حبسی

ه - بعنبراب طبعی برای حالات مختلف در سسکریت سرح ریر است که بر طبق قواعد گرامر بعبر می کند

**Non - thematic** است و ریشه‌های آنها حروف دیگری میگردند که بر طبق آن حروف

بر دسته بندی میسوند

**Thematic** \ bhū - bhavati , \ dr̥ - pacyati

\ tud - tudati , \ cur - corayati

**Non - thematic**

\ as - asti , \ dā - dadati , | su - sunoti

| krī - krimati , \ rudh - rundhati , | kī - karoti

**Moods and Tenses** **رمان و نحوه افعال**

امعال دارای سه رمان هستند کدسسه (هاسی) و حال و آده

رمان حال دارای چهار وجه است وجه اخباری - وجه امری - وجه الترامی -

وجه دعایی

**Benedictive - Optative - Imperative - Indicative**

رمان کدسسه به ماضی مطلق و ماضی نقلی و هاسی بعد و (Aorist) مسمم

می سود

**Aorist Imperfect and perfect**

رمان آده به ماضی ماضی و مستقبل بعد و شرطی بعد و مسود

**Conditional , Indicative , Immediate**

بهر حال رای مدندان باد که در چهار وجه بر بنابر ضروری و آسان است

۱ - حال اخباری ۲ - امر ۳ - آده بعد ۴ - ماضی نقلی

**Past - imperfect , Future - indicative , Imperative , Present - indicative**

**افعال مشتق** - سه سکر بت دارای خصوصیت دیگر است و آن است که فعل اصلی

بر حسب معنی مورد نظر با انواع مختلف ، تصرف میگردد ، از میان این انواع حد قسم

بر بنابر مداول است

**Causative Verb**

۱ - سینی - این اسباق با افزودن iy به ریشه ساخت مسود و بخصوص در -

هر چه

حس مع می

Masc	kas - cid	kas - canı	kah - ıpı
Fem	ka - cid	ka - canı	ka - ıpı
Neu	kim - cid	kim - canı	kim - ıpı

ه - اعداد يك - دو - سه دارای سه حس حسسه د ولى يك فقط مفرد و دو فقط

بسته و سه فقط جمع است از سه داده فقط در جمع بصرف مفیدند

### ۳ - فعل THE VERB

الف - زبان سه سکرت 'رحت ر سه افعال می است و از این لحاظ سه افعال  
مراوانی زبان توان دارد افعال و دانی زبان ، دارای اسباب مختلفی بوده که در زمان  
حاضر بمران قابل توجه از اعداد آنها بسته شده است

ب - افعال سه سکرت - دارای دو باد و سوم و مجهول حسسه د ، علاوه ، بناء معلوم  
ه دو حالت قسم مسود و سوم و مانه اس دو باد دارای بصرف جداگانه حسسه د و  
گاهی يك ر سه ر باد صرف مسود و باد و سوم بوسیله اسم (Parasmai - pada)  
و باد مانه بوسیله اسم (Atmane pada) ساخته مسود

(معاوم) Active *ah yajiti* او فریای میکند

(مانه) *sin yajate middle* او فریای میکند

(مجهول) *teni yajate passive* بوسیله او فریای مسود

ج - اسباب - افعال در سه سکرت دارای سه شخص هستند که هر شخص سه یا  
مفرد است یا بسته و با جمع هر حال باید دقت کرد که اول شخص سه سکرت معادل  
باسوم شخص زبان فارسی است

د - ر سه افعال در سه سکرت بسته و سه و سوم و مجهول که هر دسه دارای بصرف

مخصوصی است برای آسانی میتوان افعال را بدو دسه تقسیم کرد

Thematic non-Thematic بصرف دسه اول و چهارم و سوم و دهم Thematic

است و ریشه آنها میکنند بصرف دسه دوم و سوم و پنجم و هشتم و نهم



منشود این حروف بصورت حرف اضافه استعمال میگردند با حالت اسم را بهر  
سان دهند

بدون نك مسخدم sevakena vina , sevakam vina - ( بدون ) vina

sevak id vina

با يك مسخدم sevakena saha - ( با ) saha

ح - کلمات زیر کلماتی هستند که با بر فرار داد و استعمال مداوم بعنوان مد  
( حرف اضافه ) و حرف ربط استعمال میشوند و غیر مصرف اند

ucaih	با د و بالا	nicaih	ناین
adhah	ناین	upari	بالا
kutra	کجا	tatra	آجا
atra	ایجا	anaih	آهسته
api	هم ، بر	sai va di	همسه
tad i	آن وقت	yada	و فیکه
kintu	اما	yadi	اگر
va	با	eva	فقط

د - کلمات اسمیهایی - بعضی از کلمات اسمیهایی صمیر و دارای حس و عدد و

مصرفات در حالیکه عده دیگر غیر مصرف

Pronouns	kimi	چه
	kah	که
	kimi - artham	حرا
Indeclinables	kad i	کی
	kutra	کجا
	kat i	چقدر

موردی که شخص دیگری عر فاعل ، بشو یق با انجام عمل نمکند نگار برده مسود مثال  
gam - gamayati \ رفیس - او مبرود - او روانه نمکند

### Desiderative Verb

۲ - هوسی - و آن در مواردی استعمال مسود که عرض بدان هوسی ناسد برای  
ساحس این فعل، ریشه اصلی تکرار و حرف S اضافه مگر در مثال gam - jgamisati \  
او متخواهد برود

### Denominative Verb

۳ - اسمی - اس وجه عباریست از بصر یف اسم مانند فعل مثال  
sukha - sukhayati حوسحنی - او حوسحنی مآورد  
tapas - tapasyati ریاص - او ریاصت نمکند  
gardabha - gardabhiyate الاع - او احمفی نمکند

### Adverbs , Prepositions and Conjunctions

۴ - فید - حرف اضافه - حرف ربط  
الف - مساوند های فعلی - س سکریت دارای مساوند های متعدد یست که بصورت  
فید استعمال مسوند در معنی فعل واسم هر دو بعر میدهید

اس یشاوند ها حای مسفلی ندارند ولی باسم وفعل اضافه مسوند  
gam anu - gacchati / او دنبال نمکند  
sam - gacchati جمع مشود او همراه مسود یکی مسود  
nir - gacchati او خارج مسود  
ava - gacchati او میهمد

ب - حروف اضافه - در سسکریت حرف اضافه بمعنی واقعی خود وجود ندارد  
ولی چند حرف غیر مصرف هسند که عمل حرف اضافه را انجام میدهید با وجود اس  
حروف غیر مصرف هر کر وجود مسفلی از خود نداسنه وهمسنا باسم یاصفی نگار برده

\ ki kītah tena kūyam kītam کار بوسیله او انجام شد

\ gam gatah , sah gatah گونا او رفته است

ه گامسکه معنای افعالی از اس فعل گرفته مسود اس کلمه ح س معمول خود را میکرد و فاعل آن مابد وسیله انجام فعل ( Instrumental ) استعمال مسود

\ drs - drstah , teni bilah distah بسر بوسیله او دیده شده

distā - tena bala - distā دحس بوسیله او دیدد شده

### Gerund and Infinitive

ب - Gerund عبارت از يك نوع اسم مصدر حاصی است که دارای معنی فعلی باشد و بر ب دبل ساحه مسود هرگاه فعل دارای بساوند باشد tv را ، رسته ضعیف آن مافرا اسم ولی اگر فعل بساوند همراه داسه باشد جای tv , ya را اضافه میکنیم

\ gam gatvā , gam igatvā - رفته آمده

\ ki kītvā , upa - ki upakṛtya فایده کرده

مصدر - مصدر با اضافه کردن tum و رسا فعل ساحه ، مسود

\ gam gantum برای رفتن

\ ki kīrtum برای کردن

### Comparative and Superlative degrees صفت تفصیلی و صفت عالی

۱ - مابد هارسی، صفت تفصیلی با اضافه کردن tara و صفت عالی با اضافه کردن tama صفت مطابق ساحه مسود

dura دور duratara دورتر duratama دورترین

۲ - بعضی از اسامی که نه iyas ح م میشوند با اضافه کردن istha با آنها صفت،

عالی ساحه میشود

چطور katham

باجه وف kada paryantam

### VERBAL NOUNS ( present and past – Participles )

۵ - اسم مصدر Verbal noun - مصدر - اسم معقول - اسم فاعل

الف - اسم مصدر - اسم فاعل Present participle

۱ - اسم فاعل - با اضافه کردن at بر سه بناء معلوم و mana ( na ) در بعضی حالات بر سه بناء مبالغه مسود و فاعل بصرف بهر سه حس است در حقیقت و مبنی at نه ریشه ، اضافه مسود برای مذکر به شکل an و برای مؤنث به شکل anti در می آید

اسم فاعل در زبان حال استمراری دلالت بر دو عمل میکند مثال

در حال افتادن او دسمن را کست Patan sah nim hativan

۲ - اسم معقول معلوم Past - participle - عبارت از اسم معقولی است که برای بصرف فعل معلوم استعمال مسود این نوع اسم معقول با اضافه کردن tavat بهر سه ساحنه مسود اسم معقول معلوم تمام احوال حسگانه صرف مسود و بر حسب حس vat را به van در مورد مذکر و به vat در مورد مؤنث تبدیل باید کرد

krtavatī (fem) , kī - krtavat krtavin (masc)

۳ - اسم معقول مجهول - وند که ta با na مانند ساوند بر سه فعل متعدی افزوده مسود يك صفت فعلی مسارد که دارای معنای مجهولی است که آنرا اسم معقول مجهول میتوان نامید هر گاه هم ta a na يك فعل لازم اضافه شود حالت مجهولی خود را از دست داده مفهوم گذشته غیر معین بوجود میگرد

مانند سایر ریشه های که به a حتم مسوند این ریشه نیز دارای سه حس و بهر سه

حس بر فاعل بصرف است

ح - وقتی که **u** بدسال **a** نباید اریر کیب **i - a**، حرف صدادار **e** و اریر کیب **a - u**، حرف صدادار **o** بدست میآید

atra - idanım atredanım حالا اینجا است

gatā - uparı gatoparı بالا رفته

د - وقتی که **e** یا **o** بدسال **a** نباید، اریر کیب **e** یا **a**، اریر کیب **o** یا **a**، **au** بدست میآید

atha - ekadā athaikadā بعداً یکبار

tatra - odanam tattraudanam تریح آجا است

ه - قواعد مربوط به **s** و **r** متعدد است و بعداً بنان خواهددند **s** هرگاه در آخر کلمه واقع شود اغلب به **h** تبدیل میگردد ولی اگر حرف **a** بر آن معدم باشد به **o** تبدیل میشود

balah patatı سربچه مافد

sah atra astı-/ so , trastı او اینجا است

### کلمات مرکب Compounds

بر کیب دو، سه کلمه باهم در زبانهای هند و اروپایی بسیار مداول است زبان سسکرت برار این قاعده مستثنی نبوده، کلمات مرکب فراوانی در آن بحشم محورد سایر محل کلمات، بر کیب آنها را سش دسه، بقسم میتوان کرد در کلمات مرکب فقط آخرین حرف، بر حسب حالت کلمه، تغییر می یابد

مثال

۱ - وقتی که عضو اول دارای اهمیت است ساهراده (شاه - راده) rāja-putrah

۲ - وقتی که عضو دوم دارای اهمیت است مارسناه krsna - sarpah

۳ - وقتی که هر دو عضو دارای اهمیت هستند مادر و پدر māta - pitarau

کوچک کوچکر کوچکریں *kanīyas kanīyan , kanīstha*

بررکٹ بررکریں بررکریں *jyayas jyāyan , jyestha*

### ادغام و عدم توافر *Euphonic inflexions*

ادغام با *Sindhi* در زبان سسکریت عبارت است از برکت حروف آخر کلمات با حروف اول کلمات بعدی برای عدم توافر اصوات آن حروف اگر چه ادغام در اغلب زبانها کم و بیش افع مسود و در زبانهای اروپایی به *Euphony* معروف است در زبان سسکریت این حران بعد اعلای تکامل خود رسیده و مسمت لایفیکی از دستور این زبان را شکل داده است

برکت و حسابیدن دو کلمه رحسب حروف صدا دار و بی صدایی که در آخر و اول کلمات مورد نظر قرار گرفته ، تابع قواعد مختلفی است بعضی با سیماه تصور میکند که ادغام و عدم توافر را بنده حمل و تفکر محققان دستور را سب و لی باید دانست که ادغام و عدم توافر بنده است طبعی که محققان دستور زبان قواعد آنرا مرتب نموده اند

برای درک این مطلب به راست دانسجوان بدروسی که در آخر کتاب حاضر آورده سده مراجعه کنید در این دروس کلمات ادغام سده بطور جدا گانه ذکر گردیده است

دنبلا ااره ای از اسکال سه ااره عملی ادغام را ناد آور مسویم

الف - هرگاه بردنکی ر باد بن دو حرف صدا دار مورد نظر باشد برکت آندو با کسیدن همان حرف صدا دار بدست می آید

*kad - api kadapi*

*kavi - sah kavisah*

ب - وه سکه *a* بدستال *u* ساند *y* و *u* به *v* تبدیل مسود

همن طور *iti - api ityapi*

عسل ساورید *madhu - anaya madhvanaya*

# درس اول = اسمها

۱ - اسمهایی که بحروف باصدا حتم میشوند .

الف - کلمات مذکر ومؤث که به ( a ) حتم میشوند

مد کر	حتمی		
اسب	asva	میوه	phala
حر	kharā	بروت	dhana
شیر	simha	ناح	nakha
طوطی	suka	علم	gyana
کنور	kapota	سحابوت	dana
فیل	gaja	گل	puspa
سر	ustra	برک	patra
گرگ	vrka	رور	dina
یسرجه	baIa	عدا	anna
مرد	jana	گوهر	ratna
درخت	vrksa	آب	jala

ب - کلمات مؤث که به ( ā ) حتم میشوند

ارس - لشکر	senā
ناح گل	mala
دحرجه	bala
سایه	chayā

۴ - وینی که هیچ يك از اعضاء دارای اهمیت نیست و کلمه مرکب معنی جدا گانه ای

را میسرساند ( حاسوس - حشم ) ناساه cāra - caksu

۵ - وینی که عواوّل از حروف عبر قابل بصریف ناسد ( هم - سمر ) مسخدم

anu - carah

۶ - وینی که یکی از کلمات جزء اعداد ناسد یحاج ( پنج - آب ) panca - nadam





۲ - صرف کلمات حسی محسوس به ( a )

phala ( میوه ) - حسی

Nom	phalam	phale	phalāni
Voc	phala	»	»
Acc	phalam	»	»

صرف حالات دیگر ماسد صرف مذکر است

۳ - صرف کلمات مؤنث محسوس به ( a )

hala ( دحر )

Nom	bālā	bale	balah
Voc	bale	»	»
Acc	balīm	»	»
Instr	balaya	balābhyam	balabhih
Dat	balayaḥ	»	balabhyah
Abl	balayaḥ	»	»
Gen	balayah	balayoh	balānam
Loc	balayam	»	balagu

تمرین

کلمات زیر را فارسی برگردانید

sukam balan asvena **gajaya** janaiḥ kapotābhyam  
 balayoh gyanena vrkṣat śimhasya patranam senam  
 bālāya chayayam kharena dīnayoh puṣpesu Sītayaḥ  
 senābhiḥ śālāyām

مهرنایی	dayā
امید	aśa
بخشش	ksama
زبان	bhaśa
عروب	sandhya
اسم خاص	Kamala
دختر	kanyā
زن (همسر)	bhāryā
علم	vidyā
میرل	saṭa
اسم خاص	Sita

۱ - صرف کلمات مذکر محبوم به ( a )

aśva ( اسب )

	مفرد	سبه	جمع
		/	
Nom	aśvah	aśvau	aśvah
Voc	aśva	»	»
Acc	aśvam	»	aśvan
Instr	aśvena	aśvabhyam	aśvaiḥ
Dat	aśvaya	»	aśvebhyah
Abl	aśvat	»	»
Gen	aśvasya	aśvayoh	aśvanam
Loc	aśve	»	aśvesu

۲ - صرف کلمات مؤنث محبوم به ( ۱ )  
( عقل ) matı

Nom	matıh	matayah
Voc	mate	»
Acc	matım	matıh
Instr	matınā	matıbhıh
Dat	mataye - matyāı	matıbhıyah
Abl	match - matyāh	»
Gen	match »	matınām
Loc	matau - matyam	matısu

سنة این کلمه مانند سینه در حالت اول است

۳ - صرف کلمات حسی محبوم به ( ۱ )  
- varı ( آ )

Nom	Voc	varı	varını	varını
Acc		vārnā	varıbhıyam	varıbhıh
Instr				vāribhısh
Dat		varıne		»
Abl		varıneh	varınoh	varınam
Gen		»	»	varısu
Loc		vārinı		

### فعل رمان حال

صرف رمان حال فعل بودن و سدن as

	مفرد	سینه	جمع
اول شخص	asmı	svah	smah
دوم شخص	ası	sthah	stha
سوم شخص	astı	stah	santı

### ضمیر شخصی

aham	من	avam	ما دویسر	vayam	ما
tvam	تو	yuvam	سما دویسر	yūyam	شما
sah	او	tau	آن دویسر	te	آنها

## درس دوم

ج - کلمات مذکر ومؤنث وحسی محسوس به ( ۱ )

مدکر	حسی ، مؤنث
شاعر	gati f حرامیدن
رسور	mati f عمل
درویش - فلندر	santi f آرامش
آش	priti f عشق
شوهر	vari n آب

۱ - صرف کلمات مذکر محسوس به ( ۱ )

kavi ( شاعر )

	مفرد	سببه	جمع
Nom	kavi	kavi	kavayah
Voc	kave	»	»
Aoc	kavim	»	kavin
Instr	kavinā	kavibhyām	kavibhih
Dat	kavaye	»	kavibhyah
Abl	kaveh	»	»
Gcn	kaveh	kavayoh	kavinām
Loc	kavou	»	kavisu

## درس سوم

اسمهای مذکر و مؤنث محتوم به (u و ī)

مؤنث		مذکر	
رودخانه	nadī	حیوان	pasu
الهه	devī	حورسند	bhanu
رن	nārī	قلندر	sādhu
کلفت	dāsī	اسد	guru
رن (در مقابل شوهر)	patnī	دشمن	satru
شهر	nagarī	تیر	paraśu

صرف کلمات مؤنث محتوم (۱)

nadī (رودخانه) - مؤنث

	مفرد	سبه	جمع
Nom	nadī	nadyau	nadyah
Voc	nadī	«	«
Acc	nadīm	«	nadīh
Instr	nadyā	nadībhyām	nadībhīh
Dat	nadyai	«	nadībhyah
Abl	nadyah	«	«
Gen	«	nadyoh	nadīnam
Loc	nadyām	«	nadīsu

۱ - صرف رمان حال فعل بودن as \ ناصبر

aham - asmi	avam - svah	vayam - smah
tvam - asi	yuvam - sthah	yuyam - stha
sah - asti	tau - stah	te - santi

۲ - صرف رمان حال فعل pat \ افیادن

اول شخص	patami	patavah	patimam
دوم شخص	patasi	patathah	patatha
سوم شخص	patati	patatih	patanti

### تمرین

۱ - حملات ریر را فارسی برگردانید

sah asvah asti	sa bala asti
tvam balah asi	phalam patati
aham janah asmi	vrksat patimam patati
Ramah sitayih patih asti	sukah vrkse santi
simbah vaneśu santi	jale puspāni santi
Hasanah asvat patati	vayam vrksat jale patimam

۲ - حملات ریر را به سسکریب برگردانید

او سراسب آنها دحیراند کملا ( Kamala ) دحیر وحسن سراسب روی  
درجهامبوه است بر دیک است که سمارا لب، غنید فل در آب میناید در خانه مقداری  
گل است فل در جنگل است سینا دحیر حنا کا است آنها در خانه اند



## تمرین

۱ - حملات ریرا بهارسی بر گرداند

janah grihesu vasanti kapotah vrksesu vasanti gajah  
nadyah jalam pibati aham ākase bhanum pasyami guroh putrah  
sadhunā nadyām gacchatī asvāh nrpam nagarīm nayatī dāsyah  
devyai phalanī nayantī sukah vrksesu phalanī khadantī Ah-  
madah pasun vanesu nayatī balāh ākāse bhanum pasyanti  
sadhuh grhe tisthati pibanti nadyah svayam na jalam svayam  
na khadanti phalanī vrksah simhah kharasya satruh astī tvam  
patnya saha nagarīm gacchasi

۲ - حملات ریرا به سسکریت بر گرداند

آنجا دودرخت است سما کجا میروید ؟ من صحبها منوه مجورم امروز  
ما منجوا هیم سهر برویم اکنون عروب است رورها بست هم میآید و میروید  
ولی ما منما سم دحرها حطور گلهارا میگرد ؟ اینجا سایه است اگر سما  
بحنگل بروید، من بر میروم دحران مشعول خوردن منوه و حدیدن اند  
آنها است بیسند بلکه حراند



صرف کلمات مذکر محصور به (u)

guru (معلم) - مذکر

Nom	guru	guru	guravah
Voc	guro	«	«
Acc	gurum	«	gurūn
Instr	gurunā	gurubhyam	gurubhih
Dat	gurave	«	gurubhyah
Abl	guroh	«	«
Gen	«	gurvoh	gurunim
Loc	gaurau	«	gurusu

Conjugational Verbs      ۱۹ اعمال تصریفی

صرف سوم شخص مفرد زمان حال      ریشه

رفس	\ gam (gacch)	gacchatı
حسیدن	\ has	hasatı
حواسد	\ path	pathatı
صحت کردن	\ vad	vadatı
حمل کردن	\ 'ni	nayatı
پوسدن	\ pa (pıb)	pıbatı
خوردن	\ khad	khadatı
رنگی کردن	\ vas	vasatı
توقف کردن	\ stha (tisth)	tisthatı
دیدن	\ 'drs (pasya)	pasyatı



# کلمات غیر متصرف . INDECLINABLES

کلمات غیر متصرف ر بر دارای حس و شماره و حالت هستند و بعضی باید یرید

ایجا	atra	واو (عاطفه)	ca
آجا	tatra	فقط	eva
حایکه	yatra	یا	va-athavā
کجا	kutra	هم	api
هرجا	sarvatra	به	na
آنوقت	tada	مانند	iva
و فیکه	yada	آهسته	sanāh
چه وقت	kada	حگونه	katham
هر وقت	sarvada	صح	pratah
چنانکه	yathā	عصر	sāyam
ساراین	tatha	اکنون	adhuna
دیور	hyah	امروز	adya
پس فردا	parasvah	فردا	svah

## تهریں

۱ - حملات ریرا نارسى بر گرداسد

bala matrā sah nagarim gacchatī tvam pītrā kutra gacchasī ?  
 gajah sanāh sanāh nadyam gacchantī mātā duhitre phalanī  
 puṣpaṇī ca nayatī adhuna vayam guroh pustakam pathamah  
 adya vayam pītra nagarim gacchamah kim tvam api gacchasī? janah  
 vrksanam phalanī kutra nayantī ? yatra yatra agnih tatra tatra

## درس چهارم

اسمهای مذکر و مؤنث محبوم به (r)

پدر	pitr
بحشده	dātr
برادر	bhratr
دختر	duhitṛ f
مادر	matr f
خواهر	svasṛ f

صرف کلمه (pitr) (پدر) - مذکر

Nom	pita	pitarau	pitarah
Voc	pitah	« /	«
Acc	pitarām	«	pitrn
Instr	pitra	pitrabhyām	pitrabhiḥ
Dat	pitre	«	pitrabhyah
Abl	pituh	«	«
Gen	«	pitroh	pitrnām
Loc	pitari	«	pitrśu

تصريح کلمات مؤنث محبوم به (r) فقط در حالات جمع (Accusative) مابند

matrḥ صرف مشويد وبقية حالات آنها مابند مذکر است

## درس پنجم

۴ - اسمهایی که بحروف بی صدا ختم میشود و ماضی نقلی

هو	marut m	فکر	manas n
یرسک	bhīsak m	ریاضت	tapas n
ناحر	vanik m	آب	payas n
حمت	dīk f	ناریکی	tamas n
گهار	vak f	حشم	caksus n

صرف کلمه marut (مدکر) و vak (مؤنث)

	مفرد		جمع	
Nom	marut	vak	marutah	vacah
Voc	«	«	«	«
Acc	marutam	vacam	«	«
Inst	maruta	vaca	marudbhīh	vagbhīh
Dat	marute	vace	marudbhyah	vagbhyah
Abl	marutah	vacah	«	«
Gen	«	«	marutam	vacam
Loc	marutī	vaci	marutsu	vaksu

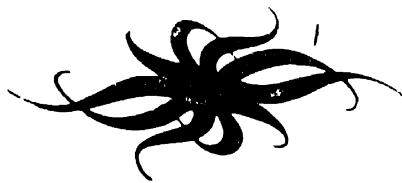
صرف کلمه manas (حسی)

	مفرد	جمع
Nom, Voc & acc	manah	manānsī
Instr	manasā	manobhīh

dhūmah asti      bhānuh sarvatra akase gacchatī janān ca pasyati  
 putrah pītaram vadati pita hasati      Mālā adya pratah bhrātrā sah  
 kutra gacchatī ? nāryah hasanti janāh ca pasyanti

۲ - حملات ریر را به سسکریت برگرداند

سراں درس منحواند      گله بحسگل مرود      کنورها منوه می حورید  
 ماآب مدآسامم      خدمکار رن گلهارا میآورد      یروین حورسند نگاه میکند  
 گله درسایه مماند      سما مشعول حنیدن مدحسراں هسند      سر، گوست  
 الاعرا منحورد      مردم درسهر ویردگان روی درحماں ریدگی میکند



۲ - حملات ریز را به سسکریت برگرداند

او اردرحت بر من افناد سمدیرو رکجا رسید ساه بر رگی موسوم به  
 ابوشروان ریدگی مکرد صدای بچه ها سرین است میوه ها و گلها را باحر  
 شهر مسرد «سما» و «ریم» دحرا را ربایی هستند آب رودخانه شیرین است  
 و فیکه ناد سرد میورد ، مردم بدرون خانه ها ساا میروند پرندگان از این  
 درخت ناا درخت می برند اکوون هوا ناریک است و شعالها می آیند



Dat	manase	manobhyah
Abl	manasah	«
Gen	«	manasam
Loc	manasi	manassu

### CONJUGATIONAL VERBS صرف افعال

(Past-Imperfect Tense) ماضی نقلی

صرف (امدادن) √pat

مفرد

جمع

اول شخص	apatam	apatama
دوم شخص	apatah	apatata
سوم شخص	apatat	apatana

صرف (نوسیدن) √pib (pa)

اول شخص	apibam	apibama
دوم شخص	apibah	apibata
سوم شخص	apibat	apibana

تمرین

۱ - حملات روبرا بفارسی برگرداند

adya sitah marut calati hyah bhratra udyanam agacchama  
 tatra disī disī puspāni apasyam nārīnām vak madhura bhavati  
 munih Vīśvamitrah tapasā Indram ajayat payasā kamalam ka-  
 malena ca payah vibhati tamasā caksusā kim api na pasyami  
 aham bhīśajah grhe gacchami yuyam bālam kutra nayatha ?  
 adhuna tamah asti ? gajah asvāh ca nadyāh jalam apibana vayam  
 payasā sundaranī kusumanī apasyama vanījah patnī phalanī  
 puspāni ca nagare anayat nr̥pasya gajah vr̥ksānam patrāni pha-  
 lāni ca akhādan

Gen	rajñah	rajñam
Loc	rajñi	rajñsu

(بیرومند) balin

Nom	balı	balınah
Voc	balin	<
Acc	balınam	<
Instr	balına	balıbhıh
Dat	balıne	balıbhyah
Abi	balınah	<
Gen	<	balınam
Loc	balını	balısu

صرف کلمه (نام) (nāman) - حشی \*

Nom	nama	namāni
Acc	<	<
Voc	naman	>

تصره صرف حالات دیگر ماسد صرف (rajan) است

### افعال

نوشن	\	likh
بعضم کردن	\	nam
یجنس	\	pac
ردن	\	tad
سمردن	\	gan
بخط داسن	\	smr
فراموش کردن	v1-	smr
ناری کردن	\	krıd

# دروس ششم

## کلمات اسمها

بوکر	sevaka m	خدمت	seva f
دلو	kupa m	حجالت	lajja f
ناد	pavana m	مگس	maksikā f
آهو	mrga m	ریا	jihva f
ساح	rajan m	مسافر	yatra f
روح-حود	atman m	بیخبره	vatayana n
قوی	balin m	فالسحه	asana n
برویند	dhanin m	بله	sopana n
سایسده	gunin m	آنگیر	jalasaya n
مالک	svamin m	عدا	ahira n

صرف اسمهای مذکر محتوم به (-an) و (-in).

rajan (شاه)

	مفرد	جمع
Nom	raja	rajanah
Voc	rajan	rajanah
Acc	rajanam	rajanah
Instr	rajnā	rajabhih
Dat	rājñe	rajabhyah
Abl	rājñah	«



## درس هفتم

صرف اسمهایی که بحروف بی صدا ختم شوند

مؤنث	مدکر	
vidusī	vidvān	داشمن
bhagavatī	bhagavān	خدا - برومند
rupavatī	rūpavān	حوشگل
garīyasī	garīyān	سگین
jyayasī	jyayān	بررگ
jyestha	jyestha	بررگر
kanīsthā	kanīstha	کوچکتر
— — —		
ajña	kāla	وخت
sabha	visvasa	اعتماد
ganana	yācaka	گدا
pīda	pācaka	آسیر
tula	mahat	بررگ

صرف کلمه vidvas - داشمن (مدکر) ، محبوس به (-as)

	مفرد	جمع
Nom	vidvan	vidvānsah
Voc	vidvan	«

کاشش	√ roh
نالاروس	ā √ roh
یایں آمدن	ava- √ roh
یریدن	ut- √ pat
کردن	√ kr

### تمرین

۱ - حملات ریرا فارسی برگرداند

sevakah svaminah sevām kurvanti rājñah sevakah asavañh  
jalasayam gacchanti hyah kutia apī na agaccama ātmanah grhe  
atisthāma Iqbālāh gunī balah asti pratidinam pīṭuh sevam  
karoti śimhāh mrganām mansam khādati vayam atmñah udyāne  
pushpāni rohāmāh dhanīnah yatrāyā asvān arohanti kapotah  
vrksāt vrksam utpatanti te sopānena grhasya uparī agacchan tatra  
balāñh akridan Shakuntala lajjaya kim apī na avadat kevalam  
tusñim atisthat

۲ - حملات ریرا به سسکریت برگرداند

بو کران آب را ارچاه میآوردند بچه‌ها در مدرسه ناری میکنند رسم  
سوار برومند و سحاح بود لمن سرگرم بوسن کاعدی بندرم هسم حواهر او  
نارادرمن شهر رفه است برومندان نگدایان عدا میدهند یک حوص  
ریبای بر آب آنحاست من همشه بناد سماویسربان هسم دیرو را مورگار  
کنک حوی به احمدرد بریدگان در آسمان یرواری کندود حیرها ار کوه نالا  
میروند او اریله‌ها پایین آمد بو کرها در باع، درخت میکارند آدم سحاح  
هر گر عمها و سادیهارا نمی‌سمارد

Virasena sutah balı yatha rāja tatha prajā dhaninah dhanam  
 icchantı kintu yacakah ħaram eva icchantı sadhavaḥ paśunām  
 api viśvasam kurvanti rājñah sevakah janānam gānanām kur-  
 vanti balıḥ udyane akṛidan vṛkṣesu ca irohan Dasarathasya  
 kanıṣṭha patnı Ramasya vanavāsam acchata ayam kalah vasan-  
 tasya, udyanesu puṣpāni hasanti

## ۲ - حملات ریرا به سسکریت برگرداند

Kalidasa شاعر دانشمندی بود حواهر سهراب، سنار، ریاست آن گدا  
 برای گرفتن بول برد، پادشاه رفت، سر برگ این مرد به دوسان رفته  
 است و دحر کو حکش در مدرسه ای درس میخواند معلم در مجمع دانشمندان  
 سخن گفت ما آسیرمان را بحاجه سما میفرستیم پادشاه سوگراش اطمینان  
 دارد اکنون مانی رهضم طاوسها در روی کوهها مشغول رقصیدن هستند  
 من به میهم و مردان شجاعی که در راه آن حان داده اند درود میفرستم  
 واحترام می گزارم



Acc	vidvansam	vidusah
Inst	vidusa	vidvadbhih
Dat	viduse	vidvadbhyah
Abl	vidusah	«
Gen	«	vidusam
Aoc	vidusi	vidvatsu

صرف کلمه mahat (بررگ)، مذکر محبوس به (-at)

Nom	mahan	mahantah
Voc	mahan	«
Acc	mahantam	mahatah
Instr	mahata	mahadbhih
Dat	mahate	mahadbhyah
Abl	mahatah	«
Gen	«	mahatam
Loc	mahati	mahatsu

### افعال

### رمان حال

حواس	\ ic	icchatı
پرسیدن	\ picch	prechatı
روشن کردن	\ nrt	nrtıyati
بردن	\ hr /	haratı
فرستادن	\ pres	presayati
پرس کردن	pi	purayati

### تمرین

۱ - حملات زیر را فارسی برگرداند

Ramasya patni Sita vidusi rupavati ca asit mahan mahatsu  
eva vikramam karoti Ahmadasya kanistha duhita sandhyayam  
nrtıyati raja sevakan nagare presayati asit raji Nalah nama

Dat	tubhyam-te	yusmabhyam-vah
Abl	tvat	yusmat
Gen	tava-ad	yusmākam-vah
Loc	tvayi	yusmasu

## افعال

گرفس	√ 'grah	grhnati
حریدن	√ kṛi	krinati
فروچس	vi- √ kṛi	vikrinati
داسس	√ jñi	jānati

صرف مضارع از مصدر √ pat (افادن)

	مفرد	جمع
اول شخص	patisyami	patisyamah
دوم	patisyasi	patisyatha
سوم	patisyati	patisyanti

## تمرین

۱- جمله‌های زیر را به فارسی برگرداند

aham svah Shiraz nagaram gan isyami asmakam grhe adya  
 utsavah bhavisyati atah aham phalanī krināmi rātrih gamisyati  
 bhavisyati suprabhatam tatra nadyām tava asvah jalam pibati  
 aham tava pustakam nesyāmi svah ānesyāmi mama bhīṣajī bahu  
 vīśvasah asti sah guṇī vidvān ca asti yusmākam sevakah hyah  
 mahyam phalanī anayat agamisyati yat yanam tat asmān nagaram  
 nesyati aham tvam janami tava pitaram api jānami pibanti  
 nadyah na svayam jalani svayam na khādanti phalanī vrksālī

## درس هشتم = ضمایر

تمام ضمایر باستانی ضمایر شخصی در سه جنس صرف میشود

ضمایر شخصی در حالت فاعلی و بنا فرق ندارند

مال من	asmad	ح	kim
مال شما	yusmad	هر	sarva
مال آن	tad	هر	visva
مال این	etad	این	adas
مال کی	yad	دیگر	anyad
مال سما	bhavad	کدام	katarad

۱- صرف صمیر شخصی asmad (مال من)

	مفرد	جمع
Nom	aham	vayam
Acc	mām-nia	asman-nah
Inst	mayā	asmābhīh
Dat	mahyam-me	asmabhyam-nah
Abl	māt	asmāt
Gen	mama-me	asmākim-nah
Loc	mayi	asmasu

۲- صرف صمیر شخصی yusmad (مال شما)

Nom	tvam	yuyam
Acc	tvām-tvā	yusmān-vah
Inst	tvayā	yuṣmābhīh

# دوس نہم

## واژہا

طاوس	mayura m	آبی	nīla m-
حروس	kukkuta m	رد	pīta m
عار	hansa m	سرح	lohita m
کلنگ	baka m	سفید	sveta m
کلاع	kaka m	سیاہ	kṛsna m
کو کو	pīka m	سر	harit m
گمچشگ	cataka f	رنگ	varna m
نام مرعی است	sārīka f	رہیں	dharā f
مرع	khaga m	آسمان	nabha n
ماہی	matsya m	ماہ	candra m

۱ - صرف ضمیر اسارہ (آں)

	مفرد			جمع		
	مدکر	مؤنث	حسی	مدکر	مؤنث	حسی
Nom	sah	sa	tat	te	tāh	tāni
Acc	tam	tam	tat	tān	tāh	tāni
Inst	tena	taya		taih	tabhih	
Dat	tasmai	tasyai		tebhyah	tābhyah	
Abl	tasmat	tasyāh		«	«	
Gen	tasya	«		tesām	tāsām	
Loc	tasmin	tasyam		tesu	tāsu	

## ۲ - حمله‌های ریر را به سسکریت برگردانید

شب گذشته دردی وارد حانه ماسد کی پدر شما بحانه من حواهد رفت ؟  
 همانگونه که مردم لباسهای کهنه را بدور می‌اندازند و لباسهای نو را اسحاب میکنند،  
 ما هم رندگی ناره را اسحاب میکنیم کدامیک از این دو کتاف را حواهد  
 خواند ؟ اگر از این درخت بالا بروید حواهد افناد هر وسیله نقلیه‌ای که  
 نباید همه ما را حواهد برد

خواهر کوچک شما امروز ما حواهد آمد اگر شما بمن دسور بدهند  
 براینان منوه حواهم خرید این اسباب را برای که می‌برید ؟ هر کاری که کند  
 خدا آنرا میداند مردم بدحس و سریر همیشه افکار محبلمی در معرسان  
 دارند و عرار آنچه که فکر میکنند عمل میکنند آیا یادشاه شما این اسب  
 را از من حواهد خرید ؟





nīśa nīśayā ca śaśī śaśina nīśaya ca vibhātī nabhah matsyah jalā-  
saye khagah ca dharayam vasantī tah balah nadyam tarantī śnāntī  
ca enam kṛṣṇam catakam Ahmadāya dasyamī Parvīn udyānāt  
phalāni corayati

slokau

- 1 - hansah svetah bakah svetah kah bhedah baka-hansayoh,  
nīra-kīra-vibhāge tu hansah hansah bakah bakah
- 2 - kākah kṛṣṇah pīkah kṛṣṇah kah bhedah pīka-kākayoh,  
prāpte vasanta-samaye kākah kakah pīkah pīkah

۲ - حمله‌های ریز را به سسکریت برگردانید

و منبکه اینها در آسمان منعربند، طایوسها مریضند و حوسجالی میکنند بجه‌ها  
در آب باران آب بی میکنند حواهر بر برگ من لباسهای فرمر دوست دارد این  
دخترهای گدا برای پول مریضند و می‌خوانند گاوها سفیدند ولی اسبها سبزه  
هستند در بهار در حنا و حردگان برگهای سبز را بن میکنند لک‌لکهای  
سفید در آسمان پرواز میکنند رن حسن عدا را خواهد آورد و ما آنرا  
خواهیم خورد دختران در رودخانه مشغول شنا و سادی کردند اسب  
شما چه رنگ است؟



## ۲- صرف صمیر اساره idam (این)

	مفرد			جمع		
	مذکر	مؤنث	حسی	مذکر	مؤنث	حسی
Nom	ayam	īyam	īdam	īme	īmāh	īmanī
Acc	īmam	īmām	īdam	īman	īmāh	īmanī
Inst	anena	anayā		ebhīh	abhīh	
Dat	asmaī	asyaī		ebhyah	abhyah	
Abl	asmāt	asyāh		«	«	
Gen	asya	asyah		eṣām	asām	
Loc	asmīn	asyam		esu	asu	

## افعال

کشدن	√ krs	karsatī
باریدن	√ vars	varsatī
حوسحال شدن	√ hars	harsatī
بجات دادن - حفظ کردن	√ raks	raksatī
دردیدن	√ cur	corayatī
سنا کردن	√ tr	taratī
یابین آمدن	ava-√tr	ava-taratī
دادن	√ da	dadatī
در حشیدن	√ bha	bhātī
حمام کردن	√ snā	snatī

## تصرین

۱- جمله‌های زیر را به فارسی برگردانید

meghah varsantī garjantī aham ebhyah kukkutebhyah jalam  
 anesyamī sārīka sarvada anena sukena vicam vadatī śasina ca

<b>eka-una-vimsatī</b>	دورده
<b>vimsatī</b>	بست
<b>eka-vimsatī</b>	بست و یک
<b>dva-vimsatī</b> وعده	بیست و دو
<b>trimsat</b>	سی
<b>catvarimsat</b>	چهل
<b>pañcāsat</b>	پنجاه
<b>sastī</b>	شصت
<b>saptatī</b>	هفتاد
<b>asatī</b>	هشتاد
<b>navatī</b>	نود
<b>śata</b>	صد
<b>sahasra</b>	هزار
<b>ayuta</b>	ده هزار
<b>lakṣa</b>	صد هزار
<hr/>	
<b>prathama</b>	یکم
<b>dvitīya</b>	دوم
<b>trītiya</b>	سوم
<b>cathurtha</b>	چهارم
<b>pañcama</b>	پنجم
<b>śastha</b>	ششم
<b>saptama</b>	هفتم
<b>aṣṭama</b>	هشتم

# دوس دهم

## اعداد

eka	يك
dvi	دو
tri	سه
catur	چهار
pañca	پنج
sas	شش
sapta	هفت
asta	هشت
nava	نه
dasa	ده
ekadasa	یازده
dvadasa	دوازده
trayodasa	سیزده
caturdasa	چهارده
pancadasa	پانزده
sodasa	شانزده
saptadasa	هفده
aṣṭādasā	هجده

Dat & Abl	tribhyah	tisrbhyah
Gen	trayānam	tisrnam
Loc	trisu	tisrsu

۴- صرف pat (افراد) در وجه امری

	مفرد	جمع
اول شخص	patāni	patāma
دوم شخص	pata - patatat	patata
سوم شخص	patatu - patatat	patantu

تقریب

۱ - حمله‌های زیر را به فارسی برگرداند

Aham vidyalayasya prathamē varṣe pathāmi rajñah Daśara-  
thasya catvārah putrah tīsrāh ca pātñyah asan evam dīnanam  
ekavimsatiḥ vāyam videse avasāma nagaram asmat gramat yojana-  
satam asti balah sanāḥ sanāḥ gacchantu aham apī pāścād igamī-  
syāmi bhoh Parvati kim aītham hasasī , yadī guruh drakṣyati  
tvam tadāyisyati meghāḥ varsāntu garjantu purayantu dhara-  
talam yāni kani ca mītrāni kartavyāni satāni ca varam ekah  
guni putrah na ca murkha - satāni apī astadāsa purananam karta  
Vyāsah nṛpah dharam rakṣantu meghah kale varsantu Mahā -  
bhārataḥ pañcamah vedah

۲ - حمله‌های زیر را به سسکریت برگرداند

و منسکه بمدرسه مرفعم برادرم را دندم اگر مردم این کار را نکند، پاداش  
خواهند دید نادانان درین دانا یان درخشندگی ندارند، همانگونه که لک لک ها در  
میان یکدسه و و حلوهای ندارند

navama

۳م

dasama

دہم

## صرف اعداد

اعداد يك و دو و سه درسه حس و هفت حالت صرف ميشويد ولی يك در  
مفرد دو در بسنه و ارسه بشتر در جمع صرف ميشود

## ۱- صرف (يك) eka

	مدكر	مؤنث	حسى
Nom	ekah	eka	ekam
Acc	ekam	ekam	ekam
Inst	ekena	ekaya	
Dat	ekasmai	ekasyai	
Abl	ekasmat	ekasyāh	
Gen	ekasya	ekasyah	
Loc	ekasmīn	ekasyam	

## ۲- صرف dvī (دو)

	مدكر	مؤنث	حسى
Nom	dvau	dve	dve
Acc	dvau	dve	dve
Inst	dvabhyam		
Dat	«		
Abl	«		
Gen	dvayoh		
Loc	«		

## ۳- صرف tri (سه)

	مدكر	مؤنث	حسى
Nom	trayah	tisrah	trinī
Acc	trin	«	«
Inst	trībhīh	tisrbhīh	

## درس یازدهم

### ۱- افعال میانه زمان حال و ماضی نقلی

افعال میانه که نامش *atmanepada* معروفند یک گروه مساویندهای (terminations)

مختلف در همه حالها و زمانها دارند

صرف زمان حال *labh* \ (بدست آوردن)

مفرد	ساده	جمع
اول شخص <i>labhe - e</i>	<i>labhivahe - vahe</i>	<i>labhamahe - mahe</i>
دوم شخص <i>labhase-se</i>	<i>labhethe - the</i>	<i>labhadhve - dhve</i>
سوم شخص <i>labhate - te</i>	<i>labhete - ete</i>	<i>labhante - ante</i>

صرف ماضی نقلی *labh* \ (بدست آوردن)

مفرد	ساده	جمع
اول شخص <i>alabhe</i>	<i>alabhivahi</i>	<i>alabhamahi</i>
دوم شخص <i>alabhattah</i>	<i>alabhetam</i>	<i>alabhadhvam</i>
سوم شخص <i>alabhata</i>	<i>alabhetam</i>	<i>alabhanta</i>

### واژه‌ها

مذکر	
سواره	<i>taraka</i>
آسمان	<i>akasa</i>
آررو - رب النوع عشق	<i>kama</i>
حرص	<i>lobha</i>
شیستگی	<i>moha</i>

حـرص ریشه بمام صفا اهریمنی است چرا در حناها گدایی میکند؟  
 نادانان باوقتی که ساکت هستند حلوهای دارند باوقتی که میرقصم آن دحیرمن نگاه  
 میکند حتی يك شخص مبروی در جنگل هم دوست و دشمن دارد ساگردان  
 باوقتی که در مدرسه رندگی میکند، معلم خدمت خواهند کرد اسخاص عاقل پیوسه  
 کوسس میکند، باسراجام کار را بمام کند ولی اسخاص نادان حری را شروع میکند،  
 اما در وسط کار آنرا رها میکند





مدکر	labhamanah	labhamānau	labhamānah
مؤنث	labhamana	labhamane	labhamanah

### تمرین

#### ۱ - جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

akase tarakāḥ sobhante upavane phalaṇi khadantah balakah  
modante śiśyāḥ gurun gyanaya sevante Ramena saha vanam  
gacchanti Sita adhikam śobhata sevamanah puruṣah rajñāḥ  
dhanāni ayacanta mahyam phalaṇi rocante tubhyam kevalam  
mīṣtam rocate ratnam ratnena saṁgacchate saṁgat saṁjīyate  
kamaḥ kīmat krodhah abhijīyate yasya dharme matih sah  
vidvān vīrah ca jīyate ye vīrah svadeśaya amryanta te svaigam  
alabhanti

#### ۲ - داستان زیر را به سبک کت برگردانید

در کنار رودخانه ای درخت بنومندی بود بر آن درخت سه بریده و دو  
موش و یک ميمون رنگی ميگردید ميمون سيار با هوش بود بطوری که  
بريدگان و موس کمک ميکرد يکرو ر باران سحی باريد و همچکدام بنوايسند  
برای بدست آوردن عدايرون بروند در همانوقت ميموهروسی آنهارسند و رير  
درخت انساد ميمون ميموها را ديد و چندای آنهارا برداشت بعد ميموها را  
به يريدگان و موسها داد و همه سان سيار خوشحال شدند معروف است که  
يک دوست هميشه سان دوسيان را کمک ميکند



عصه	krodha
مدهی	dharma
بهشت	svarga
شاگرد	sisya

## افعال

بدست آوردن	\ labh	labhate
حوسحال بودن	\ mod	modate
خدمت کردن	\ sev	sevate
بحمل کردن	\ sah	sahate
کدانی کردن	\ yāc	yācate
کوشش کردن	\ yat	yatate
ریا بنظر آمدن	\ sobh	sobhate
درخشیدن	\ ruc	rocate
بولندشدن	\ jan	jāyate
مجددشدن	sam - \ gam	sam - gacchate

## ۴ - اسم فاعل

اسم فاعل با اضافه کردن (-at) بریسه بباء معلوم و (ana) mana در بعضی حالات بریسه بباء منابه ساحنه مشوکی و فاعل بصرف بهر سه حس و هر هفت حالت است

منال

مؤنث	مدکر		
hasanti	hasan	\ has	(خواندن)
labhamāna	labhamanah	\ labh	(بدست آوردن)

صرف اسم فاعل

hasantah	hasantau	Nom	مدکر
hasantyah	hasantya	Nom	مؤنث

## ۴ - اسم مفعول معلوم:

اسم مفعول معلوم با اضافه کردن «-vant» به اسم مفعول مجهول ساخته می شود،  
و در دو حالت مذکر و مؤنث صرف می شود

\ gam	gata - gata	gatavan - gatavatī
\ da	datta - datta	dattavān - dattavatī

		<u>مجهول</u>	<u>معلوم</u>
کشش	\ han	hatah	hatavan
ایستادن	\ stha	sthitah	sthitavan
نردن	\ ji	jītah	jītavan
کردن	\ kr	krtah	krtavan
صحت کردن	\ vid	uktah	uktavan
نردن	\ ni	nītah	nītavan
نوسیدن	\ pa	pītah	pītavan
برك کردن	\ tyaj	tyaktah	tyaktavan
حمسیدن	\ nam	natah	natavan
ندست آوردن	\ labh	labdhah	labdhavan
فاییدن	\ hi	hītah	hītavan
داسیدن	\ jna	jñatah	jñatavan
حواندن	\ path	pathitah	pathitavan
نوشیدن	\ likh	likhitah	likhitavan
بودن	\ bhu	bhūtah	bhutavān

## واژه ها

مذکر

جنگ	sangrama	داسان	katha f
نهر	bāna	رحم	daya f

# درس دوازدهم

## اسم فعل

۱- گذشته معلوم - اسم مفعول (Pastactive - Passive Participles) اسم

مفعول مجهول بوسیله ساوند (-ta) یا (-na) به ریشه فعل ساحنه می سود کلمات مذکر  
مجهوم به (-a) این دسه ، مانند دیگر اسمهای مجهوم به (-a) صرف میشوند، چنانکه  
مؤنث این کلمات حرف (-a) می گردد

	مذکر	مؤنث
\ gam	gatah	gata
hin	hatah	hata
stha	sthitah	sthita

۲- و اینکه اسم مفعول ارافعال متعدی ساحنه می شود، در اس حالت فاعل آن

بحای حالت ( Instrumental ) استعمال مسود

\ dā	datta m	tena dhanam dattam ,
	datta f	tena mala datta

۳- و اینکه ارافعال لازم ساحنه سود حالت مجهولی ندارد و بصورت ماضی

نعلی یا فعل اسادی استعمال میشود

\ gam	gatah m	gata f
\ pat	patitah m	patita f
	sah grham gatah	sa balā nadim gata
	balah vrksāt patitah	phalam jale patitam

«راونه» (Ravana) شاه اهریمن و شیطین «سنا» را به سلان برد، معلم کاعدی  
 بوشنه‌ام و او فردا خواهد آمد. از این کتاب چند درس خوانده‌اید؟ چه کسی از این  
 طرف شیر خورده است؟ ما به بوکرها یول و لباس و میوه میدهم. یروین دم در  
 ایستاد و با خواهرش صحبت کرد. سراسر سسه‌های لباس را روی یششان حمل کردند  
 مادر در حالیکه میخواست بچه را بحت بدهد خودش در رودخانه افتاد.



گاور	vr̥sabha	رعت	praja f
لنگ	khanja	صخره	śila f
کور	kana	کساوری	kr̥śi f
برومند	balavad	مال الحاره	vanijya n
برومند	dhanavad	دوسی	maitrī f
با	pada	اصطراب	cinta f
گاری	sakata	سعر	kavya n
کسور	deśa	حگل	aranya n

### تمرین

۱ - حمله‌های زیر را بفارسی برگرداند

ekasmin aranye Pinglaka - nimakah śimhah vasatī sma tasya  
 Karataka - Damanaka nimināu śigalau mantrināu astam ekada  
 ekah vanik vanijyaya śakatenā deśantaram prasthitah aranye  
 śakatasya ekah vr̥śabhah khanjah jatah tam vr̥śabham tatīa  
 viḥaya vanik anyam vr̥śabham anitavan śakatenā ca gatavan  
 atha gacchatī kale sah khinjah vr̥śabhah balavan abhavat tasya  
 ca śimhena maitrī samjata kintu śimha-vr̥śabhayoh maitrīm  
 dr̥stvā śrgalau duḥkhitau jatau sanaiḥ sanaiḥ tābhyam śimhasya  
 vr̥śabhasya ca madhye vairah sthapitah kupitena śimhena sah  
 vr̥śabhah hatah vr̥śabham hatam dr̥stvā tau śrgalau muditau  
 esa kathā Pancatantre likhita astī

۲ - حمله‌های زیر را به سسکریت برگرداند

حسن مار را با حویدسسی شکست دار بوس ساه در جنگ فایحسد ودسمناش

را شکست داد ساه بله (Nala) ریش را در جنگل خاکداست

\ gam	gamyā	gantavyā
\ drs	drsyā	drastavyā
\ nī	neyā	netavyā

این کلمات مادر د صفات دومی هستند و با موصوف در سه جنس و سه شماره  
(مفرد - بنه - جمع) مطابقت دارند

M gantavyah desah

F gantavya nagarī

N gantavyam sthānam

#### ۴ - افعال

وجه الترامی

الف - صرف فعل معلوم

اول شخص	pateyam	patemah
دوم شخص	pateh	pateta
سوم شخص	patet	pateyuh

ب - صرف فعل منانه

اول شخص	labhai	labhamahī
دوم شخص	labhethah	labhedhvam
سوم شخص	labheta	labheran

#### واژه‌ها

بردار	dhīa m	مرد سهو-عمگی	vidhura a
ارابه	ratha m	حمام	snana n
چرخ	chatra m	چرخ	cakra n

## درس بیست و نهم

### ۱- اسم مصدر (Gerund)

برای ساختن این نوع اسم مصدر هر گاه فعل دارای نشاوند باشد (tvā) رانه  
ریشه ضعیف آن مضاف به ولی اگر فعل 'یشاوند همراه داسنه باشد بحای (tvā), (ya)  
را اضافه میکنیم مثال

\ gam	gatvā
\ drs	drstvā
nī	nitvā
ṛ- \ nī	ṇīya
upa- \ kī	upakṛtya

### ۲- مصدر

برای ساختن معمولی سسکر بت ک نوع مصدر دارد و آنها مضاف به ریشه  
ساخته میشود مثال

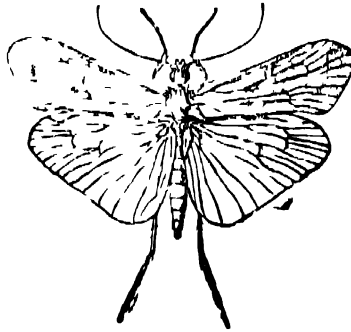
\ gam	gantum
\ drs	drastum
\ nī	netum
\ pa	patum

### ۳- صرف مستقل مجهول

مستقل مجهول مضاف به رانه (ya-) و (tavya-) ریشه ساخته میشود



سرباصیر و حوصله اعمال مهمی را انجام داده است نگذار همه حوشحال بماند و از  
نعمت های رندگی بهره مند شوید شما همیشه سجاع و سعادتمند باشید



عزیز	tāta m	روغن (خوردنی)	ghṛta n
باوقتی که	yāvat ind	صبر	dhairya n
با آفتاب	tāvat ind	شجاعت	saurya n
همیشه	nityam adv	سعادت	sukham n
صاف	nirmala a	عمل کردن	ā- / car
کثیف-آلوده	kalusa a	رندگی کردن	√ jiv

### تمرین

#### ۱- حمله‌های زیر را به فارسی برگردانید

yani kanī ca mitranī kartavyani satanī ca tyajyam na dhairyam  
vidhure api kale yavat jivet sukham jivet, nam krtvā ghṛtam  
pibet prajāḥ pālayitum tata gacchamī nagaram svakam sevīta-  
yah mahā-vrksaḥ phala-ccchāyā samanvitah rajan ekena cakrena na  
rathasya gatiḥ bhavet datavyam sarvada danam pātavyam nirma-  
lam jalam pāpte tu sodase varse putram mitravat acaret krtvā  
śnanam pathet nityam, bhuktva gacchet pada-trayam

#### ۲- حمله‌های زیر را به سسکریت برگردانید

شما چرب دست کجا می‌روید؟ ما با عروسم که ریانی گلها را ببینیم آب رودخانه  
صاف است و من برای آب بی باخا می‌روم تا وقتی که خورشید در آسمان است کار را  
تمام کن کسی نباید سحان همراه کنده را باور کند کسی نباید به اشخاص نادان و  
حاحل که بصحت نمی‌فهمند بید دهد ممکن است ما برای صد سال رندگی کنیم

### ح- افعال سببی و حواشی (Causative and Desiderative Verbs)

فعل سببی با افزودن (aya-) ریشه ساخته میشود

روانه میکند	gam	gamayati
وادیاری می کند	kr	karayati
سر رجه شهر می رود		balakah nagaram gacchati
پدر، سر رجه را شهر روانه می کند		pita balakam nagaram gamayati
بسی خدمت کاری می کند		sevakah karyam karoti
مالک، بسی خدمت را وادیاری می کند		svami sevakam karyam karayati

### واژه ها

ماهی	matsya	امید	asā f
مار	sarpa m	احاره	anujñā f
بور	paśa m	کمر بند	mekhala f
دانشمند	budha m	آنگر	vapi f
داماد	rajnata m	طبا	rajju m
دریا	sindhu m	سب	karana n
دست	ksetra n	خوراک	bhojana n

### افعال

سپردن	gan	ganayati
سبب	ksāl	ksalayati
رحمت دادن	pīd	pīdayati
عبادت کردن	pūj	pujayati
بگه داشتن	dhr	dharayati

# درس چهاردهم

## افعال

الف- صرف حالت مجهول و علامتهای تصریف (Passive-Voice and Inflexions)

برای ساختن حالت مجهول یساوند (-ya) را بریشه صعیف اضافه کرده، سار

آن، یساوند حالت ممانه (atmanepada Middle Voice) را میآورند

صرف حالت مجهول مانند صرف حالت ممانه است عموماً در افعال متعدی،

فاعل بحالت مفعول فیه (instrumental) در میآید

\ ' kṛ kryate mayā kṛyam kryate

\ pib piyate mayā jalam piyate

\ ' da diyate mayā dhanam diyate

ب - معمولاً (-va) و (-ya) ابتدایی به (-u) و (-i) بر ترتیب تبدیل میشود (-i)

و (-u) استهانی دراز بر سده، (-i) استهانی نه (-i) بعبر پیدا میکند

\ vad-vac ucyate  
بوسیله او گفته شد

\ yaṁ jṛyate  
در قربانی کرده شد

\ jṛ jṛyate  
رندگی کرد

\ stu stuyate  
تعریف کرد

\ ' stha sthiyate  
استفاده شد

## درس پانزدهم

### پیشاوندها و حروف اضافة قیدی (Prefixes and Adverbial Prepositions)

پیشاوندهای زیر بیشتر مانند حروف اضافة قیدی بکار میروند. این حروف همیشه به اسمها و فعلها اضافه شده، تأثیر فراوان در مفهوم جمله دارند. مطالعه پیشاوندها که به سسکریت اوباسارگا (Upasarga) گویند، در این زبان بسیار حالب است.

برای نوحه به ناسر پیشاوندها در مفهوم اصلی کلمات ریشه gam و Kṛ و برای ناسر پیشاوندهای سسکریت در زیر میآوریم.

adhī	√ kr	adhikāra	حق
anu	√ kr	anukāra	مقلید
apa	√ kr	apakāra	کار رشت
ava	√ gam	avagamana	فهم
ā	√ gam	āgamana	آمدن
upa	√ kr	upakāra	کار مفید
dus-dur	√ kr	duskāra	کار دشوار
nī	√ kr	nīkāra	نوهین
nīś-nīś	√ gam	nīśgamana	برون رونده
para	√ gam	parāgamana	بر گشت
pra	√ kr	prakāra	روش
vi	√ kr	vikāra	بعیرو فساد
sam	√ kr	samskāra	تسریفات
su	√ kṛ	sukāra	آسان

در دیدن	√ cur	corayati
سسن	√ badh	badhnati
ردن و کشن	√ han	hanti

### تمرین

۱- حمله‌های زیر را فارسی برگرداند

matsyah pasaiḥ badhyante asmabhiḥ gītāni gīyante sarpēna  
 dānsyate bālāḥ sarpah ca purusaḥ lagudena hanyate sevakaḥ  
 annam khadyate aham jalaiḥ vasansī ksalayamī ۱۴۱ balavatī  
 rājan aśā jivayati naran puriyate salilaiḥ vapi svadese puṇyate  
 rājā vidvan sarvatra pūjyate budhah sukham duḥkham va na  
 ganayanti pīdayanti vasudham khalu nicāḥ pālayanti jagatim  
 naravīrah dhāiyate mekhala taya anujñam dehi maya adya eva  
 videsāya gamyate

۲- حمله‌های زیر را سسکرت برگرداند

اسخاص بدسرت و سریر همشه مردم خوب را سکه مدهد نگدار سلاطین  
 ملیسان را محافظت کند و هنگام احساح آسان را یاری دهد مساعدت و  
 سکی که به بادانان کرده سده همه سهوده است ما درسها را می خوانیم و معلم  
 هم آرا نما یاد مدهد ربهها ناآب رودخانه لباسهارا می سوبند دلاورانی  
 که برای خرو خوبی می جنگند، همشه بشویق می شوبند ماهیان نابلله گرفته  
 منسوب «راما» ناکسب احاره اربدرش جنگل روت نادر آنجا ریدگی کند  
 «راما» که سش رور در خانه مانده بود رس را شهر برد خدمتکاران معمولاً  
 کارها را انجام نمدهند، نایکه سما وادار نایحامشان کید

### ۵ - مرکبات اصاصی (Possessive Compound bahuvrīhi)

tapo- dhanah (عمرسایان رسده)، gatā-ayuh (چو بدست)، danda-hastah (بروت ریاضت)

### ۶ - مرکبات طرفی (Adverbial Compound avyayībhava)

prati-aham (هررور)، anu - dinam (برسر باد)، ati-bhayam (هررور)

### واژه ها

سرحوان	kumara m	درد	stema m
معد	āśrama m	درام	natakam n
گار یجی	sārathi m	قایق	mūrti f
گوشه شمش	tapovana n	رنا	lāvanya f
کناره	tīra n	رر و شگ	sundarī f
ملکه	mahīśī f	مردهره	kamī m
سکار	mrgaya f	رر	kāmīnī f
کمان	dhanuh m	حدایی	vīyoga n
رفق دحر	sakhī f	عروسی	vivaha m
عس	pranaya m	انگشر	angulīyaka n
شاگرد	śīśya m	ریورآلات	abhuśana n

### افعال

داخل شدن	pra- √ vīś	pravīśati
بردیك شدن	upa- √ gam	upagacchati
بارگش	ni- √ vrt	nīvartate
برك کردن	vi- √ ha	vījahati
دسال کردن	anu- √ sr	anusarati

## کلمات مرکب Compounds

زبان سسکریت از زبانهای ترکیبی (Synthetic) است. از اینرو مانند زبانهای دیگر هند و اروپایی، کلمات مرکب فراوانی دارد. ترکیب دویا چند کلمه را به سسکریت سماسا (Samasa) خوانند. در کلمات مرکب علامتهای صرفی (case-endings) فقط به پایان آخر کلمه ترکیب اضافه نمیشود. بنابراین دو کلمه با پیشتر، کلمات مرکب در سسکریت به سه دسته تقسیم میشوند.

### ۱- مرکبات حقیقی (Copulative Compound dvanda)

sukha- dukha (خوشی- غم) ، ahar- nīśam (روز- شب) ،  
Sohrab - Rostam (سهراب- رستم) ، mata - pitarau (مادر- پدر)

### ۲- مرکبات معیبه (Determinative Compound tatpuruṣa)

mahā - bhārata (هندوستان بزرگ) ، aśva - rohī (سواراسب) ،  
prajā - palakā (رعیت پرور) ، rāja - putrah (پسر شاه)

### ۳- مرکبات صفتی (Adjective Compound karmadhāraya)

candra - mukhī (چهره خونی ماه) ، pīta - raktah (زرد - قرمز) ،  
kanya - ratnam (دختر خونی گوهر) ، megha - syamah (ابرشاه)

### ۴- مرکبات عددی (Numerical Compound dvigu)

daśa - grīvam (ده گردن) ، dvī - cakram (دو چرخه) ، pañca - lokah  
(پنج- طبقه) ، tri - bhuvanah (سه- فلک)



## چند نمونه از متن های مشهور و مختلف سنسکریت

- |               |               |
|---------------|---------------|
| (Hitopadesa)  | ۱- هیتوپدشا   |
| (Pancatantra) | ۲- پنجاتانترا |
| (Ramayana)    | ۳- رامایانا   |
| (Mahābhārata) | ۴- مهابهاراتا |
| (Upanisat)    | ۵- اپانیساد   |
| ( Rīgveda )   | ۶- ریگ ودا    |

## تمرین

### ۱- حمله‌های ریرا فارسی برگردانید

Hastināpurasya Dusyantah nāmakah rājā ekada mrgayaya  
 ratham aruhya gatavān tatra mrgam anuṣaran sah ekasmīn tapo-  
 vane pravistah ratham sārathina bahir sthāpya sah āsrame  
 gatah tatra ca ekam sundarīm muni-kanyām apaśyat asramasya  
 guruh Kanvah tasmīn samaye yatrayaḥ duram gatah atah tayā  
 kanyayā nṛpasya satkārah kṛtaḥ Kanvasya tām lavanyamayīm du-  
 hitāram dr̥stvā rājā moham upagatah kanyāyah nama asīt Shakun-  
 talā , sā ca ekasyah apsarasah putrī asīt Shakuntala apī pranayīm  
 darsitavati pranaya-pāsa-badhābhyam tabhyam vivāhaḥ kṛtaḥ  
 rājā ca Shakuntalam tatā eva vihāya nagaram prati-nivṛttaḥ eā  
 kathā kavīnā Kalidāsena Shakuntalā nāmnī nātaka varṇita

### ۲- حمله‌های ریرا به سسکریت برگردانید

«گئوتاما بودا» (Gautama Buddha) سرپادساهی بود و قسکه یسرحوایی  
 بود ، پدرش برای او ساهراده حام ریبا و موقری را بری گرفت اسم این  
 حام «یسودهرا» Yasodharā بود ساه مایل بود که «گئومانا» شکار و نمایش  
 برود و ساط ریبا ی مملکت را دیدن کند، اما «گئومانا» موجود عجیبی بود  
 و حوسپهای زندگی را دوست نداشت شی حانه را برک کرد و بارانده ارانه اش  
 به جنگ ریاست رفت ساه و ملکه سیار بگران و عماک سدید رن او در  
 فراق سوهرش حیلی باوان شد و همیشه گریه میکرد «گئوتاما» در جنگلها  
 و کنار رودخانه‌ها تمرین ریاست میکرد و قتیکه حقیقت را دریافت بودا  
 نامیده شد

## هیتو پدشا

## ۱

درسهر بنارس « Banārāsa » (۱) لباس سوئی نام « Karpūra-pata » (۲) بود  
 و فی نراحی حواصی خوانده بود یس از مدنی که گدست ، دردی برای سرفت  
 اسباب وی بجانه او داخل سد در محوطه منبرل وی الاعی در حال ایستادن بسنه  
 سده وسگی بسنه بود هنگامی که الاع درد را دند سگ را گفت اس کار  
 نواست که اکمون ناصدایی بلند صاحب حانه را از حواصی بدار کنی (حرا حین  
 نمیکنی؟) سگ گفت حرا بودر کار من مداحله نمکنی؟ نومندانی که من چگونه  
 سنده رور حانه را می یایم صاحب من از مدنها بس از من سر سده، بطوری که  
 فایده مرا نمنداند و حنا بی علاقه سده که برای عدا دادن من سر بل سده  
 است الاع گفت ای وحشی گوش کن ، کسی که در هنگام کار حواصی کند،  
 چگونه یس خدمت وحه دوسی است ؟

سگ یاسح داد صاحبی که فقط در هنگام کار احترام نمکند حه صاحبی است ؟  
 الاع جسمگن سد و باناراحی گفت بونه کاری هستی که نکار صاحب بوحه  
 نداری در ایصورت ، من برای بدار کردن صاحب کوشش می کم  
 این را گفت نا صدای بلند شروع به جمع کسیدن کرد لباس سوی نا فریاد  
 الاع از حواصی بریده ، ناراحت ایستاد و ناحوب الاع را رد بنابر این من میگویم  
 « هر که برای اسفاده صاحب خود در کاری که حر کار اوست مداحله کند ،  
 بدو آن رسد که نه الاع برابر فریاد کردن رسد »

(۱) « Banārāsa » از شهرهای مقدس هندوستان است که در کنار رودخانه  
 گنگ (Ganga) واقع شده وار زمان نشین مر کر علم و ادب وده وار بنظر مطاعات  
 سسکرت بنسار حال است

(۲) « Karpura pata » لمة بمعنی « ارچه کافور » است بمعنی لباس را حنا ناک  
 می شوند که مانند کافور سفید میشود حرء اول « karpura » بمعنی کافور و  
 حرء دوم « pata » بمعنی نارچه است

## Hitopadesha

### 1

asti Vārānasyām<sup>1</sup> Karpurapato nāma rajakah sa caikadā<sup>2</sup>nirbha-  
ram prasuptah tadanantaram dravyāni hartum tadgṛham caurah  
pravistah tasya prāṅgane gardabho baddhah tisthatī kukkuras-  
copavistah<sup>3</sup> tam cauramavalokya gardabhah svānamaha 'tavi tā-  
vadayam vyāpārah', tat kimitī tvamuccaiḥ śabdāṃ kṛtvā sva-  
mīnam na jāgarayasī? kukkuro brute 'mama nīyogīsyā carca tvayī  
kim kartavyā<sup>4</sup>? tvameva janasī yathahametasya aharnīsam<sup>5</sup> grha-  
rakṣam karomi yataḥ ayam cīrannīrvṛtah mamopayogam na jñatī,  
tenādhunī mama āharādāne api mandadarah gardabho brute'  
śṛnu re barbara

yācate karyakāle yah sa kim bhṛtyah sa kim suhṛt  
kukkuro brute

bhṛtyān sambhāvayed<sup>6</sup> yastu karyakale sa kim prabhuh  
tato gardabhah sakopam aha 'pāpiyaṃ tvam yat svāmīkaryopekṣāṃ  
karosī bhavatu, yathā svamī jagartī tatha mayī kartavyam'  
ītyuktvā sa cītkārmī kṛtvān tataḥ rajakah tena cītkāreṇa  
prabuddhah nīdravīmardakopād<sup>7</sup>utthaya gardabham lagudena  
tadayamāsa<sup>8</sup> ato'ham bravīmī

parādhīkara-carcīm<sup>9</sup> yah kuryat svamīhiteccchaya  
sa viśdatī cītkārad gardabhah tadīto yatha

---

1 varānasyā-loc 2 ca-ekadā, Sandhi 3 kukkurah-ca-upa-  
vistah, Sandhi 4 \ 'kr-tavyat, fem 5 Copulative compound  
6 sam - \ 'bhāv, potential, 7 nīdra-vīmarda-kopad - Sandhi  
8 Past-perfect 9 Compound

## هیتو پدشا

۲

در جنگل «گئو نام» (Gautama) راهدی نام «مها نانا» (Maha-tapā) (۱) بود راهد در بردیک خانقاه خود بجه موسی را که از دهان کلاع افشاده بود، دید راهد بوسیله عله جنگل بجه موس را برورد ولی بوسیله می دید که گربه ای برای گرفتن موش بدسال او می آمد بدیجهت بوسیله ریاضت موش را شکل گربه ای در آورد و حوون گربه از سگ می برسند، پس آن گربه را به صورت سگ کرد و حوون سگ از بر سبار می برسند، سبار این سگ را شکل بر در آورد سپس راهد آن بر را حوون بجه موشی می ینداشت سبار این وقعی مردم آنجا آن بر را دیدند گفتند بوسیله راهد این بر از صورت موش بودن بدین شکل در آمده است وقعی بر این سحنا را سبند نانا را حنی باندیشه فرو رفت و نا خود گفت نا این راهد رنده است داسنا این افسرا از منا بخواهد رفت سبار این اندیشه برای کشش راهد آماده سد وقعی راهد اراده بر را فهمند گفت دوباره موش سو سپس بر موش سد سبار این من می گویم «بدکار هر گاه برقی کند، قصد کشش خداوند خود می کند مانند موش که حوون برسد به کس راهد اراده کرد»

(۱) (Mahā-tapa) این کلمه مرکب از دو جزء است جزء اول «مها» بمعنی بررگ، سبار، و جزء دوم از ریشه tap بمعنی ریاضت کشیدن است، مجموعاً بمعنی سبار ریاضت کش

## Hitopadesha

### 2

asti Gautamaranye<sup>1</sup> Mihatapā nama munih tenāśrama-sannidhane  
 musika-sāvakah kaka-mukhād bhrastah drstah tatah dayalunā tena  
 muninā nīvara-kanah sa samvardhitah<sup>2</sup> tam ca musikam khadī-  
 tum anudhāvan bīdālo muninā drstah pascāt tapah prabhavat  
 tena muninā musiko bīdalah krtah sa bīdalah kukkurād<sup>3</sup> bībheti  
 tatah asau kukkurah krtah atha asya vyaghrad mahad bhayam tad  
 anantaram sa vyaghrāh krtah atha vyaghrāmapī musika-nirvi-  
 sesam pasyati munih atah sarve tatrasthā janah tam vyaghrām  
 drstvā vadanti 'anena munina mūsikah ayam vyaghratam nītah'  
 etat srutva sa vyaghrāh<sup>4</sup> savyathah acintayat 'yavadanena munina  
 jivitavyam tavad me akīrtikaram ākhyānam na palayisyate' iti  
 samalocya munim hantum samudyatah tatah sa munih tasya  
 cikīrṣitam<sup>5</sup> gyatvā 'pūnāh mūsiko bhīva' iti aha tatah sa vyā-  
 ghrāh mūsikah eva krtah atah aham bravāmi—

nīcah ślaghya-padam prapya<sup>6</sup> svaminam hantumicchati  
 musiko vyāghratām prapya munim hantum gato yatha

/

---

1 Gautama-aranye, loc 2 sam- √ vrdh, past-passive-partici-  
 ple 3 Ablative in case of 'bhaya' 4 vyatha-sahitah, savyathah  
 Compound 5 √ kr-past-passive, desiderative 6 pra- √ āp-  
 gerund

## پنجاناترا

### ۴

سنگ پشبی نام «کمو گریو» (Kambu-grīva) (۱) در آنگری سر میرد  
دوقوب نام «سکت» (Sankata) (۲) و «ویکت» (Vikata) (۳) با اودوسی تمام  
داشتند پس از چندی به علت نامدن نارایان آنگر اندک اندک خشک شد  
ووها بواسطه ناراحتی سنگ یشت افسرده شده، گفتند ای دوست ما این آنگر  
خشک شد و حرمداری احسن حری در آن نیست و ما مگر اییم که او در اینجا  
چگونه سر می‌بری

«کمو گریو» گفت مندی محکم و خوبی کوچک باورید و من میان آن  
چوب رامنگرم و سمایرا به آنگر دیگر سرید هر دو گفتند خواهیم کرد ولی  
شرطی که بساکت و آرام باشی، و گرنه از چوب خواهی افتاد هنگامی که  
کار بنایان رسید «کمو گریو» سهری را دید مردم سهر که آنها را ناهم در  
هوا می‌دیدند باشگمی می‌گفتند دوبریده چتر گردی را در آسمان می‌برد  
هنگامی که «کمو گریو» هناهوی مردم را شنید گفت این هناهو از چیست؟  
وقتی دهان مدین سخن باز کرد از بالا بنایان افتاد و مردم او را یافتند و پاره پاره  
کردند

(۱) این کلمه مرکب از دو جزء است جزء اول کمو «Kambu» بمعنی صدف  
و گوش ماهی است و جزء دوم گریو «grīva» بمعنی گردن است مجعوعاً بمعنی  
دارنده گردی مانند صدف

(۲) بمعنی آفت و بلا

(۳) بمعنی ترساک

## PANCHATANTRA

## 3

asti kasminsicit jalasāye Kambugrivoḥ nama kacchapah tasya  
 Sankata- Vikata nāmnī mitre hamsa-jātiye parama-sneham asrite  
 atha gacchatī<sup>2</sup> kale anavṛtī-vaśat tat sarāḥ sanāḥ sanāḥ sosam  
 agamat tataḥ tad-dubkha-dukkhītau tau ūcatuḥ<sup>3</sup> ' bho mitra  
 jambala-sesam etat sarāḥ samjātam tat katham bhavan bhavi-  
 syatī itī vyakulatvam nau Kambugrivah aha' aniyatam<sup>3</sup> drdha-  
 rajjuh laghu va kastham mayā madhya-pradeśe grhīte satī yuvam  
 tat kastham maya sahītam saṃgīhya anyat saro nayatam tau ūcatuḥ  
 bho mitra evam karīṣyāvah param tvaya mauna-vratena bhavyam,  
 no cet kasthat tava pato bhaviṣyati tathanuṣṭhite<sup>6</sup> gacchatā Kam-  
 bugrivena kimcid puram alokitam tatra ye pauraḥ<sup>4</sup> te tatha  
 nīyamanm tam vilokya savismayam idam ucuḥ , ' aho cakrākaram  
 kimapi pakṣibhyām nīyate<sup>7</sup> ' atha tesam kolahalam akarnya  
 Kambugrivah aha' bho kimesa kolahalaḥ itī vaktumanī<sup>8</sup> ardhoḥke  
 natitah pauraḥ ca khandasah kītaḥ ca

---

1 Bahuvrīhi compound 2 loc of present participle gacchat  
 3 a - √ni Imperative 4 mauna-vrata, vow of silence 5 √ bhu-  
 suffix-yat in future sense 6 tathā-ānu-ṣṭhita, locative  
 7 √ ni, present participle middle voice 8 vaktum manah  
 yasya, Bahuvrīhi compound



## مهابهاراتا

### فرمان بهیشما (۱)

§

- ۱- ای پسر «کورو» «Kuru» برای ساه حبری بهر و مقصد برار راسنی بست ، بوناید درهر کاری فروین ناسی
- ۲- آن ساه بهترین ساه است که مردمان کسور وی آزاد و بی برس ناسند ، مانند فریدان درحانه بدر
- ۳- ساه ناند یس از آنکه بردسمن برورسود، برروح خود حیره گردد او باید کار بک و بلند هم ی راسویق کند و آرمندی و جسم را حوار دارد
- ۴- ای سرور کسور سو که سر حشمة ندی حست ؟ سر حشمة ندی آرمندی است که مانند نمساح همه ددیهارا می بلعد
- ۵- حاودانی و نسبی هر دو دریدن آدمی وجود دارد بنجه سبنگی ندیا ونا ، و بنجه حقیقت و راسنی ، نفا است
- ۶- مبطره ای همچون دانش وجود ندارد ر ناصبی ماد راسنی بست هیچ عمگنی مانند واسنگی بست هیچ حوسحالی مانند کناره گیری اردنیا نیست
- ۷- راسنی مانند خداست راسنی ر ناصبی است که بوسیله آن میتوان به بهشت رفت دروع مانند بنادانی است و ار نادانی هر کس بست سود
- ۸- راسنی رار «ودها» و رار راسنی ، سلط بر نفس و رار سلط بر نفس ، رسنگاری اردنیاست ، این فرمان مقدس است

(۱) بهیشما (Bhishma) در مهابهاراتا مردی بزرگ و دانشمند معروفی است و مانند معلم مقدسی شمار می آید

## MAHABHARATA

### Bhīṣma-anuśaṣanam

#### 4

- 1 na hi satyād<sup>1</sup> rte kīmcid rājñam vai siddhi-karakam  
ārjavam sarva-karyesu śrayethāh Kurunandana<sup>2</sup>
- 2 putrā iva piturgehe viśaye ysaya mānavah  
nirbhayah vicariṣyanti sa raja rajasattamah
- 3 ātmā jeyassada rajña tato jeyasca satravah  
dharmārthau<sup>3</sup> pratiḡrhnīyāt<sup>4</sup> kama-krodhau ca varjayet
- 4 pāpasya yadadhīsthānam tat śmṛusva naradhīpa  
eko lobho mahāgrāho, lobhāt pāpam pravartate
- 5 amṛtam caiva mṛtyusca dvayam dehe pratiṣṭhitam  
mṛtyurāpadyate mohāt sityenāpadyate 'mṛtam 5
- 6 nasti vidyasamam cakṣuh nasti satyasamam tapah  
nāsti rāgasamam dukkham nasti tyagasamam sukham
- 7 satyam brahma tapah satyam svargam satyena gacchatī  
amṛtam tamaso rūpam tamasā nīyate 'hyadhah 6
- 8 Vedasyopaniṣat<sup>7</sup> satyam satyasyopaniṣaddamah  
damasyopaniṣad mokṣah etat sarvanuśaṣanam

/

---

1 Use of ablative in the sense of-vinā 2 Tatpuruṣa compound,  
Kurus and Pandavas were cousin brothers 3 Dvanda compound  
4 prati-√'grah, potential 3rd person 4 Conception of heaven  
and hell or immortality and death 6 hi-adhah, nether worlds,  
i.e. hell 7 upa-ni-√'sad, sit-together for discussion or secret  
purposes

## رامایانا

۵

- ۱- هنگامی که «اما» (Rama) این سخنان را به «سینا»ی (۱) رنماوسر بن سخن گفت،  
سینا کمی چشمگین شد و سپس نامهربانی به سوهر گفت
- ۲- ای «راما» این سخنان را چرا می گویی ؟ زیرا که این سخنان بسیار سنگ  
است ای بهرین آدمی من وقتی اینها را شنیدم حنده ام گریخت
- ۳- ای سرور گرامی یدرومادر و سوهر و یسروحواهر (هر يك به بهایی) از بدجه  
کار خود بهره می برند و ارسمت خود بهره مند میشوند
- ۴- فقط سربوستن است که واسیه به سوهر است ، بنابراین ای بهرین آدمی،  
من احاره گرفتم که نابو در جنگل زندگی کنم
- ۵- به بدرو به سر و به مادر و به خود شخص و به دوستان و رفیقاں حه در این گیتی و  
حه یس از مرگ ، زن را یاری نمکنید ، فقط سوهر است که برای زن  
پشیمان است
- ۶- ای «راگهو» (Raghava) (۲) اگر تو امروز بسوی جنگل حرکت کنی ، من  
سر بس از تو مبروم و حار و علف را نابای خود حرد میکنم

(۱) «-تا Sita» زن «راما» بود برای سرگذشت آناں نگاه کنید به  
صفحه ۱۸-۱۹ همین کتاب

(۲) راگهو (Raghava) بمعنی فرزند راگهو (Raghu) است که پدر پدرك  
«راما» و مرد برگی بود پس از او مرد دیاں و وادگان او را راگهو (Raghava)  
خواندند بنابراین راگهو همان «راما» است .

## RAMAYANA

## 5

- 1 evam uktā tu Vaidehī priyārha priyavadinī  
pranayād eva samkruddhā bhartāram idamabravīt
- 2 kimīdam bhasase Rama vakyam laghutaya dhruvām  
tvaya yad apahāsyam me śrutva naravarottama
- 3 ārya-putra pita mata bhrata putrah tathā snusa  
svanī punyanī bhuñjana svam svam bhagyam upasate
- 4 bhartuh bhagyam tu naryekā prapnotī puruṣasabha  
atascaivaham ādista vane vastavyam ityapī
- 5 na pita natmajo natma na mata na sakhijanah  
iha pretya ca narinam patireko gatih sadā
- 6 yadī tvamī prasthito durgam vanam adyaiva Raghava  
agiataste gamisyamī midnanti kuśakantakan

---

1 Daughter of Videha, king of Mithila, who was famous by  
name of Janaka 2 naravara-uttama, voc 3 puruṣa-sabha,  
voc 4 atah-ca-eva-aham, sandhi 5 Present participle fem  
from √ mrd to crush

## گفتارهای يك

### ۶

۱- يك سر خوب بهتر از صد سر نادان است چنانكه يك ماه روشن (در آسمان) تاریکی را از میان می برد در حالی كه يك گروه سارگان بواسای باش کار بنسند

۲- پدر و مادری كه فرزند خود را وادار به ناد گرفتن داس نمی کنند ، دشمن او هستند چنان فرزندى مانند ماهیخواری است در میان دسهای قو

۳- داس و نادساهی برابر نیستند زیرا ساه در کشور خود یرسیده می شود ولی دانسمند در همه کینی مورد پریشش است

۴- خورسند در هنگام آمدن و فرو رفتن فرمر رنگ است مانند مرد بررگ كه در هنگام سادی و اندوه يكسان است

۵- رودخانه ها از آب خود نمی نوسند و در حان از منوه خود نمی خورند اینها برای خود نمی سازند ، همچنانكه سادی مردم بررگ برای بهره بردن دیگران است

۶- حوسحت اگر نگاهداری هم نشود رنده می ماند، ولی بدبخت اگر هم محافظت سود نازمی مبرد چنانكه بی پناه حوسحتی در جنگل تنها سر می برد ولی بدبخت در خانه خود با هزار کوسس از میان مرود

۷- کسانی كه سواد و رصاص کشی و بحثش و دانش و اخلاق و خوبی و دین ندارند مانند نارهایی بر روی زمین ناحیوانهایی در لباس آدمی هستند

## Subhāsitanī

5

- 1 varam ekah gunī putrah na ca mūrkhā-satanyapī  
ekascandrah tamo hanti na ca tūṅganopī ca
- 2 mātī satru pita vami yena bālo na pāthitah<sup>1</sup>  
na sobhate sabhāmadhye hansa-madhye bako yathā
- 3 vidvatvam<sup>2</sup> ca nrpatvam ca naiva tulyam kadīcanī  
svadese puṇyate rāja vidvan sarvatra puṇyate
- 4 udetī savitī tāmrah tamra evastī metī ca  
sāmpattau ca vipattau ca mahatīm ekārupatā
- 5 pibanti nadyah svayāmeva nāmbhāh  
svayam na khādanti phalaṇī vrksāh  
dharadhāro vārsatī nātma-hetoh  
paropakārīya satīm vibhūtay ih
- 6 araksitam tisthatī daivī-raksitam  
suraksitam daivahatīm vinīsyatī  
jivatyanātho'pī<sup>3</sup> vane visarjitah  
krtī-priyatno'pī grhe na jivatī
- 7 yesam na vidyā na tapo na dānam  
gñānam na śīlam na guṇo na dharmah  
te mrtyuloke bhuvī-bharabhūtāh  
manusya-rūpena mrgāścaranti

1 Causative form -Past Participle from √ path 2 Suffix-  
tva is used in abstract sense 3 jivatī - anāthah - apī, sandhī

4 mīgah-caranti

## اوپایشاد

### ۷

#### پند برای شاگردان (۱)

پس از آنکه اسناد درس «ودا» را بنامان رساند شاگردان را چنین پند داد  
 راست بگو از روی دین رندکای کن از مطالعه روی گردان مناس از  
 راستی سر مدح از دین روی گردان مناس از کار مفید روی مگردان ه  
 آفریدگان ندی مکن در کار خدا و بررگان عقلت مکن مادر را ماند خدا  
 سنان کن پدر را ماند خدا سنان کن اسناد را ماند خدا سنان کن  
 مهمان را ماند خدا سنان کن همیشه کارهای خوب انجام ده و حر این  
 کارها مکن هر حشر را می بخشی از روی ایمان به بخش و بدو ایمان می بخش  
 هر چه بخشی بنمای آنرا بخش با سرم حیا به بخش با احساس مسؤولیت به بخش  
 با میل طبعی به بخش

این فرمان است این پند است این خلاصه «ودا» و «اوپایشاد» است این  
 دستور است این گونه رندکای کن

(۱) در گذشته هر گاه دانشجویی در آموزشگاهی درس را بنامان می رسانید، اسناد

رندک این مدهارا با وعداد این مسمی از «اوپایشاد» ری (Taittiriya-upaniṣad) گرفته شده است

## Upaniṣad Anuśāsanam

7

Vedamanuṣya – acarya<sup>1</sup> antevāsināmanuṣastī<sup>2</sup> satyam vada  
Dharmam cara svādhyāyannā pramadah satyānna pramāḍita-  
vyam dharmānna pramāḍitavyam kuśalānna pramāḍitavyam  
bhūtyai na pramāḍitavyam Deva-pitṛ-karyābhyānā na pramāḍi-  
tavyam matrdevo<sup>3</sup> bhava pitṛdevo bhava acāryadevo bhava  
arīṭhīdevo bhava

yanyavadyani<sup>4</sup> karmāni tāni sevītavyāni no itarāni

śāddhayaḥ deyaḥ aśāddhayaḥ deyaḥ śrīyaḥ deyaḥ hūyaḥ deyaḥ  
samvīda deyaḥ

esa adeśah esa upadeśah esa Vedopaniṣat<sup>5</sup> etad anuśāsanam  
evamupāśītavyam

1

---

1 acāram gīhayaṭī yah, ( one who imparts training in conduct )  
derived from १ - \ car 2 anu- \ sas to impart instructions,  
anuśāsanam is comparable to Convocation address 3 matrdevatī  
yasya, matrdevah 4 avadya (faulty); anavadya (flawless)  
5 Vedanām Upaniṣat, secret of Vedas



## ریگودا

۸

۱

من حدای آتش، موبد حیوادگی، الهه فریابی، بخش ده بررگ، ناری کننده  
مهریان - آگنی (Agni) - را سناش می کنم

۲

راهدان و نارسایان کدسنه و اکئون آگنی را مورد بررسی قرار داده  
و منهدم آمندوارم او حدایان را بدین (حایگاه فریابی) راهنمایی کند

۳

بهر حوب و مهریان آگنی ممکن است باعث بروب و خوشحینی همسره  
مردمان سود و آنان را نه سکوه و مقام مهرمائی برساند

۴

ای آگنی بسکش ها و فریاسهائی که از هر مکان سو می رسد عنا حدایان  
دیگر می رسد

۵

ای آگنی - الهه مهریابی و دانش و بیش و راسی و درسی که شهرت  
سوار داری - ممکن است تا حدایان دیگر در ادجا (حایگاه فریابی) حضور  
یابند

---

(۱) آگنی (Agni)، بعد از اندرا (Indra) در ادبایات ودا حدای دوم است، و اهمیت  
او در ودا بسیار است

## RIGVEDA

(agnisuktam)

- 1 Agnim ile<sup>1</sup> purohitam  
yajñasya<sup>5</sup> devam rtvijam<sup>2</sup>  
hotaram ratnadhātāmam
- 2 Agnih purvebhīh rśibhīh<sup>3</sup>  
idyah nūtanāih uta,  
sū devan eha<sup>4</sup> vaksati
- 3 Agnina rayim aśnavat  
posam eva dive dive,  
yasasim viravattāmam
- 4 Agne yam yajñam adhvarām  
visvatah paribhuh asi  
sah it devesu gacchati
- 5 Agnih hota kavī-kīrtuh  
satyah citiśravastamah  
devah devebhīh a gamat<sup>5</sup>

---

1 l and d are pronounced alike in Veda 2 hota and rtvij are two priests 3 rśih is one who knows the secret of mantras 4 eha, a-īha, the particle a will be joined with verb vaksati, this is a Vedic peculiarity where interrupted prefix qualifies the verb 5 Vedic subjunctive mood

الفبای «دوناگری» (Devanagari) که در چاپ کتابها مورد استفاده است (۱)

अ a      आ ā      इ i      ई ī      उ u      ऊ ū

ऋ ṛ      ॠ ṝ      ल l

ए e      ऐ ai      ओ o      औ au

क k      ख kh      ग g      घ gh      ङ ṅ

च c      छ ch      ज j      झ jh      ञ ṇ

ट t      ठ th      ड d      ढ dh      ण ṇ

त t      थ th      द d      ध dh      न n

प p      फ ph      ब b      भ bh      म m

य y      र r      ल l      व v

श ṣ      ष ṣ      स s      ह h

نشانه های حروف صدا دار و ترکیب آنها با حرف بی صدای «ك»

—      ा      ि      ी      ु      ॄ      ृ      ॆ      ॐ

क का कि की कु कू कु कृ कृ

ँ      ॡ      ो      ौ      — m l b

के कै को कौ क कः

## خط دوناکری

درست روس نیست که هنر نوشتن از حه رمان در هندوسیان آغاز شده است ولی بودن تمدن و ادیان ودایی و سانه‌های حروف صدا دار و بی‌صدا در «ودا» نشان می‌دهد که در آن رمان هنر نوشتن در هندوسیان آغاز شده بود البته منابع قدیمی نشان می‌دهد که در آغاز الفبای براهمی (Brahmi) رواج داشته است و معتمد بودند که این خط مستقیماً از دهان خدا بی‌ام براهما (Brahma) رسیده است. هم‌طور دربارهٔ کلمه «اسوک» (Asoka) ساه چنین گفته شده است از خط «براهمی» خط «دوناکری» گرفته شد که خط یا زبان خداان و بحای شهرها داشته شده است. این خط در هندوسیان ریشه خط‌های دیگر شد ولی در حیوت هندوسیان خط «دراوید»‌ها از این خط گرفته شده و ناحط «دوناکری» تفاوت دارد. خط سسیکرت و هندی هر دو به‌طور توسعه می‌شود. خط «دوناکری» دارای این ویژگی است که تمام صداها را منعطف سانه‌ای در خط دارد و هر چه گفته می‌شود می‌توان آن خط را نوشت. تمام حروف صدا دار و بی‌صدا بر طبق اصول صدا سانه‌ای بوجود آمده و بعضی سانه‌ها هم از خط «دراوید»‌ها گرفته شده است.

در این قسمت تنها نمونه حروفی که در نوشتن نداشت و حروفی که در حاکم کار می‌رود، آورده شده است.

ترکیب «ک» با حرف صدا دار برای نمونه

अ	—	क	$k + a = ka$
आ	८	का	$k + \bar{a} = ka$
इ	ि	कि	$k + i = ki$
ई	ी	की	$k + i = k\bar{i}$
उ	ु	कु	$k + u = ku$
ऊ	ू	कू	$k + u = ku$
ऋ	ृ	कृ	$k + r = kr$
ए	ॆ	के	$k + e = ke$
ऐ	ॆ	कै	$k + a_i = ka_i$
ओ	ॆ	को	$k + o = ko$
औ	ौ	कौ	$k + au = kau$
अं	ं	कं	$k + am = kam$
अः	:	कः	$k + ah = kah$

الفای «دوباسری» که برای دستنویسی نگار میرود

अ	आ	इ	ई
उ	ऊ	ऋ	ॠ
ए	ऐ	ओ	औ
अं	अ.		

क	ख	ग	घ	ङ
च	छ	ज	झ	ञ
ट	ठ	ड	ढ	ण
त	थ	द	ध	न
प	फ	ब	भ	म
य	र	ल	व	
श	ष	स	ह	

برای نمونه کلمه‌ای چند از سسکریت را در زیر می‌آوریم

अत्र	आकाश	खर
नख	एक	कपोत
माता	जानु	बाहू
बाला	केश	सप्त
धर्म	अष्ट	पाचक
ईरान	शीराज	हमादान

رقمها در حط «دوناگری»

१	२	३	४	५
۱	۲	۳	۴	۵
६	७	८	९	०
۶	۷	۸	۹	۰

حروف بی صدا که شامل حروف بررگی و کوچک است

کوچک	بررگی	کوچک	بررگی
ک	ڪ	k	گ
چ	چ	c	ج
ت	ت	t	ن
پ	پ	p	ب
भ	भ	bh	म
य	य	y	र
व	व	v	श
ष	ष	s	स

قسمت زیر یک فرم جداگانه و مخصوصی است

क् - ष = क्ष  $k + s = ks$

त् - र = त्र  $t + r = tr$

ज् - न = ज्ञ  $\left. \begin{matrix} j + n \\ g + y \end{matrix} \right\} = jn \quad gy$



برای نمونه حمله‌هایی چند بخط سسکرت (دوباگری) در زیر داده مسود

ईरान आर्याणां देश । अस्य देशस्य  
 अतीतं अति गौरवमयं आसीत् ।  
 पुरा अत्र बहवः वीराः राजान  
 राज्यं अकुर्वन् । महात्मा जरथुश्च  
 अत्र एव ज्ञान-ज्योतिं ज्वालयामास ।  
 अनेकैः कविभिः अत्र मधुराणि  
 काव्यानि रचितानि । ईरान-वासिनः  
 काव्य-विनोदिनः रसिकाः च सन्ति ।  
 अद्यापि ते कवीनां आदरं कुर्वन्ति ।  
 अस्य देशस्य भविष्यं उज्ज्वलं अस्ति ।

برای نمونه حمله‌هایی چند بحط سسکریت (دوناگری) داده میشود

नमस्ते ।

namaste

(سلام بر تو)

त्व कुत्र गच्छसि ?

tvam kutra gacchasi ?

(تو کجا میروی)

कि ते नाम ?

kim te nama?

(نام تو چیست؟)

त्व कस्यां कक्षायां

tvam kasyām kaksāyam pathasi ?

(تو در چه کلاسی درس میخوانی؟)

पठसि ?

अस्य नगरस्य कि

asya nagarasya kim abhidhanam ?

(نام این شهر چیست؟)

अभिधानम् ?

अपि भवान् कुशली

api bhavan kusali asti ?

(حال شما خوب است؟)

अस्ति ?

तव कति भ्रातर

tava kati bhrataṛah santi ?

(چند برادر داری؟)

सन्ति ?

अनुज्ञा देहि अधुना

anujñam dehi adhuna grham  
gacchamah

(احاره‌نده اکنون بحاه برویم)

गृह गच्छाम ।

نمونه ای از «همویدسا» و «ریگ ودا» به خط سنسکریت (دوناگری (۱))

अस्ति गौतमारण्ये महातपा नाम मुनिः । तेनाश्रमसंनि-  
धाने मूषिकशावकः काकमुखाद्भ्रष्टो दृष्टः । ततो दयालुना  
तेन मुनिना नीवारकणैः स संवर्धितः । त च मूषिकं खादि-  
तुमनुधावन्बिडालो मुनिना दृष्टः । पश्चात्तपःप्रभावात्तेन मुनि-  
ना मूषिको बलिष्ठो बिडालः कृतः । स बिडालः कुकुराद्विभेति ।  
ततो ऽसौ कुकुरः कृतः । कुकुरस्य व्याघ्रान्महद्भयम् । तदनन्तरं स  
व्याघ्रः कृतः । अथ व्याघ्रमपि तं मूषिकनिर्विशेषं पश्यति मु-  
निः । अतः सर्वे तत्रस्था जनास्तं व्याघ्रं दृष्ट्वा वदन्ति । अनेन  
मुनिना मूषिको ऽयं व्याघ्रतां नीतः । एतच्छ्रुत्वा स व्याघ्रः स-  
व्यथो ऽचिन्तयत् । यावदनेन मुनिना जीवितव्यं तावदिदं मम  
स्वरूपाख्यानमकीर्तिकरं न पलायिष्यते । इति समालोच्य मु-  
निः हन्तुं समुद्यतः । ततो मुनिना तस्य चिकीर्षितं ज्ञात्वा पु-  
नर्मूषिको भवेत्युक्त्वा मूषिक एव कृतः । अतो ऽहं ब्रवीमि ।

नीचः श्लाघ्यपदं प्राप्य स्वामिनं लोभुमिच्छति ।

मूषिको व्याघ्रतां प्राप्य मुनिं हन्तुं गतो यथा ॥

### Transliteration

Irānah aryanam desah asya desasya atitam atī gaurava-mayam  
 asit pura atra bahavah vīrāh rājanah rajyam akurvan Mahātma  
 Jarthustah atra eva gñana-jyotim jvālayamāsa anekāḥ kavibhiḥ  
 atra madhuranī kavyanī racitanī Iran-vasīnah kavya-vinodīnah  
 rasikāḥ ca santi adyāpi te kavīnam idam kurvantī asya desasya  
 bhaviṣyam ujvalam astī

### ترجمه فارسی

ایران کشور آریاهاست گدسبه این کشور بسیار درحسانست در زمان  
 پیش شاهان دلب و سنار در اینجا پادشاهی کردند در دست برگ اندیشه در  
 اینجا مسعل علم برافروخت در این کشور بوسله ساعران ، شعرهای سرین  
 ساخته شده است مردم ایران شعر دوست و دارای دوق رباعی سناسی هستند  
 حتی امروز بر ساعران خود را گرامی میدارند آینده این کشور بسیار  
 درحسان است

واژه نامه سنسکریت = فارسی

अ॒ग्निमी॒ळे पु॒रोहि॑तं य॒ज्ञस्य॑ दे॒वमु॒त्विज॑म् ।  
 हो॒तार॑ रत्न॒धात॑मम् ॥ १ ॥  
 अ॒ग्निः पू॒र्वेभि॑र्ऋ॒षिभि॑री॒ड्यो नू॑तनैरु॒त ।  
 स दे॒वाँ ए॒ह व॑क्षति ॥ २ ॥  
 अ॒ग्निना॑ र॒यिम॑श्नव॒त्पोष॑मे॒व दि॒वे दि॒वे ।  
 य॒शस॑ वी॒रव॑त्तमम् ॥ ३ ॥  
 अ॒ग्ने य॒ यज्ञ॑म॒ध्वरं॑ वि॒श्वतः॑ परि॒भूर॑सि ।  
 स इ॒हे॒वेषु॑ गच्छति ॥ ४ ॥  
 अ॒ग्निर्हो॑ता क॒विक्र॑तुः स॒त्यश्चि॒त्रश्च॑वस्तमः ।  
 दे॒वो दे॒वेभि॑रा ग॒मत् ॥ ५ ॥

فارسی	سمکریٹ
صاحب-مالک	adhīpati m
اکوئ	adhunā adv
مراسم دینی	adhvara m
سس	anantaram adv
بی ماراں-حشکسالی	anāvrstih f
پشت (پشاوند)	anu adv
موافق	anukūla a
احارہ	anumatī f
اندازہ	anumana m
دروع	anṛta m
حد-چندیں	aneka a
یایاں	anta m
نظم و ترتیب	anusāsana n
بردیک	antika adv
شاگرد	antevāsīn m
افق	antarīkṣa n
کور	andha m
تاریکی	andha-kara m
عدا	anna n
دیگر	anyat adv
حای دیگر	anyatra adv
وگرہ	anyatha adv

## سمسکریت

## فارسی

akṣa m	قمار
aksata part,	ناسالم - محروح
agni m	آش
agra n	روبرو - حلو
anga	اندام
angulīyaka n	انگشت
atah adv	پس - بنا بر این
atī adv	سناور
atra adv	اینها
atha adv	پس از این
athava adv	یا
Atharva-veda m	(اترو - ودای چهارم ودا)
adas pron (asau)	آن
adya adv	امروز
adharma m	نامقدس
adhas adv	پایین
adhastat adv	پایین
adhī adv	بر - بالا (پیشاوند)
adhika a	سیار - زیاد
adhikarāṇika m	قاصی دادگسری
adhikara m	حق - ادعا



فارسی	سکرت
هشت	asta num
هشتم	astama num
هجده	astadasa num
دروع	asatya n
ناممکن	asambhava a
شمشیر	asi m
دیو	asura m
عروب	asta a
استحواں	asthi n
ما-مال ما	asmat pro
مں	aham pron
شب و رور	aharnisa n
مصر	ahita a
ای (حرف ندا) - آہ - آح	aho int
شب و رور	ahorātra n
دور و بردیک (پیشاوند)	ā adv
شکل - صورت	akāra m
آسمان (درودا مدکر آمده)	akāsa n
حادث	akarsana n
صید - بحیر - شکار	ākhetā n
کتاب مقدس	agama m
ورود	agamana m

فارسی	سمسکریت
آب	ap f (pl) āpah
بیر - هم	apī adv
دیگر	apara pron
پری	apsaras f
ماترس	abhaya n
رو مرو (پیشاوند)	abhi adv
ممرین	abhyāsa m
آب حیات	amṛta n, adj
مادر	ambā f
برش	amla n
جنگل	aranyam n
دشمن	arī m
بروت-معنی	artha m
صف	ardha n
کافی	alam adv
رسور	alī m
پایین (پیشاوند)	ava adv
حمی-حتماً	avaśyam adv
حالت	avasthā f
هشاد	aśīti num
اشک	aśru n
اسب	aśva m

فارسی	سمکریٔ
مسند	āsana n
بی‌مره	asvadu n
ر بودن-در دیدن-برور بردن	aharana n
حوراک- عدا	ahara n
قرنابی-سوراندن روع و بحور در هنگام	ahuti f
انجام مراسم دینی	
میل	iccha f
دیگر	itarat pro
ارایحا	itas adv
بایان	iti adv
چس	ittham adv
این	idam pro
ماه	indu m
ایندرا (خدای باران)	Indra m
این (دحر)	iyam f
مثل-مانند	Iva adv
حواس	\ 15
تیر	isu m
ایحا	iha adv
سودن	\ ' id v
حدا- خداوند	isvara m
بالا (پیشاوند)	ut adv
پاسح-شمال	uttara n

## سنسکرت

## فارسی

ācāra m

احلاق

ācārya m

پیر-مرشد

ājñā f

احاره

ātman m

روح

ādī m

آغار-شروع

āditya m

آفتاب

adesa m

دسبور

√'ap

بدست آوردن-حاصل کردن

āpad f

آفت-بلا

āpana m

دکان-معاره

abhūṣana n

ربور آلات

āmra m

امه

ayata a

پهناور-وسع

āyus m

سن

ārjava n

مروتی

aloka m

روشنی

ālokita p pf

روشن

avam pro

هردوما

aśa f

امید

aśu a

رود

aśrama m

حائقاء

āśrita p pf

ساهدده

سمسکریت	فارسی
rksa m	حرس
rgveda m	رگ ودا (بحسین کتاب ودا)
rta m	راسی (درودا)
rc f	سرود دیسی
rna n	فرص
rsi m	اهل بظر
eka num	یک
ekada adv	یکبار - یکمره
ekādaśa num	یازده
etad pro	این
eva adv	سها
evam adv	چس
oja m	قوت
odana n	حلو
ostha m	لب
ausadha n	دوا
kah pro	کی
kankana n	دست بند
kaca m	شیشه
kacchapa m	سنگ پشت
kata m	پادری - حصر
katu m	بلح

فارسی	سنسکرت
ترك کردن-رها کردن	ut √srj v
شال	uttariya m
دریا	udadhi m
مقصود	uddesya m
طلوع	udaya m
ناع	udyana m
کوشش-صایع دسی	udyoga m
کوشان	udyogin m
مست	unmatta m
معاون (پیشاوند)	upa adv
پند	upadesa m
کشی (رسم دسی هندویان)	upanayana n
اویاشاد (کتاب هدیایان باسم)	upanisat f
آماد-حاضر شده	upapanna p pf
حوشی-لدت	Upabhoga m
اسعمال	upayoga m
ناع	upavana n
کفش	upānah f
دو	ubha a
راں	uru a
شفق	usas f
شتر	uṣtra m

## سمسکریت

## فارسی

kartr m	کننده
karman m	عمل
kalaha m	مراع
kala f	هر
kalyāna n	بهمودی
kalusa n	کسف
kavi m	ساعر
kavita f	شعر - نظم
kaka m	کلاع - راع
kāna m	یک چشم - کورار یک چشم
kanti f	نور
kama m	هوی و هوس
kāmin m	شهوایی
kāminī f	رن رینا
kāraṇa n	علت
kaya m	بدن
karya n	کار
karyālaya	اداره
kāla m	وقت
Kalīdasa m	کالیداسا (یکی از بزرگترین ساعران زبان سمسکریت)
kavya m	دیوان شعر
kaṣṭha n	چوب

## سمکریٹ

## فارسی

kathora n	سجٹ
kana n	وطرہ
kantaka m	حار
kantha m	کلو
katarat adv	کدام
katham adv	حکوبہ۔ حطور
kathā f	داسیان
√ kathay v	گفٹ
kāda adv	کی
kādacit adv	ہنگامی۔ ساید
kadacana adv	ساید
kanīstha a	کوچکتر
kanīyas a	کوچک
kanya f	دحر
Kandarpa m	کندربا (رب النوع عسوی)
kapı m	مسموں
kapota m	کموبر
Kamala f	کملا (رب النوع بروہ)
√ kamp v	لرریدن
kara m	دست
karin m	فیل
karna m	گوش



فارسی	سکریت
کشاور	kr̥ṣaka m
کشاورری-رراعت	kr̥ṣi f
سیاه	kr̥ṣna a
کرشا ( یکی ارحدایان هدی )	Kr̥ṣna (Prop N) m
درفش	ketu m
ماروسد	keyura n
گسو	keṣa m
حشم	kopa m
یرسروصدا	kolahala m
ملایم - مارک	komala n
داشمند	kovida m
گنج	kosa m
حریدن	√ kr̥i v
باری کردن	√ k̥rid v
باری	kr̥ida f
حشمگین شدن	√ krudh v
حشم	krodha m
کجا	kva adv
لحظه	ksana m
نگهبانان مملکتی- جنگجویان ( طبقه دوم ار	ksatriya m
چهار طبقه درهند قدیم)	
پورش-عدر	ksama f

## سنسکريت

## فارسي

kim n	کي
kita m	جشد گي
kirti f	سهرت
kirtimat m	معروف
kukkuta m	حروس
kutah adv	ار کجا
kutra adv	کجا
kuti f	کلمه
√ kup v	چشمگين شدن - عصايي شدن
kumara m	سر محرد
kumari f	دوشره
kumbhakara m	کوره گر
kuśala a	سلامت
kundala n	گوسواره
kupa m	حاه
kuta	فله کوه
√ kr v	کردن
krpana m	محل
krpā f	مرحمت
krśa m	ناپوان - لاعر
√ krs v	کسیدن

# سمکریٲ

# فارسی

\ gam v	رفس
garīyas m	سگیں
gardabha m	حر
gandha m	بو
garutmat m	شاهیں - عفات
gatra n	تیں- بدن
gatha f	داسان
gir f	سجن
giri m	کوه
gīta f	سرود
guna m	صفت
gunin m	داربدۀ صفات مبعدد
guru m	یر- مرشد
guha f	عار
grha	حانه
gopa m	گاویان
go m	گاو
godhūma n	گندم
grantha m	کتاب
\ grah v	کرفس
grama m	ده
grasa m	گیاه- لقمه

فارسی	سکریت
شمس	\ ksāl v
برت کردن - افکندن	\ ksip v
شیر (خوردنی)	ksīra n
کوحک - بست	ksudra n
گرسنگی	ksudhā f
مندان - مرعه	ksetra n
آشمنگی - اضطراب	ksobha m
<hr/>	
یرنده	khaga m
لنگ	khanja m
یاره داره - بکه بکه	khandasah a
کندن	\ khan v
حر	khara m
حرما	kharjura m
کچل	khalvāt m
معروف	khyata n
حوردد	\ ' khad v
<hr/>	
گنگ (نام رودخانه مقدس)	Ganga f
فل	gaja m
شمرد	\ gana v
سماره	ganana f
حرآمدن	gati f
گود	gabhira n

سمسکریت	فارسی
cikitsa f	درمان-معالجه
cititsaka m	یرشک
citta n	فکر
citra n	نصویر
citrakara m	نقاش
cintā f	اصطراب
citkara m	فریاد-جمع
\ cur v	دردیدن
caura m	درد
chatra n	حبر
chaya f	سایه
\ 'chid v	سوراج کردن-بریدن
jagat n	جهان
\ jan n	راییدن-آفریدن
jana m	انسان
janaka m	پدر
janani f	مادر
jambala m	گل
jangala n	حنگل
janman	تولد
jaya m	فتح
jara f	پیری

فارسی	سسکریت
کوره - سو	ghata m
پش آمد - حادثه	ghatanā f
گھسکا (برابر با ۲۴ دقیقه)	ghatika f
روغن حیوانی	ghrta m
و	ca conj
چرخ	cakra n
چهار	caksus n
چهارم	caturtha a
چهارده	caturdasa num
حانور - چهارپا	catuspada a
چهل	catvāriṃsat num
ماه	candra m
ماه	candramas m
چربیدن - خریدن	\ car v
بیک - فاصد - حاسوس	cara m
یا	carana m
شرح حال	carita n
احلاق	caritra n
حرم	carman n
نوعی از پرندگان	cātaka m
ریا	cāru a
دیر	cīram adv

فارسی	سمکرت
آنجا	tatra adv
آنطور	tatha adv
آن	tad pron
در آن هنگام	tadā adv
ریاضت کسیدن	\ tap v
ریاضت	tapas n
ریاضت کش	tapasvin m
جنگل-ریاضت	tapovana n
بارنکی	tamas n
درخت	taru m
یس	tarhi adv
ردن	\ tad v
عرب-بدر	tata m
ماند آن	tadrs a
سپاره	taraka m
با آسودت	tavat adv
بند	tikta n
حال	tilaka m
بر-کرانه	tira n
ریارنگاه	tirtha n
برارو	tula f
حاموش	tusni adv

فارسی	سکریت
آب	jala n
آنگر	jalaśaya n
بیدار شدن	\ jagr v
بیداری	jagarana n
طبقه مردم	jāti f
داماد	jamati m
نور	jala n
مردن-برورشدن	\ ji v
ریان	jihva f
رنده بودن-ریسن	\ jiv v
رندگانی	jivana n
رنده	jivita n
داسس	\ jñā v
علم	jñāna n
بررگ	jyayas a
بررگترین	jyestha a
علم، نجوم	jyotis a
نور-روشنایی	jyotis n
تب	jvara m
آنگر-آندان	tadaga m
برج	tandula m
ارآحا	tatas adv



## سنسکريت

## فارسی

\ ' da v

دادن

datr m

دهنده

dāna n

بخشش

danava m

کمان

danta m

دلسر

dasa m

پیشخدمت

dası f

کلمت

dik f

سوی-طرف

dīna n

رور

divasa m

رور

dirgha a

درار-طویل

dukkha n

عم

dugdha n

سپر (خوردنی)

durga m

قلعه

duṛātman m

مدحس

durjana m

مدحس

durdaśa f

مدحس

durlabla a

کمان-نادر

\ duh v

دوشیدن

duhitr f

دحس

duta m

پیک-قاصد

\ dr̥ṣ v (paśya)

دیدن

فارسی	سکریت
سما کردن	\ ' tr v
سوم	trtiya
نشگی	trṣṇa f
ایشان	te pro
دروازه سهر	torana m
هر دو ایشان	tau pro
سپرده	trāyodasa num
نرس	trasa n
سه	tii num
سی	trimsat num
نو	tvam pron
<hr/>	
ماهوس	daksa m
حبوب-راست	daksina a
عصا-مجاراب	danda m
دندان	danta m
لطف-مرحمت	daya f
فهر	daridra a
آینه	darpana n
خالوه-طهور	darsana n
ده	dasa num
دهم	dasama a
سوراندن	\ ' dah v

فارسی	سکرت
عله	dhanya n
اثر	dharadhara m
دویدن	\ ' dhav v
عمل-دانش	dhī f
دانا	dhīmat a
ماحولہ	dhīra m
دوسیدن	\ dhr v
گاؤ	dhenu f
صبر	dhairya n
اندیسیدن	\ / dhya v
حنمی-حنم	dhruva n
<hr/>	
بہ	na adv
ستارہ	naksatra n
باح	nakha m , n
سہر	nagara n
سہر	nagarī f
رودخانہ	nadī f
بوہ	naptr m
آسمان	nabha n
بعظیم کردن- حم شدن	\ nam v
نر	nara m
چشم	nayana n

فارسی	سنسکرت
رب النوع	deva m
رب النوع	devatā f
کشور	desa m
رب النوع	devī f
محکم-قوی	drdha m
نحت	daiva n
مقصود	dosa m
یول	dravya n
دو	dvara m
در	dvi num
مرہم	dvija m
دوم	dvitīya a
حاور (دویا)	dvīpad m
بروب	dhana n
بروہمند	dhanavat m
بروہمند	dhanin m
کمان	dhanus n
رہم	dharā f
دس	dharma m
سفید	dhavala a
گرفتہ-بوسند	√ dha v
پرسار	dhatī f

فارسی	سمکریٹ
روس	nirmala a
مردن	\ ' nı v
پست	nıca m
روش	nıti f
در حال بردن	nıyamana pr pl
آبی	nıla a
علہ خودروی	nıvara m
حملاً	nunam adv
نو	nutana a
رفصندن	\ nrt v
رقص	nrtya n
شاه	nrpa m
شاه	nrpati m
پشوا-رہنما	netr m
حشم	netra n
قایق	nau f
انصاف	nyaya m
درست-مصفاہ	nyayya a
<hr/>	
مال	pakṣa m
پرندہ	pakṣin m
گل	panka n

## سنسکرت

## فارسی

naraka m	دورح
naradhīpa m	پادشاه
nav : a	نو
nava num	نه (۹)
navatī num	نود (۹۰)
navadāsa num	نورده (۱۹)
navama a	نهم
navina a	نو - نوین
√ naś v	حراش شدن
nāga m	مار - قمل
nātaka n	نمایش نامه
nāpita m	نسلماهی - سر بر اش
naman n	نام - اسم
nāri f	رن
nāsa m	حراش کردن
nitya a	همیشه
√ nind v	ندگویی کردن
nīpuna n	ناهوش
nīyoga m	دسور - حکم
nīrjhara m	آشار
nīrdaya a	سمگر
nīrbhara n	نارمندی نکسی

فارسی	سنسکرت
رای	paramarṣa m
مجلس	parīśad f
کوه	parvata m
باد	pavana m
حیوان	paśu m
بعدا	paścāt adv
بوشدن	\ pa v ( pib )
نگاهداری کردن	\ pa v
آشیر	pacaka m
درس	pātha m
طرف-نااسعداد	patra m
پا	pada m
کنهه	pāpa n
پرورش دادن	palana n
بور	paśa m
سنگ	paśana m
کو کو ( نام بریده ایست )	pīka m
پدر	pitr m
آزار رساندن	\ pīd v
آزار	pīda f
نواب	punya n
پسر	putra m

## فارسی

## سکریت

\ pac v	پنجس
pañca num	پنج (۵)
pañcatva n	در گدس - فوب کردن
pañcama a	پنجم
pañcadasa num	پانزده (۱۵)
pañcāṣaṭ num	پنجاه (۵۰)
\ ' path v	خواندن
pandita m	دانشمند
\ pat v	افادن
pati m	صاحب - مالک - شوهر
patni f	زن - همسر
patra n	برگ - نامه
pathin m	راه
pad m	پا
padma n	بنلوفر
payas n	آب - سر (حوردنی)
para a	مال دیگران - معلو دیگران
paramatman m	روح کامل - خدا
parasu m	سر
paraśva adv	پس فردا
parakrama m	شجاعت
paropakara m	سکحواهی



فارسی	سمکریٹ
انعکاس	pratibimba n
اول	prathama a
اشنہاء	pramada m
علت	prabhava m
ویامت	pralaya m
ورود	pravesa m
سؤال	prasna m
حرسند	prasanna n
برہر (برابر ناسہ ساعت)	prahara m
روح	prana m
نامداد-صح	pratar adv
عالم-سیر اوفات	prayas adv
ہمار-دعا	prāithana f
مرحمت	prasada m
عزیز	priya a
محبت	priti f
محبت-عشق	preman m, n
مہوہ-نمر	phala n
ماہی حوار	baka m
وحشی	barbara a
برادر - حویشاوند	bandhu m

فارسی	سنسکرت
دوباره	punah adv
سهر	pura n
روبرو-رماں یشین	purā adv
مرد	purusa m
آخوند	purohita m
گل	puspa n
کتاب	pustaka n
پر سیدن	\ pūj v
کامل-پر	pūrna n
پر سدن	\ preh v
حدا	prthak adv
رمین	prthvī f
چمدان کو حاک	petikā f
بوه	pautra m
شهری	paura m
روشنایی	prakāśa n
پر سدن	√ prach v
محبت-عشق	pranaya m
برای ( یشاوند )	pratī adv
محالف	pratīkula a
فول-بعهد	pratījñā f
هر روز	pratyaham adv

فارسیسکریت

bhaya n	ترس
bhayankara n	ترسناک
bhartr m	مالک - شوهر
bhavat m	سما
bhaviṣyat n	آینده
bhaṣman n	حاکسر
\ bha v	در حشدن
bhagya m	بهره
bhanu m	آفتاب
bhara m	باد
bhavyam adv	بخت - حتماً مودبی و سندی
bharyā f	همسر - زن
\ bhaṣ v	گفتی
bhasa f	زبان
bhaṣvan m	آفتاب
bhikṣa f	گدایی
\ bhī v	ترسیدن
bhīṣak m	پزشک
bhuvana n	جهان - دنیا
\ bhu v	بودن
bhu f	زمین
bhuta pt pl	حیی - بوده

فارسی	سکریت
بیرو	bala n
بیرومند	balavat m
بیرومند	balin m
سیار- فراوان	bahu adv
مانع- جلوگیری	bādha f
بر	bana m
حوب	badham adv
سرریحه	bala m
دختر ریحه	bala f
اسک	baṣpa m
بارو	bahu m
گریه	bīdala m
فطره	bīndu n
سدارشده	buddha part
حرد - عقل	buddhi f
دانشمند	budha m
مجرد- مردی که از ادواج سر بر نمی ریزد	brahmacārin m
روان گسی - روح کل	Brahman m
طبقه روحانی- برهمن	Brāhmaṇa m
پرستیده	bhakta a
حدا	bhagavat m
بحی	bhedra a

ستغریت	فارسی
mayura m	طاووس
marana n	مرگ
marut m	باد
mastāka n	نیشابی
mahat m	بزرگ - مه
maharaja m	مہاراجہ - راجہ
mahila f	حائِم
mahisi f	ملکہ - گاومیش
mansa n	گوشت
matr f	مادر
manava m	انسان
mānasa n	اندیشہ
marga m	راہ
marjara m	کرہ
māla f	حلۃ گل
malin m	ناعمان
māsa m	ماہ
mitra n	دوست - رفیق - آفتاب
mina m	ماہی
mukti f	رہائی
mukha n	دہن
√ muc v	برک کردن

## سمکریٹ

## فارسی

bhuti f	سعادت
bhūyas adv	دوباره
bhūsana n	ریور
bhrtya m	بوکر۔ یس خدمت
bhoga m	لذت
bhojana n	عدا
bhrātr m	برادر
bhrū f	ایرو

---

maksika f	مکس
mani m	سنگ قیمتی
matī f	حرد - عقل
matimat m	حردمند
matsya m	ماهی
madhu n	عسل
madhura n	شیریں
madhya a	میان
madhyānha m	طہر
manas n	دل۔ قلب
mantra m	سرود۔ مسورب
mantrin m	وریر
mandūka m	قورباغہ۔ عوک

فارسی	سکرت
که	yad pvo
وَسْکَه	yadā adv
ولی-اگر	yadī adv
یما (رب النوع مرگ)	yama m
حو	yava m
حارحی - ماسد یونانی	yavana m
سهرت	yaśas n
رفس	\ ya v
گدایی کردن	\ yac v
گدا	yacaka m
مساوت	yātrā f
وسایل نقلیه	yana n
ناوقسکه	yavat pro
رمان-حفت	yuga n
حفت	yugma n
حنگ	yuddha m
حنگیدن	\ yudh v
حوان	yuvan m
دختر حوان	yuvati f
هردوشما	yuvam pro
مالشما	yusmat pro
شما	yuyam pro

# سمسکریت

√/mud v,  
 muni m  
 mūla n  
 mūrta f  
 \ mr v  
 mrga m  
 mrgaya f  
 mrta p part \ mī  
 mrtyu m  
 mrdu n  
 megha m  
 maitrī f  
 mokṣa m  
 moha m

\ yaj v  
 yajña m  
 \ ' yat v  
 yatī m  
 yatna m  
 yātra adv  
 yathā adv

# فارسی

لذب بردن  
 راهد  
 ریشه  
 بت - مجسمه  
 مردن  
 آهو  
 سکار  
 مرده  
 مرگ  
 ملایم- نرم  
 ابر  
 دوستی  
 رهایی  
 سیاهی

قربانی کردن  
 حش قربانی  
 کوشش کردن- سعی کردن  
 مریاض  
 کوشش  
 مسافرت  
 همانطور



فارسی	سمکریٹ
حوں	rudhira n
رسس-رسد کردن-رویدن	\ ' ruh v
رینایی	rupa n
خوشگل-ریا	rupavat m
<hr/>	
صد هزار (۱۰۰۰۰۰)	laksa n
لکشمی (رب النوع ربوب)	laksmi m
کوچک	laghu n
سیلان	Lanka f
حجالت	lajja f
گناه خرمده نامالا رونده	lata f
حاصل کردن	\ ' labh v
نمک	lavana n
فایده	labha m
رعنائی	lavanya n
نوسن	\ likh v
سند-خط	lekha n
باحبه	loka m
طمع	lobha m
موی	loman n
آهی	loha n
سرخ - قرمر	lohita a

# سسکرت

## فارسی

rakṭa a	حوں
√ rakṣ	محافظت کردن
rajaṭ n	نقره
rajjū m	ریسمان
rana m	چنگ
ratna n	حواهر
ratha m	گردونه
√ ram v	لدب بردن
ramanī f	رن حوسگل
raśmī f	سعا
rasa m	مره - آب میوه
raksasa m	دیو
√ raj v	حکومت کردن - درحشدن
rājan m	راچه
rajya n	سلطنت
ratrī f	سب
Rāma pr n	راما (نام خدا)
Ramāyana n	رامایانا (نام داستان مشهور)
Ravana m	راوانا (اسم شاه سنان که در زمان رام رست مکرده)
raśī f	بوده
√ ruḥ v	یسنیدن - درحشدن
√ rudh v	مابع شدن

فارسی	سکرت
بروب	vasu m
یارحه - لباس	vastra n
بردن	\ ' vah v
یا	va part
سجن - نطق	vac f
کالای بحاری	vanijya n
باد	vata m
بحره	vatayana n
دریاچه	vapi f
کلاع	vayasa m
آب	vari n
نارحه - لباس	vasas n
بست (۱۰)	vimśa num
بست (۲۰)	vinśati num
دلیری	vikrama m
ویکرمادی (نام یکی از پادشاهان هند)	Vikramaditya n
بروب	vitta n
داسس	\ vid v
حدا حافظی	vidi f
دانش - علم	vidya f
دا سمند	vidvat m
فانون - طریقه	vidhi m

## سنسکريت

## فارسی

lauha-kara m

آهنگر

vamsa m

حاجواده

vakra a

کج

vakṣas n

صنہ

√ vac v

گفتن

vanij m

طعمه، حار

vatsa m

بچه

√ vad v

گفتن

vadha m

ویل

vadhu f

عروس

vana n

جنگل-بشه

vayam pio

ما

vayas n

سن

vara m

سوهرا-داماد

vara a

بهر

varaha m

حوک

Varuna m

ورونا (نام یکی از خدایان هندی)

varna m

رنگ-ورقه

√ varṣ v

باریدن

varsa m

سال

varsā f

باران

√ vas v

رندگی کردن

فارسی	سکرت
برسک	vaidya m
طبعه باحر بنده	vaisya m
اعباد	vyasana n
دسور زبان	vyakarana n
لمک	vyaghra m
صیاد	vyadha m
<hr/>	
بواسس	\ sak v
گردونه - گاری	sakata m
سکونلا (نام دھیری - نام بمانشنامہ)	Shakuntala f prop n
منسوب بہ کالنداس (	
سک	sanka f
صد (۱۰۰)	sata num
دسم	satu m
آہستہ	sanais adv
وارہ	sabda m
حب حواب	sayya f
بدر	sara m
ادر	sarad f
ب - جسم	sarita n
حر گوش	sasaka m
ساح	sakha f

## سمسکریت

## فارسی

vidhura m	مردی که ریش مرده ناسد
vinaya m	فروسی
vinā pro	بدون
viyoga n	حدایی
vivaha m	اردواح-رناسویی
viveka n	دانش
visva pro	همه
visvasa m	اعتماد
visa n	رهبر
Visnu m	ویشنو ( نام یکی ازخدایان هندی)
vihaga m	پریده
vihara m	خانه‌ای بودایی-عش
\ vi v	چیدن - اسباب کردن
vika m	گرگ
viksa m	درخت
\ ' vit v	سدن - بودن
\ verdh	اصافه کردن
vrddha m	بزرگ
\ ' vis v	ناریدن
vsabha m	گاو بر
veda m	«ودا» کتاب مقدس هندیان
vedanta m	فلسفه ودا
vedi f	حایگاه قربانی

## سسکریت

## فارسی

sesa m	سامی
sri f	آقا
śrīmat a	آما
śrīmatī f	حام
srutī f	ودا
svah adv	وردا
svana m	سگ
sveta a	سفید
śas num	شش (۶)
śasti num	صست (۶۰)
śastha a	سسم
śodasa num	شارده (۱۶)
śah pro	او
śakhin m	دوست
śakhī f	دوست دختر
śaṅgrama m	جنگ
śajjana m	مرد بحیب
śatya n	راسی
śatvara adv	رود
śad v	ششس
śada adv	همیشه
śandhya f	شب - عصر
śanta m	حکیم

## سیسکریت

## فارسی

santi f	آرامش - صلح
√sas v	حکومت کردن
sali m	شالی - سلو ک
sala f	خانه - منزل
sastra m	کتاب مقدس
√saks v	آموختن
sikhara m	کوه
sila f	صخره
siras n	سر
sivira n	لشکر - اردو
sisu m	بچه - کودک
sisya m	شاگرد
sighra adv	رود
sita a	سرد
sila m	اخلاق
suka m	طوطی
subha a	سعادت، مند
√subh v	خوش آید، بودن
sudra m	طبقهٔ پست
sura m	دلیر - سجاع
sourya n	دلیری
sigala m	سعال



## سمسکریت

## فارسی

sarika f

گنجشک

sahasa n

سجاعت

sahayya n

کمک

sinha m

سیر (دریده)

sindhu m

دریا - رودخانه

sima f

مرز

Sita prop n f

سیتا (نام زن رام)

sukara n

آسان

sukha n

خوشی

sundara a

رنگا - فشنگ

sura f

سراب

suvarna n

خوس رنگ - طلا - زر

suhrd m

دوست

suda m

آسیر

surya m

آفتاب

setu m

بل

sena f

ارشد

sevaka m

پشخدمت - نوکر

√'sev v

خدمت کردن

sopana n

پردیانا

soma m

سوم (شرابی که در مراسم دیسی نگار

مسرند) - ماه

## سنسکرت

## فارسی

sapta num	هفت
saptatī num	هفتاد
saptama a	هفتم
sabha f	مجلس - جلسه
samacāra m	حشر
samāja m	اجتماع
samīpa a	بردیک
samudra m	دریا
sarīt f	رودخانه
sarpa m	ما
saiva a	همه
sarvatra adv	هر جا
sarvada adv	همیشه
samprati adv	اکنون
√sah v	بحمل کردن
saha adv	با
sahasa adv	ناگهان
sahasra n	هزار (۱۰۰۰)
sādhu m	درویس
sayam adv	عصر
sarathin m	ارابه‌ران
sārasa m	کلیک - لك لك

## سسکریٲ

hasta m

\ has v

\ ha v

hima n

\ hi v

hemanta m

hota

homa

hyah adv

## فارسی

دست

حدیدیں

برکٲ کردن

برف

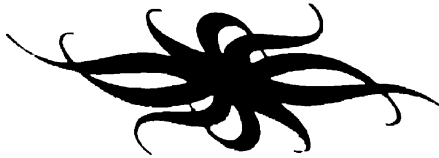
دردیدیں - بردن

آخر رمنسان

موند دیی

حسن-هربابی

دیروور



## سکريت

## فارسی

\ sthā v	استاد
sthana n	مقام - مکان - محل
\ 'sna v	استحمام کردن
snāna n	حمام گرفتن
\ snih v	محبت کردن - سدیدن
\ 'smr v	یاد کردن
smṛti f	کتاب قانون اجتماعی
sva a	خود
\ svap v	خوابیدن
svapna m	خواب
svayam adv	خود
svarga m	بهشت
svarnakara m	زرگر
svalpa n	کم
svasṛ f	حواهر
svamin m	مالک
hata pt pf	کشه
\ 'han v	کشن
hamṣa m	پنج
harina m	آهو
harit a	سبز

۱۶۴-۱۲۳	اکون
۱۵۵	اکر
۱۲۶	اممه
۱۲۲	امرود
۱۲۶	امند
۱۵۳	امدسه
۱۴۳	اندشمن
۱۵۳-۱۳۷	اسان
۱۴۵	امصاف
۱۴۹	امعکاس
۱۶۰	احباب کردن
۱۲۳	امداره
۱۲۲	امدام
۱۲۲	امکس
۱۶۳	او
۱۲۸	اوما مشاد
۱۴۹	اول
۱۲۹	اهل نظر
۱۲۵	ای
۱۶۶	اسمادن
۱۴۰	اسان
۱۲۹-۱۲۷	اس
۱۲۷	اس دحس
۱۲۷-۱۲۲	اسحا
۱۲۷	اسدرا

## ب

۱۶۴	با
۱۴۷	باسعداد
۱۴۳	باحوصله
۱۵۹-۱۵۳-۱۵۱-۱۴۷	ماد
۱۵۸	ناران

## الف

۱۵۴-۱۴۳	ابر
۱۵۲	ارو
۱۲۲	اتروودا
۱۲۶-۱۲۳	احاره
۱۶۴	احتماع
۱۶۲-۱۳۶-۱۲۶	احلاق
۱۳۱	اداره
۱۲۲	ادعا
۱۶۴	ارانهان
۱۶۵	ارتش
۱۶۲	اردو
۱۳۸	ارآسجا
۱۲۷	اراسجا
۱۶	اردواح
۱۳۲	ارکجا
۱۲۴	اسب
۱۶۶	اسحمام کردن
۱۲۵	اسحوان
۱۲۸	اسعمال
۱۴۴	اسم
۱۴۹	اشمیه
۱۵۰-۱۲۴	اشک
۱۶۰	اصافه کردن
۱۳۴-۱۳۷	اصطراب
۱۶۰	اعمداد
۱۴۶	امفادن
۱۶۱	اعتقاد
۱۲۳	امق
۱۳۴	امکدن

## فهرست واژه‌های فارسی

در زیر، واژه‌هایی را که در واژه‌نامه «سبک‌ریت - فارسی» آمده است به ترتیب با ذکر شماره صفحه‌ای که واژه در آن آمده است، می‌آوریم

### آ

آ آوار	۱۲۶	۱۵۹-۱۴۶-۱۳۸-۱۳۴	آ آ
آ آب	۱۲۶	۱۲۴	آ احسان
آ آفتاب	۱۲۶-۱۵۱-۱۶۵	۱۳۸	آ آگر
آ آقا	۱۶۳	۱۴۴	آ آشار
آ آماده	۱۲۸	۱۵۶	آ آموه
آ آموختن	۱۶۲	۱۴۵	آ آبی
آ آفریدن	۱۳۷	۱۲۲	آ آش
آ آن	۱۲۲-۱۳۹	۱۲۵	آ آح
آ آجا	۱۳۹	۱۶۷	آ آحرر مسان
آ آطور	۱۳۹	۱۴۸	آ آخوند
آ آه	۱۲۵	۱۶۲	آ آرامش
آ آهسته	۱۶۱	۱۴۷	آ آرار
آ آهش	۱۵۷	۱۴۷	آ آرار رساندن
آ آهگر	۱۵۸	۱۶۵	آ آسان
آ آهو	۱۵۴-۱۶۶	۱۴۳-۱۲۵	آ آسمان
آ آیده	۱۵۱	۱۶۵-۱۴۷	آ آسیر
آ آسه	۱۴	۱۳۴	آ آسنگی

مجره ۱۵۹  
 محم ۱۴۶  
 د ۱۲۸  
 مورد ۱۳۳  
 پوشیدن ۱۴۲-۱۴۳  
 تول ۱۴۲  
 هساور ۱۲۶  
 سر ۱۲۶-۱۳۵-۱۶۰  
 ری ۱۳۷  
 نش آمد ۱۳۶  
 مشای ۱۵۳  
 مشخدمت ۱۴۱-۱۵۲-۱۶۵  
 شوا ۱۴۵  
 مك ۱۳۶-۱۴۱

## ت

آ، فوت ۱۳۹  
 تاریکی ۱۲۳-۱۳۹  
 تاوفتی که ۱۵۵  
 تب ۱۳۸  
 تر ۱۴۶  
 تحمل کردن ۱۶۴  
 تحت حواب ۱۶۱  
 ترازو ۱۳۹  
 ترس ۱۴۰-۱۵۱  
 ترسناک ۱۵۱  
 ترسیدن ۱۵۱  
 ترش ۱۲۴  
 ترک کردن ۱۲۸-۱۵۳-۱۶۷  
 تشنگی ۱۴۰  
 صویر ۱۳۷  
 عطیم کردن (حم شدن) ۱۴۳

اسج ۱۲۷  
 نابرده ۱۴۶  
 نایان ۱۲۳-۱۲۷  
 ناسر ۱۶۱  
 ناس ۱۲۲-۱۲۴  
 نحس ۱۴۶  
 بدر ۱۳۷-۱۳۹-۱۴۷  
 نر ۱۴۸  
 نرت کردن ۱۳۴  
 نرستار ۱۴۲  
 نرسیده ۱۵۰  
 نرستیدن ۱۴۸  
 نر سرو صدا ۱۳۳  
 نرسیدن ۱۴۸  
 نریده ۱۳۴-۱۴۵-۱۶۰  
 نورش دادن ۱۴۷  
 نرهر (نرا بر ناسه ساعت) ۱۴۹  
 ری ۱۲۴  
 نرشك ۱۳۷-۱۵۱-۱۶۱  
 نس ۱۲۲-۱۳۹  
 نس اراش ۱۲۲  
 نسب ۱۳۴-۱۴۵  
 نسر ۱۴۷  
 نسرچه ۱۵۰  
 نس فردا ۱۴۶  
 نسر مجرد ۱۳۲  
 نسیدن ۱۵۶-۱۶۶  
 نشت (نشاوند) ۱۲۳  
 نل ۱۶۵  
 نلک ۱۶۱  
 ناهیده ۱۲۶  
 نسج (س) ۱۴۶  
 نسجاء ۱۴۶

۱۳۸	ریح	۱۶۰-۱۵۸	نارین
۱۵۰-۱۴۲	برهن	۱۵۰	نارو
۱۳۷	بریدن	۱۳۳	نارو، د
۱۵۳-۱۳۸	بررگ	۱۳۳	ناری
۱۳۸	بررگترین	۱۳۳	ناری کردن
۱۵-۱۲۲	سمار	۱۲۸	ناع
۱۴۷	بعداً	۱۵۳	ناعمان
۱۲۶	نلا	۱۶۳	ناقی
۱۲۲	نا برای	۱۴۵	نال
۱۳۵	و	۱۲۷-۱۲۲	نالا (نساوند)
۱۵۱	وده	۱۴۹	نامداد
۱۶۰-۱۵۱	بودن	۱۴۴-۱۴۰	ناهوش
۱۳۱	نه و دی	۱۵۴	ت
۱۵۸	هتر	۱۶۲-۱۵۸	نچه
۱۵۱	هه	۱۵۱-۱۴۲	نحت
۱۶۶	هسب	۱۴۱	نحش
۱۲۳	ی ناران	۱۳۲	نحسندگی
۱۳۸	نمدار شدن	۱۳۲	نحمل
۱۵۰	نمدار شده	۱۳۵-۱۳۱	نن
۱۳۸	مداری	۱۶۰	ندون
۱۵۹ (۲۰)	نسب	۱۴۱	ندحتی
۱۴۹	نمشراوقات	۱۴۱	ندحس
۱۵۸	نسه	۱۲۶	ندسب آوردن
۱۲۷	بی مره	۱۴۴	ندگوینی کردن
		۱۳۵	ندن
		۱۲۲	نر (نشاوند)
		۱۵۲-۱۴۹	نرادر
		۱۴۸	نرای
		۱۳۸	نردن (نرورسیدن)
		۱۵۹-۱۴۵	نردن
		۱۶۷	نردن (دردیدن)
		۱۶۷	نرف
		۱۴۶	نرگ
۱۴۷-۱۳۶	L		
۱۲۹	نادری		
۱۴۴	نادساه		
۱۵۹	نارجه		
۱۳۴	ناره ناره		



حاکسیر ۱۵۱  
 حال ۱۳۹  
 خاموش ۱۳۹  
 حایماه ۱۲۶  
 حایماه، بودایی ۱۶۰  
 حایم ۱۵۳ - ۱۶۳  
 حایواده ۱۵۸  
 حایه ۱۳۵ - ۱۶۲  
 حسر ۱۶۴  
 حجلب ۱۵۷  
 حدای ۱۲۷ - ۱۵۰  
 حدایحاطی ۱۵۹  
 حدایوند ۱۲۷  
 حدای نارای (انصارا) ۱۲۷  
 حدمب کردن ۱۶۵  
 حر ۱۳۴ - ۱۳۵  
 حراب شدن ۱۴۴  
 حراب کردن ۱۴۴  
 حرامیدن ۱۳۴  
 حرد ۱۵ - ۱۵۲  
 حردمند ۱۵۲  
 حرس ۱۲۹  
 حرسد ۱۴۹  
 حرگوش ۱۶۱  
 حرما ۱۳۴  
 حروس ۱۳۲  
 حردن ۱۳۳  
 حشکسالی ۱۲۳  
 حشم ۱۳۳  
 حشمگین شدن ۱۳۲ - ۱۳۳  
 حم شدن (برای تعظیم) ۱۴۳  
 حمدیدن ۱۶۷  
 حواب ۱۶۶

چوب ۱۳۱  
 چهار ۱۳۶  
 چهارده ۱۳۶  
 چهارم ۱۳۶  
 چهارپا ۱۳۶  
 چهل ۱۳۶  
 چیدن ۱۶۰

## ح

حاده ۱۳۶  
 حاصل کردن ۱۵۷ - ۱۲۶  
 حاصر شده ۱۲۸  
 حالت ۱۲۴  
 حمای ۱۲۴ - ۱۴۵  
 حمای، بودی و شدیدی ۱۵۱  
 حتمی (حمم) ۱۴۳  
 حتمی (حمای) ۱۲۴  
 حصر ۱۲۹  
 حق ۱۲۲  
 حکم ۱۴۴  
 حکومت کردن ۱۵۶ - ۱۶۲  
 حکیم ۱۶۳  
 حلقه گل ۱۵۳  
 حمام گرفتن ۱۶۶  
 حیوان ۱۴۷

## خ

خار ۱۳۰  
 خارچی ۱۵۵

حش ۱۶۷  
 حش قرابانی ۱۵۴  
 حقت ۱۵۵  
 حلسه ۱۶۴  
 حلو ۱۲۲  
 حلو گبری ۱۵۰  
 حلوه ۱۴۰  
 حرك ۱۵۶-۱۵۵-۱۶۳  
 حركل ۱۲۴-۱۳۷-۱۳۹-۱۵۸  
 حركدن ۱۵۵  
 حوب ۱۴۰  
 حمی ۱۵۱  
 حو ۱۵۵  
 حوان ۱۵۵  
 حواهر ۱۵۶  
 حهان ۱۳۷-۱۵۱  
 حبع ۱۳۷

چ

چاك (بوعی رنده) ۱۳۶  
 چاه ۱۳۲  
 چپر ۱۳۷  
 حرح ۱۳۶  
 چرم ۱۳۶  
 چرمدن ۱۳۶  
 حشم ۱۴۳-۱۴۵  
 حطور ۱۳۰  
 چگونه ۱۳۰  
 چلو ۱۲۹  
 چمدان كوچك ۱۴۸  
 چمد ۱۲۳  
 حمدن ۱۲۳  
 چمن ۱۲۷-۱۲۹

نعمد ۱۴۸  
 تقصیر ۱۴۲  
 نكه نكه ۱۳۴  
 نلج ۱۲۹  
 نمرس ۱۲۴  
 ن ۱۳۵-۱۶۱  
 ند ۱۳۹  
 نسا ۱۲۹  
 و ۱۴  
 نواسن ۱۶۱  
 نوده ۱۵۶  
 نور ۱۳۸-۱۴۷  
 نولد ۱۳۷  
 نر ۱۲۷-۱۳۹-۱۵۰-۱۶۱

ث

ثروت ۱۲۴-۱۴۲-۱۵۹  
 ثروند ۱۴۲  
 ثمر ۱۴۹  
 ثواب ۱۴۷

ج

حادث ۱۲۵  
 حاید گر ۱۲۳  
 حانگاه قرابانی ۱۶۰  
 حاور ۱۳۶  
 حاور (دونا) ۱۴۲  
 حدا ۱۴۸  
 حدانی ۱۶۰  
 حسم ۱۶۱

دوستی ۱۵۴	ربالوع مرگ (یما) ۱۵۵
دوشیدن ۱۴۱	رودن ۱۲۷
دوشیره ۱۳۲	رسن (روندن) ۱۵۷
دوم ۱۴۲	رشد کردن ۱۵۷
دوندن ۱۴۳	رعایی ۱۵۷
ده ۱۴۰	رمس ۱۳۵ - ۱۵۵
ده ۱۳۵	رمی ۱۵۳
دهم ۱۴۰	رمس ۱۴۵
دهن ۱۵۳	رقصیدن ۱۴۵
دهمه ۱۴۱	رگ ودا (جسمین کتاب ودا) ۱۲۹
دندن ۱۴۱	رگ ۱۵۸
دیر ۱۳۶	روان گمی ۱۵۰
دمرور ۱۶۷	روبرو (مشاوند) ۱۲۲ - ۱۲۴ - ۱۴۸
دنگر ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۷	روح ۱۲۶ - ۱۴۹
دن ۱۴۲	روح کامل ۱۴۶
دو ۱۲۵ - ۱۵۶	روح کل ۱۵۰
دوان شعر ۱۳۱	رودخانه ۱۴۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵
	رور ۱۴۱
	روس ۱۴۵
	روس ۱۲۶ - ۱۴۵
	روشای ۱۳۸ - ۱۴۸
	روشی ۱۲۶
	روغن حیوانی ۱۳۶
	روندن (ر-ن) ۱۵۷
	رها کردن ۱۲۸
	رهایی ۱۵۳ - ۱۵۴
	رهما ۱۴۵
	رناصت ۱۳۹
	رناصت کس ۱۳۹
	رناصت کشیدن ۱۳۹
	رسمان ۱۵۶
	ریشه ۱۵۴
	و
راحه ۱۵۳ - ۱۵۶	
راست ۱۴۰	
راستی ۱۶۳	
راما (نام خدا) ۱۵۶	
رامانا (نام داسان معروف) ۱۵۶	
ران ۱۲۸	
راونا (نام شاه معروف) ۱۵۶	
راه ۱۵۳	
رای ۱۴۶	
ربالوع ۱۴۲	
ربالوع ثروت (لکشمی) ۱۵۷	
ربالوع ثروت (کمالا) ۱۳۰	
ربالوع عشق (کندریا) ۱۳۰	

درحال مردن ۱۴۵  
 درخت ۱۳۹ - ۱۶۰  
 درخشیدن ۱۵۱ - ۱۵۶  
 درس ۱۴۷  
 درست ۱۴۵  
 درفش ۱۳۳  
 درگذشتن (موت کردن) ۱۴۶  
 درمان ۱۳۷  
 دروازه شهر ۱۴۰  
 دروغ ۱۲۳ - ۱۲۵  
 درویش ۱۶۴  
 دریا ۱۶۴ - ۱۶۵  
 دریاچه ۱۵۹  
 درد ۱۳۷  
 دردمند ۱۲۷ - ۱۳۷ - ۱۶۷  
 دست ۱۳۰ - ۱۶۷  
 دستبند ۱۲۹  
 دستور ۱۲۶ - ۱۴۴  
 دستوربان ۱۶۱  
 دشمن ۱۲۴ - ۱۶۱  
 دعا ۱۴۹  
 دکان ۱۲۶  
 دل ۱۵۲  
 دلیر ۱۴۱ - ۱۶۲  
 دلیری ۱۵۹ - ۱۶۲  
 دندان ۱۴۰  
 دنیا ۱۵۱  
 دو ۱۲۸ - ۱۴۲  
 دوا ۱۲۹  
 دوباره ۱۴۸ - ۱۵۲  
 دور و بردن (بشاوند) ۱۲۵  
 دورح ۱۴۴  
 دوست ۱۵۳ - ۱۶۳ - ۱۶۵  
 دوست دحیر ۱۶۳

حواسدن ۱۶۶  
 حواسن ۱۲۷  
 حوالدن ۱۴۶  
 حواهر ۱۶۶  
 حوب ۱۵۰  
 حود ۱۶۶  
 حوراك ۱۲۷  
 حوردن ۱۳۴  
 حوش آسودن ۱۶۲  
 حوش رنگ ۱۶۵  
 حوشگل ۱۵۷  
 حوشی ۱۲۸ - ۱۶۵  
 حوك ۱۵۸  
 حون ۱۵۶ - ۱۵۷  
 حوشاوند ۱۴۹

د

دادن ۱۴۱  
 داره صفات معدد ۱۳۵  
 داسان ۱۳۰ - ۱۳۵  
 داماد ۱۳۸ - ۱۵۸  
 دانا ۱۴۳  
 دانسن ۱۳۸ - ۱۵۹  
 داش ۱۴۳ - ۱۵۹ - ۱۶۰  
 داشمند ۱۳۳ - ۱۴۶ - ۱۵۰ - ۱۵۹  
 دحیر ۱۳۰ - ۱۴۱  
 دحیرچه ۱۵  
 دحیرحوان ۱۵۵  
 درآن هنگام ۱۳۹  
 درار ۱۴۱  
 در ۱۴۲

شرح حال ۱۳۶	سوراندن ۱۴۰
شروع ۱۲۶	سوراندن روع و بحور در همگام انجام
شستن ۱۳۴	مراسم دبی ۱۲۷
شس (۶) ۱۶۳	سوم (شرابی که در مراسم دبی نکار
ششم ۱۶۳	مرید ۱۶۵
شصت (۶۰) ۱۶۳	سوم ۱۴۰
شعاع ۱۵۶	سوی ۱۴۱
شعر ۱۳۱	سه ۱۴۰
شعال ۱۶۲	سی ۱۴۰
شفق ۱۲۸	سیاه ۱۳۳
شك ۱۶۱	سما (نام دن رام) ۱۶۵
شکار ۱۲۵ - ۱۵۴	سمرده ۱۴۰
شکل ۱۲۵	سینه ۱۵۸
شکو بلا (نام، ما شامه مسو، کالیداس) ۱۶۱	
شلوک ۱۶۲	ش
شما ۱۵۰ - ۱۵۵	
شماره ۱۳۴	شاح ۱۶۱
شمال ۱۲۷	شاعر ۱۳۱
شمردن ۱۳۴	ساگرد ۱۲۳ - ۱۶۲
سمشر ۱۲۵	شال ۱۲۸
شناکردن ۱۴۰	شالی ۱۶۲
شوهر ۱۵۱ - ۱۵۸	شامرده ۱۶۳
شهر ۱۴۳ - ۱۴۸	شاه ۱۴۵
شهرت ۱۳۲ - ۱۵۵	شاهس ۱۳۵
شهری ۱۴۸	شاید ۱۳۰
شهوانی ۱۳۱	شب ۱۵۶ - ۱۶۳
شر (دریده) ۱۶۵	شورور ۱۲۵
شر (حوردبی) ۱۴۱ - ۱۳۴ - ۱۴۶	شر ۱۲۸
شرس ۱۵۲	شعاع ۱۶۲
ششه ۱۲۹	شعاعت ۱۴۶ - ۱۶۵
شفنگی ۱۵۴	شخص مجرد ۱۵۰
	شس ۱۶۰
	شراب ۱۶۵

## ز

## س

- ۱۳۱ داع  
 ۱۵۴ راهد  
 ۱۳۷ راسن  
 ۱۵۱ - ۱۳۸ ران  
 ۱۳۹ ردن  
 ۱۶۵ در (طلا)  
 ۱۳۳ دراعت  
 ۱۶۶ درگر  
 ۱۵۵ رمان  
 ۱۴۸ رمان مشین  
 ۱۵۱ - ۱۴۸ - ۱۴۲ رمین  
 ۱۵۱ - ۱۴۴ رن  
 ۱۴۶ رن (همسر)  
 ۱۶۰ رماشویی  
 ۱۲۴ ریسور  
 ۱۵۶ رن خوشگل  
 ۱۳۸ رندگانی  
 ۱۵۸ رندگی کردن  
 ۱۳۸ رنده  
 ۱۳۸ رنده بودن  
 ۱۳۱ رن  
 ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۲۶ رود  
 ۱۶۰ رهر  
 ۱۲۲ رناد  
 ۱۳۹ رنارتنگام  
 ۱۶۵ - ۱۵۷ - ۱۳۶ رنا  
 ۱۵۷ رسامی  
 ۱۳۸ ریستی  
 ۱۵۲ ریور  
 ۱۲۶ ریورآلات  
 ۱۵۸ سال  
 ۱۳۷ سابه  
 ۱۶۶ سمر  
 ۱۵۷ سنان  
 ۱۳۶ سبو  
 ۱۴۳ - ۱۳۹ ستاره  
 ۱۴۴ سمگر  
 ۱۲۷ ستودن  
 ۱۲۳ سمس  
 ۱۳۰ سحت  
 ۱۵۹ - ۱۳۵ سخن  
 ۱۶۲ سر  
 ۱۵۷ سرح  
 ۱۶۲ - ۱۳۵ سرد  
 ۱۵۲ - ۱۳۵ سرود  
 ۱۲۹ سرود دینی  
 ۱۵۲ سماد  
 ۱۶۲ سمادمند  
 ۱۵۴ سعی کردن  
 ۱۶۳ - ۱۴۲ سمد  
 ۱۶۳ سسک  
 ۱۵۶ سلطنت  
 ۱۴۴ سلامانی (سرتراش)  
 ۱۳۲ سلامت  
 ۱۵۸ - ۱۲۶ سس  
 ۱۵۷ سند  
 ۱۴۷ سسک  
 ۱۲۹ سسک بش  
 ۱۵۲ سسک قیمتی  
 ۱۳۵ سسگس  
 ۱۴۹ سؤال

علہ ۱۴۳

علہ خودروی ۱۴۵

عم ۱۴۱

عوک ۱۵۲

قشنگ ۱۶۵

وطرہ ۱۳۰ - ۱۵۰

ملب ۱۵۲

ملعہ ۱۴۱

ملہ ۱۶۲

قلہ کوہ ۱۳۲

مار ۱۲۲

قو ۱۶۶

موت ۱۲۹

مورباہ ۱۵۲

مول ۱۴۸

قوی ۱۴۲

ممام ۱۴۹

ف

فائدہ ۱۵۲

فج ۱۳۷

فراوان ۱۵۰

فردا ۱۶۳

فرقہ ۱۵۸

فروتنی ۱۲۶ - ۱۶۰

فراد ۱۳۷

فہر ۱۴۰

فکر ۱۳۷

فلسفہ ودا ۱۶۰

فو - کردن ۱۴۶

فل ۱۳۰ - ۱۴۴

ز

کار ۱۳۱

کافی ۱۲۴

کالای بخاری ۱۵۹

کالنداسا (نام ساعری معروف) ۱۳۱

کامل ۱۴۸

کبوتر ۱۳۰

کتاب ۱۳۵ - ۱۴۸

کتاب قانون اجتماعی ۱۶۶

کتاب مقدس ۱۲۵ - ۱۶۲

کشف ۱۳۱

کج ۱۵۸

کجا ۱۳۲ - ۱۳۳

کچل ۱۳۴

کدام ۱۳۰

کراہ ۱۳۹

کرشا (یکی ارحدامان ہندی) ۱۳۳

کشاورد ۱۳۳

ق

قاصد ۱۳۶

قاصی داد گستری ۱۲۲

قانون ۱۵۹

قابق ۱۴۵

قمل ۱۵۸

قرمانی ۱۲۷ - ۱۶۷

قرمانی کردن ۱۵۴

قرص ۱۲۹

قرمر ۱۵۷

صن

طرف ۱۴۷  
 طهر ۱۵۲  
 طهور ۱۴۰

ع

عدر ۱۳۳  
 عروس ۱۵۸  
 عرب ۱۳۹ - ۱۴۸  
 عمل ۱۵۲  
 عشق ۱۴۸ - ۱۴۹  
 عصا ۱۴۰  
 عصای شدن ۱۳۲  
 عصر ۱۶۴ - ۱۶۳  
 عقاب ۱۳۵  
 عمل ۱۴۳ - ۱۵ - ۱۵۲  
 علت ۱۳۱ - ۱۴۹  
 علم ۱۳۸ - ۱۵۹  
 علم بحوم ۱۳۸  
 عمل ۱۳۱  
 عش ۱۶۰

ع

عار ۱۳۵  
 عالیا ۱۴۹  
 عدا ۱۲۳ - ۱۲۷ - ۱۵۲  
 عرب ۱۲۵

صاحب ۱۲۳  
 صحره ۱۶۲  
 صبح ۱۴۹  
 صبر ۱۴۳  
 صد (۱۰) ۱۶۱  
 صدهزار ۱۵۷  
 صلح ۱۶۲  
 صایع دسی ۱۲۸  
 صامت ۱۳۵  
 صورت ۱۲۵  
 صاد ۱۶۱  
 صد ۱۲۵

ط

طاوس ۱۵۳  
 طبقه تاحرسه ۱۶۱  
 طبقه تحار ۱۵۸  
 طبقه روحانی ۱۵۰  
 طبقه مردم ۱۳۸  
 طاقه بحس ۱۶۲  
 طرف ۱۴۱  
 طریقه ۱۵۹  
 طلا ۱۶۵  
 طلوع ۱۲۸  
 طمع ۱۵۷  
 طوطی ۱۶۲  
 طول ۱۴۱



گیاه حریده یا نالارونده ۱۵۷  
گیسو ۱۳۳

## ل

لاغر ۱۳۲  
لب ۱۲۹  
لداس ۱۵۹  
لحظه ۱۳۳  
لدت ۱۲۸ - ۱۵۲  
لدت بردن ۱۵۶ - ۱۵۷  
لردینس ۱۳۰  
لشکر ۱۶۲  
لطف ۱۴۰  
لقمه ۱۳۵  
لکلك ۱۶۴  
لکشمی (نام یکی از حدایان هندی) ۱۵۷  
لک ۱۳۴

## م

ما ۱۶۴ - ۱۵۸ - ۱۲۵  
مادر ۱۵۳ - ۱۳۷ - ۱۲۴  
مار ۱۴۴  
مال دیگران (مطلق دیگران) ۱۴۶  
مال شما ۱۵۵  
مالك ۱۶۶ - ۱۵۱ - ۱۲۳  
مال ما ۱۲۵  
ماند ۱۲۷  
ماند آن ۱۳۹  
ماند یونانی ۱۵۵  
مانع ۱۵۰

مانع شدن ۱۵۶  
ماه ۱۶۵ - ۱۵۳ - ۱۳۶ - ۱۲۷  
ماهی ۱۵۳ - ۱۵۲  
ماه‌خوار ۱۴۹  
مثل ۱۲۷  
مخارات ۱۴۰  
مجرد ۱۵۰  
محروح ۱۲۲  
محسمه ۱۵۴  
مجلس ۱۶۴ - ۱۴۷  
مهادطت کردن ۱۵۶  
محبت ۱۴۹ - ۱۴۸  
محبت کردن ۱۶۶  
محکم ۱۴۲  
محل ۱۶۶  
مخالف ۱۴۸  
مراسم دسی ۱۲۳  
مرتاض ۱۵۴  
مرحمت ۱۴۹ - ۱۴۰ - ۱۳۲  
مرد ۱۴۸  
مردن ۱۵۴  
مرد محبت ۱۶۳  
مرده ۱۵۴  
مردی که ریش مرده باشد ۱۶۰  
مردی که از ازدواج سر باز می‌دند ۱۵۰  
مرد ۱۶۵  
مرشد ۱۳۵ - ۱۲۶  
مرك ۱۵۴ - ۱۵۳  
مردعه ۱۳۴  
مره ۱۵۶  
مسافرت ۱۵۵ - ۱۵۴  
مسند ۱۲۷  
مشورت ۱۵۲

## گ

گاری ۱۶۱  
 گاو ۱۳۵ - ۱۴۳  
 گاو مان ۱۳۵  
 گاومش ۱۵۳  
 گاوبر ۱۶۰  
 گدا ۱۵۵  
 گدایی ۱۵۱  
 گدایی کردن ۱۵۵  
 گره ۱۵۰ - ۱۵۳  
 گردن ۱۳۲  
 گردوه ۱۵۶ - ۱۶۱  
 گرسنگی ۱۳۴  
 گرس ۱۳۵  
 کرک ۱۶۰  
 گرس ۱۳۰ - ۱۵۱ - ۱۵۸  
 مگل ۱۴۵  
 کل ۱۳۷ - ۱۴۸  
 گلو ۱۳۰  
 گناه ۱۴۷  
 گنج ۱۳۳  
 گجسك ۱۶۵  
 گدم ۱۳۵  
 گمك (نام رودخانه مقدس) ۱۳۴  
 گود ۱۳۴  
 گوش ۱۳۰  
 گوشت ۱۵۳  
 گوشواره ۱۳۲  
 گهسیكا (را بر ۲۴ دفعه) ۱۳۶  
 گناه ۱۳۵

کشاورزی ۱۳۳  
 کشش ۱۶۶  
 کشته ۱۶۶  
 مکشتی (رسم دینی همدان) ۱۲۸  
 کشور ۱۴۲  
 کشیدن ۱۳۲  
 کش ۱۲۸  
 کلاع ۱۳۱ - ۱۵۹  
 کله ۱۳۲  
 کلفت ۱۴۱  
 كلك (نام برده بی) ۱۶۴  
 کم ۱۶۶  
 کمان ۱۴۱ - ۱۴۲  
 كلك ۱۶۵  
 کمیاب ۱۴۱  
 کندن ۱۳۴  
 کیده ۱۳۱  
 کوچک ۱۳۰ - ۱۳۴ - ۱۵۷  
 کوچکتر ۱۳۰  
 كودك ۱۶۲  
 کور ۱۲۳  
 کور از يك چشم ۱۳۱  
 کوره ۱۳۶  
 کوره گر ۱۳۲  
 کوشان ۱۲۸  
 کوشش ۱۲۸ - ۱۵۴  
 کوشش کردن ۱۵۴  
 کوکو ۱۴۷  
 کوه ۱۳۵ - ۱۴۷  
 که ۱۵۵  
 کی ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۲

مرحبا ۱۶۴	بوکر ۱۵۲
هردو ایشان ۱۴۰	بوه ۱۴۳ - ۱۴۸
هردوشما ۱۵۵	بوس ۱۴۴
هر دو ما ۱۲۶	به ۱۴۳
هر روز ۱۴۸	به (۹) ۱۴۴
هرار (۱۰۰۰) ۱۶۴	به ۱۴۴
هش ۱۲۸	بیارمندی نکسی ۱۴۴
هشاد ۱۲۴	سرو ۱۵۰
هشتم ۱۲۵	سرومند ۱۵۰
هفت ۱۶۴	سر ۱۲۴
هضاد ۱۶۴	سکحواهی ۱۴۶
هعتم ۱۶۴	سلور ۱۴۶
هم ۱۲۴	
هما طور ۱۵۴	و
همسر ۱۵۱	و ۱۳۶
همه ۱۶۰ - ۱۶۴	واژه ۱۶۱
همسه ۱۴۴ - ۱۶۳	وحشی ۱۴۹
هر ۱۳۱	ودا ۱۶۳ - ۱۶
همگامی ۱۳۰	ورود ۱۲۵ - ۱۴۹
هوی وهوس ۱۳۱	وروا (نام حدایی ارحدانان هندان) ۱۵۸
	ورر ۱۵۲
	وسایل، عله ۱۵۵
	وسیع ۱۲۶
	ووب ۱۳۱
	وهمیکه ۱۵۵
	وگره ۱۲۳
	ولی ۱۵۵
	ویشو (نام شاهی) ۱۶۰
	ویکرمادی تما (نام نادشاهی است) ۱۵۹
ی	
۱ ۱۲۲ - ۱۵۹	
نادکردن ۱۶۶	
نارده ۱۲۹	
نک ۱۲۹	
نکنار ۱۲۹	
نک چشم ۱۳۱	
نکمرتته ۱۲۹	
	محدده ۱۲۵

۱۴۱ ادر  
 ۱۳۳ دارك  
 ۱۲۲ ناسالم  
 ۱۶۴ ناگهان  
 ۱۴۴ نام  
 ۱۲۵ ناممكن  
 ۱۲۲ نامقدس  
 ۱۴۶ نامه  
 ۱۵۰ نحب  
 ۱۲۵ نجر  
 ۱۴۳ نر  
 ۱۶۵ نردبان  
 ۱۵۴ نرم  
 ۱۳۱ نراع  
 ۱۶۴-۱۲۳ نردك  
 ۱۶۳ نشستن  
 ۱۲۴ نصف  
 ۱۵۹ نطق  
 ۱۳۱ نطم (-نمر)  
 ۱۲۳ نطم و تربيت  
 ۱۳۷ نغاش  
 ۱۵۶ نهره  
 ۱۴۷ نگاهدارى كردن  
 ۱۳۳ نگهبانان مملكتى  
 ۱۴۹ نمار  
 ۱۴۴ نماس نامه  
 ۱۵۷ نك  
 ۱۴۴ نو  
 ۱۴۴ (نو) بود  
 ۱۳۸-۱۳۱ نور  
 ۱۴۴ نوردده  
 ۱۵۷ نوشتن  
 ۱۴۷ نوشدن

۱۲۵ مصر  
 ۱۳۷ معالجه  
 ۱۲۸ معاوان (مشاويد)  
 ۱۳۲-۱۳۴ معروف  
 ۱۲۴ معنى  
 ۱۲۶ معاره  
 ۱۶۶ مقام  
 ۱۲۸ منصود  
 ۱۶۶ مكان  
 ۱۵۲ مكس  
 ۱۳۳-۱۵۴ ملايم  
 ۱۵۳ ملكه  
 ۱۲۵ من  
 ۱۶۲ منبرل  
 ۱۴۵ مصفايه  
 ۱۲۳ موافق  
 ۱۶۷ مودديسى  
 ۱۵۷ موى  
 ۱۵۳ مه  
 ۱۵۳ مهاراجه  
 ۱۵۲ ميان  
 ۱۳۴ ميدان  
 ۱۲۷ ميل  
 ۱۳۰ ميمون  
 ۱۴۹ مينوه

## ن

۱۲۴ نارس  
 ۱۳۲ ناوان  
 ۱۵۷ ناحه  
 ۱۴۳ ناحن

## پاسخ تهریں

### صفحہ ۴۵ تمرین

- ۱۔ طوطی را - پسر بچہ را - ناسب - برای قبل - بوسیلہ مردم - بوسیلہ (برای -  
ار) دو کموتر - مال دو پسر بچہ - در سایہ - با حر - مال دورور - در گلہا -  
برای سنا - بوسیلہ لشکر - در منزل

### صفحہ ۴۸ تمرین

- ۱۔ او اسب است - تو پسر بچہ ہستی - من مرد ہستم - رام شوہر سناست -  
شہرہا در جنگل ریدگی می کنند - حس ار اسب می افند - اود حیر است - مہو  
می افند - برگ اردرحت می افند - طوطی ہا در درخت ہستند - گلہا در آب  
ہستند - ما اردرحت در آب می افیم

sah bālāh asti etah balah santi Kamala kanya Husainah ca ba-  
lah asti vīkse phalanī asti tvam vīksāt patasī gajah jāle patatī  
śalayam puṣpaṇī santi gajah vane asti Sita Janakasya Kanya asti  
te śalayam santi

### صفحہ ۵۱ تمرین

- ۱۔ مردم درحانہ ریدگی میکنند - کموبران بردرخت ریدگی می کنند - قبل  
آب رودحانہ را می نوشد - من در آسمان حورسید را می بینم - پسر معلم با  
مرئص رودحانہ میرود - اسب ساہ را شہر می برد - کلفت ہا برای ملکہ  
مہوہارا می برد - طوطی ہا در درحان مہوہارا می حورند - احمد گلہا را بہ  
جنگل می برد - پسر بچہ ہا در آسمان حورشدرا می بستند - مرئص درحانہ  
ششہ است - رودحانہ ہا آب خود را نمی نوشد و درحان مہوہای خود را  
نمی حورند - شہر دشمن حراست - بو نار خود شہر میروی

tatra vīksau stah tvam kutra gacchasi ? aham pratah phalam  
khādami adya nagaram gacchamāh adhuna sayam asti dīnāni  
āgacchanti gacchanti ca param vayam atra eva tīsthamāh bālāh  
katham puṣpaṇī nayanti ? atra chayā asti yadī tvam vanam gac-  
chasi aham apī gacchamī bālāh phalanī khādanti hasanti ca te  
asvāh na santi kintu kharāh santi



### صفحه ۶۰ تمرین

۱- خدمتکاران از باب خود را خدمت می کنند. خدمتکاران شاه بوسیله اسبها به آنگیر میروند - دیورور هیچ جا برسم و در خانه خود بنشینم - «اقبال» پسر بچه خوبی است - هر روز بدر را خدمت می کند - شتر گوشت آهو را می خورد - ما در باغچه خود گلها را می کاریم - بروتمندان برای مسافرت سوار اسب میشوند - کنویران از درختی بدرخت دیگر می روند - آنان بوسیله پله ها بر بالای مرل روند و در آنجا با بچه ها بازی کردند - شکوینالا شرمیده سد و هیچ نگفت فقط ساکت ایستاده بود

scvakah kupat jalam anayanti bālah pathasalayam kṛidanti  
Rustamah balī vīrah ca asit aham pītaram (pītre) patram līkhāmi  
tasya svasā mama bhratra nagaram gacchatī dhaninah yācake-  
bhyah annam dadatī tatra ekah jalasayah jalaena purnah astī aham  
sada tvām tava putran ca smaramī hyah gūrh (śikṣakah) Ahama-  
dam atadayat khagah akāśe utpatanti balah ca gīrim arohanti  
vīrah dukkham sukhām ca kada api na ganayati

### صفحه ۶۲ تمرین

۱- عروس «رام» به نام «سینا» داشمند و ریبا بود - برک، بارک، سبزه می کند - دختر کوچک احمد در هنگام عصر می رقصد - ساه پیش خدمت را به شهر می فرستد - شاهی دلیر «سام» «بل» پسر و بر سر بود - ساه هر گونه باشد، مردم بزرگوارند - بروتمندان پول می خواهند ولی گدایان فقط عدا می خواهند - مردان خوب به حیوانات اطمینان می کنند - خدمتکاران شاه مردم را سرشماری می کنند - بچه ها در باغچه بازی کردند و از درختان بالا میروند - عروس کوچکتر شاه «داشرت» میخواست که مردم را بحسبگل تبعید کند - این وقت بهار است - گلها از باغچه ها می چیدند

Kalīdasah vīdvan kavīhcaasit Soharabasya svasa rupavati astī te  
yacakāh dhanāya rājñah samīpam agacchan asya narasya jyēṣṭhah

### صفحة ۵۳ تمرین

۱- دحبر نامادر شهر مبرود - نو پادر کجا میروی؟ - فیلها آهسته آهسته  
سوی رودخانه میروند - مادر برای دحبر میوهها و گلها را میبرد - اکنون  
ما کتاب را از اسناد فرا میگیریم - امروز ما با پدر شهر میرویم آیا تو هم  
میروی؟ - مردمان میوههای درختان را کجا میبرند - هرگاه آتش است دود  
است - حورسند در آسمان همهها مبرود و مردمان آنرا میبند - پسر پادر  
سح میگوید و پدر میخندد - «مالا» امروز صبح با برادر خود کجا میروند؟ -  
زبان میخندند و مرد آن میبند

balah pātham pathanti pasavah vanam gacchanti kapotah pha-  
lāni khādanti aham jalam pibami dasyah puspāni anayanti Para-  
vin bhanum pasyati asvāḥ chayayam tisthanti yuyam balasu  
hasatha śimhah kharasya mamsam khadati janah nagare vasanti  
khagah ca vrksesu vasanti

### صفحة ۵۴ تمرین

امروز باد سرد میورد - درو برادر خود به داجه روم - آنجا در هر سو  
گلها را دیدم - صدا و گفزار زبان شن است - مرتاضی باسم «وشوامس»  
بوسیله ریاضت «ایندرا» (خدای معروف هندیان) را فتح کرد - بوسیله آب، گل  
بیلوفر و بوسیله گل بیلوفر آب میدرخشد - در تاریکی چری را چشم نمی بینم -  
من به حابه برسک میروم - نو پسر بچه را کجا میبری؟ - اکنون تاریک است -  
فیلها و اسبها آب رودخانه را می نوشند - ما در آب گلهای زیبای دیدیم - عروس  
با حر، میوهها و گلها را شهر برده است - فیلهای ساه بر گها و میوههای درختان  
را حور دند

sah vrksat adhah patati yuyam hyah kutra agacchata? pura  
Anusīrvān nāma mahān rāja atra avasat balānam vāk madhura  
bhavati vanik puspāni phalanī ca nagaram nayati Sima Rima ca  
rupavatyaḥ (sundaryaḥ) bāle stah nadyah jalam madhuraṁ asti  
yadā sītah vātaḥ calati narah sālāyam gacchanti adhuna tamah  
asti sṛgālah ca āgacchanti



ماهیا در آنگیز و پرندگان در رمی رمی می کند - آن دحران در رودخانه  
 شا و آب تی می کسد - این گنجشک سنا را به احمد حواهم داد - پروین از  
 ماهچه میوه را می دردد

شعر :

- ۱- قوسمیداست و ماهیحوار سمداست، میان ماهیحوار و قوس چه فرق است؟  
 برای خدا کردن آسوش، قوس، قواست و ماهیحوار، ماهیحوار است
- ۲- راع سیاه است و کو کوسیه است میان کو کو و راع چه فرق است؟  
 وقت بهار میرسد، راع، راع است و کو کو، کو کو است

yadā ākase meghah garjanti tada mayasah nrtyanti harṣanti ca  
 balah varsāsu śnanti mama jyestha bhaginī raktani vasanā  
 icchati yacakasya kanyā dhanaya nrtyanti gāyanti ca gāvah  
 svetah param asvāh kṛṣṇāh śanti vasante vrksah latāh ca navanti  
 harit-vainanī patnī dharayanti svetah sarasah akase utpatanti  
 Hūṣṇasya patnī annam anesyati aham ca tat khādīsyāmi balah  
 nadyam taranti hrīyanti ca tava asvasya kim varnam asti ?

putrah Bhāratam agacchat, kaniyasā kanyā ca atra pāthasalayam  
 pathatī guruh vidusām sabhāyām vacam avadat aham atmanah  
 pācakam tava grhe preṣayāmi rāja sevakānām viśvāsam karotī  
 adhunā vayam na nrtyāmah mayūrah parvatesu nrtyanti aham  
 svadesāya, tebhyah virebhyah ca ye prānān atyajan namāmi,  
 teṣām ādaram ca karomi

### صفحه ۶۵ تمرین

۱- من فردا به شهر شیراز حواهم رفت - امروز در خانه ماحضی است ، من برای  
 من میوه می حرم - شب حواهد رفت و صبح حواهد بود - آنجا در رودخانه  
 است بو آب می نوشد - من کتاب را حواهم برد و فردا حواهم آورد - من به  
 پرشک سوار اعتقاد دارم حووی حوب و داشمداست - خدمتکار شما دیروز  
 برای من میوهها را آورد - هرسواری که بیاید ، ما را شهر حواهد برد - من  
 را می شناسم و سر بدر را می شناسم - رودخانه ها آب خود را نمی نوشد و  
 در حان میوه های خود را نمی حورند

nīṣayām caurāḥ grham pravṛṇanti tava pitā mama grhe kada  
 gamiṣyati? yatha narah jīrnani vasansi tyajanti navani ca dhara-  
 yanti tathā vayam navani śarīrani dhārayamah yuyam pustakāni  
 kadā pathiṣyatha? yadī yuyam vrksam aroḥatha patiṣyatha yat  
 yānam āgamiṣyati asmān nesyati tava kaniyasā svasā adya maya  
 saha agamiṣyati yadī yuyam icchatha yusmabhyah phalaṇi kres-  
 yāmi yad eva karyam kurutha devah sarvāṇi janātī nīcaḥ sadā  
 yat kāryam ārabhante tyajanti kintu sujanah yat vicārayanti kur-  
 vanti kim yusmākam rāja asmat asvam kresyati?

### صفحه ۶۸ تمرین

۱- ابرها می بارند و عرش می کنند - من برای این حروسها آب حواهم  
 آورد - طوطی ماده همیشه نا این طوطی بر صحت می کند - بوسیله ماه ، شب  
 می در حشد و بوسیله شب ، ماه می در حشد و بوسیله شب و ماه ، آسمان می در حشد

حشمگینی از حرص پیدا می شود - مردی که به دیب علاقه دارد دانشمند و شجاع  
میشود - شجاعانی که برای کشور خود کشته شدند به بهشت رسیده اند

2- nadyāh tīre ekah mahan vrksah asīt tasmīn vrkse trayah  
khagah, dvau mūsikau, ekah vanarah ca avasat vānarah atī catu-  
rah āsīt sada khaganām mūsikayoh ca sahāyatam akarot ekasmin  
dīne (ekada) atī varṣāh avarsan, kah apī aharam ānetum bahih na  
agacchat tasmīn eva samaye ekah phala-vikreta tatra āgacchat,  
vrksasya adhah ca atisthat vanarah phalānī dr̥stva kānicit anayat  
pascāt tānī phalānī khagebhyah mūsikabhyām ca dattavān sarve  
apī ca amodanta idam kathyate, yat suhrt sada mītrānām  
sahāyatam karotī

### ص ۸۰

۱ - در جنگلی شری سام « یسگلاک » زندگی می کرد - او دوشغال بعنوان  
ویر سام کرک و دمسک داشت - وقتی باحری برای تجارت با ارانه یی به کشوری  
رفت در جنگل گاویر ارانه اولنگ شد - باحر گاورا درهماجا برک کرد و گاو  
دیگری را آورد و با آن بوسله ارانه خود رفت پس از چندی گاو بر لنگ برو  
یافت و باشر دوست شد ولی اردوسی سر و گاو آن دو شغال سوار عمگین  
شدند بدریج آن دو میان گاو و شیر را برهم زدند وقتی که شر حشمگین سد  
گاورا کشت و آن دو از کشته شدن گاو سوار خوشحال شدند این داستان در  
پنچابانرا موشه شده است

2- Hasanah sarpaṁ lagudena hatavan raja Daryūśah yuddhe  
vijayī abhavat ripun ca parājītavān rajā Nalah bharyam jangale  
tyaktavan rakasām rāja Rāvanah Sītām Lankam nītavān mayā  
śikṣakaya patram likhītam sah svah agamīsyatī asmin pustake katī  
pathah yusmabhi pathitah asmin pātre kena payah pītam? aham  
dasebhyah dhanam vāsānī phalānī ca dadamī Parvīn dvārī atis-  
that svasra ca vartam krtavatī vāsasām bhārānī uśtrāh pr̥sthe  
nīyante vipattī-kāle mātā bālam araksat svayam ca nadyām patitā

## صفحة ۷۳

۱- من در مدرسه در سال اول درس می‌خوانم - شاه «دشرت» چهار پسر  
 و سه زن داشت - من این چنین ۲۱ روز در خارج کشور رندگی کردم - شهر از  
 این ده صد یوح (۱) فاصله دارد - بچه‌ها اندک اندک باید بروند و من سس  
 حواهم آمد - ای پروین چرا می‌حندی؟ اگر معلم مرا ببید خواهد زد - باید  
 ابرها بنارند و برید و زمین را ناآب برکند - هر کس باید صد دوست داشته  
 باشد بهر گونه که باشد - یک پسر ساینده بهر از صد پسر بادهان است - «ویاس»  
 نویسنده ۱۸ نوراں است - ساهان باید رعیت را نگاهداری کند و ابرها در  
 هنگام مناسب بنارند - مهانهارات ودای بحم است

2- yada pathasalam agaccham bhratāram apasyam yadī janāh  
 enam karyam na karīsyanti phalanī lapsyante mūrkhah vidvatsu  
 na sobhante yathā sārāsah hamsesu na sobhante lobhāt krodhah  
 jayate (lobhah krodhasya karanam) te kīmartham margsu yācāntē  
 yavat na bhāsate mūrkhah tavat eva sobhate yāvat aham nrtyāmi  
 tāvat sa bala mām pasyati muneh apī jangale mitrāni satravah ca  
 jayante yāvat śīsyah pāthasalayam vasanti guroh sevam karī-  
 syanti dhīmāntah yat kāryam arabhante[prayatnena kurvanti, kintu  
 mūrkhah yat kīncit prārabhante madhye eva tyajanti

## صفحة ۷۷

۱ - در آسمان سارگان می‌درخشند - بچه‌ها در ناعحه از خوردن میوه‌ها  
 خوششان می‌آید - ساگردها اساندر را برای علم خدمت می‌کنند - هنگامی که  
 سینا نارام بحگل میرفت رینا بنظر مرسید - مردمان که مشغول خدمت بودند  
 از شاه در خواست یول کردند - من میوه مثل دارم ولی تو فقط شیرینی  
 می‌خواهی - گوهر برای گوهر مناسب است - مثل از حرص و خود می‌آید و

2- sujanāḥ sada eva durjanāḥ pīdyante nṛpāḥ sada deśaḥ rakṣantu  
 prajāyāḥ sahāyatam ca kurvantu sahāyatā upakaraḥ ca yat mur-  
 khānam kṛyate, sarvaṃ vyartham eva vāyam pātham pathāmāḥ  
 guruh ca asmān pathayati nārjāḥ nadyāḥ jalena vasanaḥ kṣālayanti  
 ye virāḥ upakaraya yuddham kurvanti sadā yasāḥ labhante mat-  
 syāḥ jalāḥ badhyante Ramah pītuh ajñaya vanam agacchat tatra  
 ca avasat Ramah sad divasebhyah grhe atisthat pascāt bhāryām  
 puram nitavan sevakah tāvat kāryam na kurvanti yāvat te bad-  
 hitāḥ na bhavanti

صفحه ۹۲

۱ - شاه کشور «هسیایور» نام «دوسیت» روری برای سکار سوار ارانه شد  
 و رفت هنگامی که بدسال آهوئی میرفت به حانقاهی رسید رانده را نارانه بیرون گذاشت  
 و خود داخل حانقاه شد در آنجا دحیر ریای مرناص را دید مرشد حانقاه نام «کبو»  
 در آن وقت به مسافرت رفته بود بنابراین دحیر از ساه یدیرایی کرد از هنگامی که شاه  
 آن دحیر ریای «کبو» را دید شفته وی شد نام آن دحیر سکونلا و دحیر فرسده بی بود  
 شکونلا بر محبت خود را به ساه نشان داد پس هر دو گرفتار دام محبت شدند و سرانجام  
 باهم عروسی کردند ساه سکونلا را آنجا رساند و شهر خود بازگشت داسان این دو را  
 شاعری نام کالداس در درامی نام شکونلا بیان کرده است

2- Gautama-Buddhah ekasya nṛpasya putrah āsit yadā sa yuvā  
 abhavat rājña tasya vivāhah, kaya apī rupavatyā susilayā rāja-  
 kanyayā kṛtāḥ kanyayāḥ nama āsit Yesodharā nṛpāḥ acchat yat  
 Gautamaḥ sada mrgayā-nītakesu utsavesu gacchet desasya sunda-  
 ranī drśam ca paśyet kintu Gautamaḥ svabhavena vicitrāḥ āsit  
 sah jivane bhogin na acchat ekadā nīsayam grham tyaktva rath-  
 asya sarathina sah tapase vanam agacchat raja rājñi ca atī akula  
 dukkhitau ca abhavatām tasya bhārya patyuh viyoge bahu kṛśa  
 abhavat sada eva ca arudat Gautamaḥ vanesu saritām tīresu ca ta-  
 pasah abhyasim kṛtavan yadā sah jñānam labhavan tadā tasya  
 nama Buddhah abhavat

## فهرین

۱- در هر صورت شخص باید صد دوست بگیرد آدمی باید ده هنگام صبحی صر را از دست ندهد شخص باید تاهنگامی که رنگی میکند خوشحال باشد اگر چه وام دار باشد ای پدر گرامیم من برای نگهداری رعیت های خود شهر میروم آدمی باید در حتی را که دارای موه و سایه است خدمت کند ای پادشاه ابراه نایک چرخ حرکت نمیکند شخص باید همیشه بخشد و آب پاک بنوشد پسری که سال شایده رسید باید مانند دوست با او رفتار کرد همیشه بعد از استحمام باید مطالعه کرد همیشه بعد از عدا باید سه قدم راه رفت (۱)

2- yuyam mitraih saha kutra katham va gacchatha? aham upavane  
sundaranī puṣpaṇī draṣṭum gacchāmi nadyāḥ jalam nīmalam asti  
aham anatum tatra gacchāmi yāvat suryah nabhasī asti tavat kār-  
yam samāptam kuru kaḥ api dustanāṁ vaci viśvasam na karotu  
mārkhāya ajñāya vā kadā api upadeśaḥ na datavyaḥ jivema var-  
samam satam dhīraḥ sada dhairyaṇa sva karyam karoti sarve  
sukhīnaḥ bhavantu, bhāṇīni ca paśyantu yuyam sada virāḥ  
sukhīnaḥ ca bhavatha

ملکها بوسیله تور گرفته شدند آوارها بوسیله ماحوانده شدند کودکان بوسیله مار  
گریده سد مار بوسیله مردم و چوب کشه شد عدا بوسیله خدمتکاران خورده شد  
من نارچه را با آب منسوبم ای پادشاه آرو بسیار بیرومند است و آرو مردم را  
رنگی می بخشد دریاچه بوسیله آب پر میشود پادشاه فقط در کشور خود پر سیده میشود  
ولی داشمند در هر کشوری مورد پرستش است مردمان بدنه مملکت آراو میرساند و  
مرد بیرومند کشور را نگهداری می کند بوسیله دختر کم رسدسته میشود احاطه بده  
من امروز کشور خارج بروم

درست	علط	سطر	صفحه
anyat	anyāt	۲۵	۵۶
vrksanam	vrksānam		
agacchama	agaccama		
حام	دلو	۴	۵۸
kala	kala	۱۱	۶۱
catakam	catakām	۳	۶۹
سادى کردن اند	«شادی کردند»	۱۶	۶۹
rajñah	rajnah	۷	۷۷
path	path	۱۹	۷۹
katha	katha	۲۴	۷۹
درس	نادرست	۴	۸۴
nataka	natakam	۸	۹۱
vivahah	vivahah	۱۱	۹۲
کوماما	کوماما	۱۷-۱۸	۹۲
Gautamaranye	Gautamaranye	۳	۹۶
6	5	۳	۱۰۴
htya	hriya	۱	۱۰۶
training	tranng	۱۴	۱۰۶
pt pl	part	۲	۱۲۲
anga	anga		
ا رو-ودا (نخست چهارم ودا)	(ا رو-ودای چهارم ودا)	۱۳	۱۲۲
abhusana	abhusana	۱۲	۱۲۶
iva	Iva	۱۷	۱۲۷
او اسماد (نام کتاب همدان)	او اسماد (کتاب همدان اسم)	۱۴	۱۲۸
kuta	kuta	۱۷	۱۳۲
khandasah	khandasah	۱	۱۳۴
حر دس	حر دس-حر دس	۱۵	۱۳۶
trayodasa	trayodasa	۷	۱۴
durlabha	durlabla	۱۹	۱۴۱
panka	panka	۲۱	۱۴۵
bhiksa	bhiksa	۱۷	۱۵۱
yatra-حای که	yatra-مسافرت	۲۱	۱۵۴
vrđh	verdh	۱۸	۱۶
آفریدن سه سطر بالا بر در آفات و سه سود		۱۱	۱۶۸

# علطامه

صححه	سطر	علط	صحیح
۱	۱۳	وحه	وَاحٍ
۴	۱۲	sena	senā
۷	۱۷	pancka	pancha
۱	۱۵	Qui	Qoi
۱۳	۱۹	سار «علم بر سگی» لاند (i) ناسد	
۱۳	۲۳	هما	هوما
۱۴	۵	کلمه «اس» سار حمله «در زمان حیات» راند است	
۱۵	۳	«-» مشاړ کلمه «مکتب» راند است	
۱۵	۱۲	نوار	موانر
۱۵	۲۲	۱ ۸	۱۲
۱۶	۵	«وارای واران ساسکرت	«وربان فارسی و سسکرت»
۱۸	۲۱	«ترکباتادی و سمرسان سسکرت آراسه»	«ترکباتادی و سمری و سسکرت سکو آراسه»
۲	۲	سار واده «رگرنده» امروده سود «در»	
۲۵	۷	«چهار فصل»	«سج فصل»
۳۲	۲۳	«ر»	«سری»
۴۳	۳	موب	حمی
۴۳	۸	gyāna	jñana
۴۳	۱۴	jana	nara
۴۶	۱۵	kavibhīh	kavibhīh
۴۷	۹	matinam	matinam
۴۷	۱	matisu	matisu
۴۷	۱۴-۲		
	varini	varini	vāri
	varibhīh	varibhyām	varina
	varibhyah	<	varine
	<	<	varinah
	varinam	varinoh	<
	varisu	<	varini
۵۳	۱۹	inyam	nadim



فهرست انتشارات دانستگاه تهران

- ۱ - وراثت (۱)  
۲ - A Strain Theory of Matter  
۳ - آراء فلاسفه دربارهٔ عادت  
۴ - کالبدشناسی همری  
۵ - تاریخ بیهقی جلد دوم  
۶ - بیماریهای دندان  
۷ - بهداشت و باررسی حوراکها  
۸ - حماسه سرانی در ایران  
۹ - مر دیسباو تأثیر آن در ادبیات پارسی  
۱۰ - نقش برداری (جلد دوم)  
۱۱ - گیاه شناسی  
۱۲ - اساس الاقتباس حواحه نصیر طوسی  
۱۳ - تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد اول)  
۱۴ - روش تحریریه  
۱۵ - تاریخ اقصا - مدافع الارمان فی و فایع کرمان  
۱۶ - حقوق اساسی  
۱۷ - فقه و تجارت  
۱۸ - راهنمای دانشگاه  
۱۹ - مقررات دانشگاه  
۲۰ - درختان جنگلی ایران  
۲۱ - راهنمای دانشگاه انگلیسی  
۲۲ - راهنمای دانشگاه فرانسه  
۲۳ - Les Espaces Normaux  
۲۴ - موسیقی دورهٔ ساسانی  
۲۵ - حماسه ملی ایران  
۲۶ - ریست شناسی (۴) بحث در بطریقه لامارک  
۲۷ - هندسه تحلیلی  
۲۸ - اصول گذار و استخراج فلزات (جلد اول)  
۲۹ - اصول گذار و استخراج فلزات (جلد دوم)  
۳۰ - اصول گذار و استخراج فلزات (جلد سوم)  
۳۱ - ریاضیات در شیمی  
۳۲ - جنگل شناسی (جلد اول)  
۳۳ - اصول آموزش و پرورش  
۳۴ - فیر بولژی گیاهی (جلد اول)



۷۴- راهنمای دانشگاه

۷۵- اقتصاد اجتماعی

۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد دوم)

۷۷- ریاضی شاسی

۷۸- تئوری سستیک گارها

۷۹- کارآموزی داروسازی

۸۰- قوانین دامپرشی

۸۱- جنگل‌شناسی جلد دوم

۸۲- استقلال آمریکا

۸۳- کجکاو یهای علمی و ادبی

۸۴- ادوار فقه

۸۵- دیپامیک گارها

۸۶- آئین دادرسی در اسلام

۸۷- ادبیات فرانسه

۸۸- از سرب تا یوسکو - دو ما در مارس

۸۹- حقوق تطبیقی

۹۰- میکروشناسی (جلد اول)

۹۱- میر راه (جلد اول)

۹۲- (جلد دوم)

۹۳- کالد شکافی (تشریح علی دست‌ونا)

۹۴- ترجمه و شرح تفسیر علامه (جلد دوم)

۹۵- کالد شناسی توصیفی (۴) - عسله شناسی

۹۶- (۴) - رگ شناسی

۹۷- بیماریهای گوش و حلق و بینی (جلد اول)

۹۸- هندسه تحلیلی

۹۹- حمر و آنالیز

۱۰۰- بنوق و برتری اسپایا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)

۱۰۱- کالد شناسی توصیفی - اسحقان شناسی

۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی

۱۰۳- آرمایش و تصفیه آبها

۱۰۴- هشت مقاله تاریخی و ادبی

۱۰۵- فیه مافیه

۱۰۶- جغرافیای اقتصادی (جلد اول)

۱۰۷- الکتريسته و موارد استعمال آن

۱۰۸- مبادلات انرژی در گیاه

۱۰۹- تلخیص البیان عن محاربات القرآن

۱۱۰- دو رساله - وضع الفاظ و قواعد لاصرف

۱۱۱- شیمی آلی (جلد اول) تئوری و اصول کلی

۱۱۲- شیمی آلی «ارمالمک» (جلد اول)

۱۱۳- حکمت الهی عام و خاص

۱۱۴- امراض خلق و بیسی و حجره

—  
ألف دکتريدهر

« « حسن سوده بهرانی

« علمی و رری

« دکتريوش

تأليف دکتريحمدي

« « ميمندي، زاد

« مرحوم مهندس ساعي

« دکتريمجر شيبانی

« محمود شهبانی

« دکتري عارای

« محمد سنگلجی

« دکتري سيمدی

« « علی اکبر ساسی

« « حسن افشار

ألف دکتري سهراب دکتري مر داماد

« « حسين گلز

« « « «

« « همت الله کهبانی

« « رن العائدين دوالمحدث

« دکتري امير اعلم دکتري حکم

دکتري کهبانی - دکتري نعم آبادی - دکتريک ه

« « « «

ألف دکتري حشدا علم

« « کامکار ناری

« « « «

« « ساي

ألف دکتري مير مانی

« « محسن عربی

نگارش « محمد حواد حسدی

« بهر الله فلسفی

« بدیع الزمان فروزانفر

« دکتري محسن عربی

« مهندس عبدالله رباضی

« دکتري اسمعل راهدی

« سيد محمد باقر سرواری

« محمود شهبانی

« دکتري عابدي

« « شح

« مهندي قشقه

« دکتري علیم مروستی

نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی  
 « « علامه ابن صدیقی  
 « « برور نابل حاناری  
 تألیف دکتر مجتهدی بهرامی  
 « « صادق کیا  
 « « عیسی بهنام  
 « « دکتر عباس  
 « « فاطمی  
 « « هشروی  
 « « امیراعلم - دکتر حکیم  
 دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر بك نفس - دکتر نائینی

نگارش دکتر مجتهدی حلالی  
 « « آ. واریانی  
 « « رس العابدین دوالمجدس  
 « « صباه الدین اسماعیل بیگی  
 « « ناصر انصاری  
 « « افضلی نور  
 « « احمد نرشک  
 « « دکتر محمدی  
 « « آرم  
 « « نجم آبادی  
 « « صغوی گلنایگانی  
 « « آهی  
 « « راهدی  
 « « دکتر فتح الله امیر هوسه  
 « « علی اکبر برین  
 « « مهندس سمعی  
 رحمه مرحوم علامه حسین زبرک راده  
 تألیف دکتر محمود کیهانی  
 « « مهندس گوهریان  
 « « مهندس میردامادی  
 « « دکتر آرم  
 تألیف دکتر کمال حجاب  
 « « امیراعلم - دکتر حکیم -  
 دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر بك نفس  
 تألیف دکتر عطائی  
 « « «  
 « « مهندس حمید الله باقی  
 « « دکتر گاکنگ  
 « « علی اصغر نورهمایون  
 تصحیح مدرس مصری

۳۵- حبر و آنالیز  
 ۳۶- گزارش سفر هند  
 ۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی  
 ۳۸- تاریخ صایع ایران - طروف سفالین  
 ۳۹- واژه نامه طبری  
 ۴۰- تاریخ صایع اروپا در قرون وسطی  
 ۴۱- تاریخ اسلام  
 ۴۲- حایورشناسی عمومی  
 ۴۳- Les Connexions Normales  
 ۴۴- کالبدشناسی توصیفی (۱) - اسحواناسی

۴۵- روانشناسی کودک  
 ۴۶- اصول شیمی پزشکی  
 ۴۷- ترجمه و شرح تفسیر علامه (جلد اول)  
 ۴۸- اکوستیک (صوت) (۱) ارتفاعات - سرعت  
 ۴۹- انگل شناسی  
 ۵۰- بطریقه توابع متغیر مختلط  
 ۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی  
 ۵۲- درس اللغة و الادب (۱)  
 ۵۳- حایورشناسی سیستماتیک  
 ۵۴- پزشکی عملی  
 ۵۵- روش تهیه مواد آلی  
 ۵۶- مامائی  
 ۵۷- فیزیولوژی گیاهی (جلد دوم)  
 ۵۸- فلسفه آموزش و پرورش  
 ۵۹- شیمی تجزیه  
 ۶۰- شیمی عمومی  
 ۶۱- امیل  
 ۶۲- اصول علم اقتصاد  
 ۶۳- مقاومت مصالح  
 ۶۴- کشت گیاه حشره کش پیرتر  
 ۶۵- آسیب شناسی  
 ۶۶- مکانیک فیربك  
 ۶۷- کالبدشناسی توصیفی (۲) - موصیل شناسی  
 ۶۸- درمان شناسی (جلد اول)  
 ۶۹- درمان شناسی (۲ دوم)  
 ۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات  
 ۷۱- شیمی آنالیتیک  
 ۷۲- اقتصاد جلد اول  
 ۷۳- دیوان سید حسن عرنوی

- ۱۵- شیمی آلی (ارگانیك) (۴)  
۱۵- آسیب شناسی (كانكيوب استلر)  
۱۵- تاريخ علوم عقلی در تمدن اسلامي  
۱۵- تفسير حواحه عبدالله انصاري  
۱۵- حشره شناسي  
۱۶- نشانه شناسي (علم الامارات) (جلد اول)  
۱۶- نشانه شناسي سار نهاي اعصاب  
۱۶- آسیب شناسي عملي  
۱۶- احتمالات و آمار  
۱۶- الكتريسته صنعتي  
۱۶- آئين دادرسي كيري  
۱۶- اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)  
۱۶- فيريك (تاش)  
۱۶- فهرست كتب اهدائي آقای مشکوة (جلد دوم)  
۱۶- > > > > > (جلد سوم - قسمت اول) > معبد مي داش بژوه  
> معبودشپاني  
> نصر الله فلسفي  
بصحيح سعد نفسي  
> >  
ألف احمد بهمش  
> دكر آرمس  
> مرحوم مركزاده  
نگارش دكر مصباح  
> > رندي  
> احمد بهمش  
> دكر صديق اعلم  
> محمد مي داش بژوه  
> دكر محسن صبا  
> > رحيمي  
> > محمود سناسي  
> معبد سيكلحي  
> دكر آرمس  
فراهم آورده آمای ارح افشار  
ألف دكر ميربابائي  
> > مستومي  
> > علاملي بشور  
« مهندس حللي  
نگارش دكر معبدي  
برحه آمای معبودشپاني  
ألف « سعد نفسي  
> > >
- ۱۷- رساله بودو نمود  
۱۷- زندگاني شاه عباس اول  
۱۷- تاريخ بيهيقي (جلد سوم)  
۱۷- فهرست نشریات ابوعلی سيما بر بان فرانسه  
۱۷- تاريخ مصر (جلد اول)  
۱۷- آسیب شناسي آرردگی سیستم ريکولوآندوتليال  
۱۷- بهصت ادبيات فرانسه دردوره روماتيك  
۱۷- فير يولثري (طب عومي)  
۱۷- خطوط ليه های جديني (اشعة ایکس)  
۱۷- تاريخ مصر (جلد دوم)  
۱۸- سير فرهنگ در ايران ومغرب زمين  
۱۸- فهرست كتب اهدائي آقای مشکوة (جلد سوم - قسمت دوم)  
۱۸- اصول فن کتابداري  
۱۸- راديو الكتريسته  
۱۸- پيوره  
۱۸- چها رساله  
۱۸- آسیب شناسي (جلد دوم)  
۱۸- یادداشت های مرحوم قرويي  
۱۸- استحوان شناسي مقابسه ای (جلد دوم)  
۱۸- جبر افياي عمومي (جلد اول)  
۱۹- ييماريهای واگیر (جلد اول)  
۱۹- تن فولادی (جلد اول)  
۱۹- حساب جامع وفاصل  
۱۹- مدء ومعاد  
۱۹- تاريخ ادبيات روسي  
۱۹- تاريخ تمدن ايران ساساني (جلد دوم)

- ۱۱۵- آنالیز ریاضی  
 ۱۱۶- هندسه تحلیلی  
 ۱۱۷- شگفته بندی (جلد دوم)  
 ۱۱۸- باعانی (۱) باعانی عمومی  
 ۱۱۹- اساس التوحید  
 ۱۲۰- فیریک پز شکی  
 ۱۲۱- اکوستیک «صوت» (۲) محصا صوب لوله - نار  
 ۱۲۲- حراحی فوری اطفال  
 ۱۲۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)  
 ۱۲۴- چشم پزشکی (جلداول)  
 ۱۲۵- شیمی فیریک  
 ۱۲۶- بیماریهای گیاه  
 ۱۲۷- بحث در مسائل پرورش اخلاقی  
 ۱۲۸- اصول عقاید و کرائم اخلاق  
 ۱۲۹- تاریخ کشاورزی  
 ۱۳۰- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و کردن  
 ۱۳۱- امراض واگیر دام  
 ۱۳۲- درس اللغة والادب (۴)  
 ۱۳۳- واژه نامه فرمائی  
 ۱۳۴- تک یا حته شماسی  
 ۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)  
 ۱۳۶- عصله وریائی پلاستیک  
 ۱۳۷- طیف جذبی و اشعه ایکس  
 ۱۳۸- مصصات افضل الدین کاشانی  
 ۱۳۹- روان شناسی (از لعاط بریت)  
 ۱۴۰- ترمودینامیک (۱)  
 ۱۴۱- بهداشت روستائی  
 ۱۴۲- زمین شناسی  
 ۱۴۳- مکانیک عمومی  
 ۱۴۴- فیریولوژی (جلد اول)  
 ۱۴۵- کالبدشناسی و فیریولوژی  
 ۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی (جلداول)  
 ۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول  
 سلسله اعصاب معطی  
 ۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم  
 سلسله اعصاب مرکری  
 ۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعصاب حواس سجگاه  
 ۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)  
 ۱۵۱- اندام شناسی گیاهان  
 ۱۵۲- چشم پزشکی (۲)  
 ۱۵۳- بهداشت شهری  
 ۱۵۴- انشاء انگلیسی
- « « موچهر وصال  
 « « احمد عقیلی  
 « « امیر کیا  
 « « مهندس شیبانی  
 « « مهدی آشتیانی  
 « « دکتر مرهاد  
 « « اسمعیل سگی  
 تألیف دکتر مرعشی  
 « « علیعی مروی نهرامی  
 « « دکتر صرایی  
 « « نادرگان  
 « « حسری  
 « « سپهری  
 « « دین المادین دوالمحدث  
 « « دکتر تقی بهرامی  
 « « حکم و دکتر گنج بحس  
 « « رستگار  
 « « محمدی  
 « « صادق کما  
 « « عرب ربیعی  
 « « قاسم راده  
 « « کیهایی  
 « « فاضل رندی  
 نگارش دکتر مسوی و بحس مهدوی  
 « « علی اکبر سیاسی  
 « « مهندس نادرگان  
 نگارش دکتر روبن  
 « « مدالله سعایی  
 « « محتسبی رماسی  
 « « کاتوریان  
 « « بهرام الله نک هس  
 « « سعید هسی  
 « « دکتر امر اعلم - دکتر حکم  
 دکتر کیهایی - دکتر بحم آادی - دکتر نک هس  
 » » » »  
 » » » »  
 تألیف دکتر اسدالله آل بوه  
 « « پارسا  
 نگارش دکتر صرایی  
 » » اعتیادان  
 » » پادارگادی

- ۲۳۴- خمر اقبای کشاورزی ایران  
 ۲۳۵- ترجمه الهایه ناتصحیح و مقدمه (۱)  
 ۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)  
 ۲۳۷- اصول تشریح چوب  
 ۲۳۸- حوض شاسی عملی (جلد اول)  
 ۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی  
 ۲۴۰- شیمی تجربه  
 ۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی آمریکا  
 ۲۴۲- پانزده گفتار  
 ۲۴۳- بیماریهای حوض (جلد دوم)  
 ۲۴۴- اقتصاد کشاورزی  
 ۲۴۵- علم العلامات (جلد سوم)  
 ۲۴۶- تن آرمه (۲)  
 ۲۴۷- هندسه دهراسیل  
 ۲۴۸- فیوژنی گل ورده بندی تک لپه ایها  
 ۲۴۹- تاریخ رندیه  
 ۲۵۰- ترجمه الهایه ناتصحیح و مقدمه (۲)  
 ۲۵۱- حقوق مدنی (۲)  
 ۲۵۲- دفتر دانش و ادب (مره دوم)  
 ۲۵۳- یادداشت های قروینی (جلد دوم ب، ت، ث، ح)  
 ۲۵۴- تفوق و برتری اسپانیا  
 ۲۵۵- تیره شناسی (جلد اول)  
 ۲۵۶- کالبد شناسی توصیفی (۸)  
 دستگاه ادرار و تناسل - برده صفات  
 ۲۵۷- حل مسائل هندسه تحلیلی  
 ۲۵۸- کالبد شناسی توصیفی (حوانات اهلی معصل شناسی معاسه ای)  
 ۲۵۹- اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق  
 ۲۶۰- بیماریهای حوض و لطف ( بررسی بالینی و آسیب شناسی)  
 ۲۶۱- سرطان شناسی (جلد اول)  
 ۲۶۲- شکسته بندی (جلد سوم)  
 ۲۶۳- بیماریهای واگیر (جلد دوم)  
 ۲۶۴- انگل شناسی (مبداء آن)  
 ۲۶۵- بیماریهای درونی (جلد دوم)  
 ۲۶۶- دامپروزی عمومی (جلد اول)  
 ۲۶۷- فیوژنی (جلد دوم)  
 ۲۶۸- شعر فارسی (در عهد شاهرح)  
 ۲۶۹- فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم)  
 ۲۷۰- منطق التلویحات  
 ۲۷۱- حقوق حیانی  
 ۲۷۲- سمیولوژی اعصاب
- دکتر تقی بهرامی  
 آقای سید محمد سروراری  
 دکتر مهدوی اردبیلی  
 مهندس رضا حجاری  
 دکتر رحمتیان دکتر شمس  
 دهمش  
 سیروانی  
 مصباح الدین اسماعیل سگیو  
 آقای محسن موسوی  
 دکتر محسن ونا  
 نگارش دکتر احمد هومن  
 محمدی نژاد  
 آقای مهندس خلدنی  
 دکتر بهرور  
 تألیف دکتر راهدی  
 هادی هداسی  
 آقای سروراری  
 دکتر امامی  
 -  
 امیرح افسار  
 دکتر حسانا نای  
 احمد نارسا  
 تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیمه - دکتر کهنای  
 دکتر نعم آبادی - دکتر مک نرس  
 نگارش دکتر علمی وحدتی  
 مریانائی  
 مهندس احمد رضوی  
 دکتر رحمان  
 آرمین  
 امیرکا  
 سسور  
 عربی رفعی  
 محمدی نژاد  
 بهرامی  
 علی کابوربان  
 نارشاطر  
 نگارش ناصر ملی وادسر  
 دکتر فاضل  
 تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی  
 دهمش  
 دهمش  
 دهمش

۱۹۶- درمان تراجم با الکتروکوداسیون

۱۹۷- شیمی و فیریک (جلد اول)

۱۹۸- فیریولوژی عمومی

۱۹۹- داروسازی جالبوسی

۲۰۰- علم العلامات شاه شاسی (جلد دوم)

۲۰۱- استخوان شاسی (جلد اول)

۲۰۲- پیوره (جلد دوم)

۲۰۳- علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید

۲۰۴- قواعد فقه

۲۰۵- تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران

۲۰۶- فهرست مصنفات ابن سینا

۲۰۷- محارج الحروف

۲۰۸- عیون الحکمه

۲۰۹- شیمی بیولوژی

۲۱۰- میکروشناسی (جلد دوم)

۲۱۱- حشرات ریان آور ایران

۲۱۲- هواشناسی

۲۱۳- حقوق مدنی

۲۱۴- ماحدقصوص و تمثیلات مشوی

۲۱۵- مکابیک استدلالی

۲۱۶- ترمودیامیک (جلد دوم)

۲۱۸- گروه بندی و انتقال خون

۲۱۸- فیریک، ترمودیامیک (جلد اول)

۲۱۹- روان پزشکی (جلد سوم)

۲۲۰- بیماریهای درونی (جلد اول)

۲۲۱- حالات عصبانی یا بورر

۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷)

(دستگاه گوارش)

۲۲۳- علم الاجتماع

۲۲۴- الهیات

۲۲۵- هیدرولیک عمومی

۲۲۶- شیمی عمومی معدنی فلزات (جلد اول)

۲۲۷- آسیب شناسی آردر گیهای سورمال «عده فوق کلیوی»

۲۲۸- اصول الصرف

۲۲۹- سارمان فرهنگی ایران

۲۳۰- فیریک، ترمودیامیک (جلد دوم)

۲۳۱- راهمای دانشگاه

۲۳۲- مجموعه اصطلاحات علمی

۲۳۳- بهداشت عدائی (بهداشت سل)

» دکتر پرومور شمس

» » توسلی

» » شیبانی

» » مقدم

» » میسندی نژاد

» » نعمت اله کیهانی

» » محمود سیاسی

» » علی اکبر سیاسی

» » آقای محمودشاهی

» » دکتر علی اکبرینا

» » مهدوی

صحیح و ترجمه دکتر پرومور مایل حاکم

اراس سینا - چاپ عکسی

تألیف دکتر مامی

» آقامان دکتر سهراب

دکتر میردامادی

» » مهندس عباس دواجی

» » دکتر محمد منجی

» » سندس امامی

نگارش آقای درویر

» » برمور فاطمی

» » مهندس نادرگان

» » دکتر یحیی نونا

» » روش

» » میرسپاسی

» » میسندی نژاد

» » چهرای

تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم

دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر بیک نفس

تألیف دکتر مهدوی

» » فاضل توبی

» » مهندس ریاضی

تألیف دکتر فصل الله شیروانی

» » آرمن

» » علی اکبرشاهی

تألیف دکتر علی کی

نگارش دکتر روش

—

—

نگارش دکتر فصل الله صدیق



۳۰۹ - سرگذشت و عقائد فلسفی حواجه نصیر الدین طوسی « محمد مدرسی (رهائی)

۳۱ - فیریک (پدیده‌های فیزیکی در دماهای سیار حمیف)

« دکتر روش

کامعصم

۳۱۱ - رساله حس و مقابله حواجه نصیر طوسی

۳۱۲ - آلرژی بیماریهای ناشی از آن

۳۱۳ - راهمای دانشگاه (مراسته) دوم چاپ

۳۱۴ - احوال و آثار محمد بن حریری طبری

۳۱۵ - مکاتیک سیماتیک

۳۱۶ - مقدمه روانشناسی (مست اول)

۳۱۷ - دامپروری (جلد دوم)

۳۱۸ - تمرینات و تجربیات (شمی آلی)

۳۱۹ - جمع‌رایی اقتصادی (جلد دوم)

۳۲۰ - باتولوژی مقایسه‌ای (بیماریهای مشترک انسان و دام)

۳۲۱ - اصول نظریه ریاضی احتمال

۳۲۲ - رده‌بندی دوپله‌ای‌ها و نارداگان

۳۲۳ - قوانین مالییه و محاسبات عمومی و مطالعه بودجه

از اسدای مشروطیت تا حال

۳۲۴ - کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن

(توصیفی - موصی - طرز شرح)

۳۲۵ - ایمنی شناسی (جلد اول)

۳۲۶ - حکمت الهی عام و خاص (محدد چاپ)

۳۲۷ - اصول بیماریهای ارثی انسان (۱)

۳۲۸ - اصول استخراج معادن

۳۲۹ - مقررات دانشگاه (۱) مقررات استخدامی و مالی

۳۳۰ - شلیمر

۳۳۱ - تحریریه ادرار

۳۳۲ - جراحی فك و صورت

۳۳۳ - فلسفه آموزش و پرورش

۳۳۴ - اکوستیک (۴) صوت

۳۳۵ - الکتریسته صنعتی (جلد اول چاپ دوم)

۳۳۶ - سالنامه دانشگاه

۳۳۷ - فیریک جلد هشتم - کارهای آرمایشگاه و مسائل ترمودینامیک « دکتر روش

« « میاس

« « وحدی

« « محمد معدی

تألف دکتر کامکار ماریسی

« « محمد معین

« « مهندس قاسمی

۳۳۸ - تاریخ اسلام (چاپ دوم)

۳۳۹ - هندسه تحلیلی (چاپ دوم)

۳۴۰ - آداب اللغة العربیة و تاریخها (۱)

۳۴۱ - حل مسائل ریاضیات عمومی

۳۴۲ - حوامع الحکایات

۳۴۳ - شیمی تحلیلی

- ۲۷۳- کالد شاسی توصیفی (۱)  
(دستگاه تولید صوت و تمس)

۲۷۴- اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی

۲۷۵- گزارش کفر اس انمی ژبو

۲۷۶- امکان آلوده کردن آبهای مشروب

۲۷۷- مدخل منطق صورت

۲۷۸- ویروسها

۲۷۹- تالمتها (آلکها)

۲۸۰- گیاه شاسی سیستماتیک

۲۸۱- تیره شاسی (حلد سوم)

۲۸۲- احوال و آثار حواحه نصیر الدین طوسی

۲۸۳- احادیث مشوی

۲۸۴- قواعد الحو

۲۸۵- آزمایشهای فیریک

۲۸۶- پند نامه اهواری یا آئین پزشکی

۲۸۷- بیماریهای حو (حلد سوم)

۲۸۸- حین شاسی (رویان شاسی) حلد اول

۲۸۹- مکاتیک فیریک (اندازه گیری مکاتیک، عطه مادی و فرصه سی) (چاپ دوم)

۲۹۰- بیماریهای حراحی قفسه سینه (ره، مری، قفسه سینه)

۲۹۱- اکوستیک (صوت) چاپ دوم

۲۹۲- چهار مقاله

۲۹۳- داریوش یکم (نادشاه نارسها)

۲۹۴- کالد شکافی تشریح عملی سرو کردن- سلسله اعصاب مرکزی

۲۹۵- درس اللغة والادب (۱) چاپ دوم

۲۹۶- سه گفتار حواحه طوسی

۲۹۷- Sur les espaces de Riemann

۲۹۸- فصول حواحه طوسی

۲۹۹- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (حلد سوم) بخش سوم

۳۰۰- الرسالة المعیبة

۳۰۱- آعار و احجام

۳۰۲- رساله امامت حواحه طوسی

۳۰۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (حلد سوم) بخش چهارم

۳۰۴- حل مشکلات معیبه حواحه نصیر

۳۰۵- مقدمه قدیم احلاق ناصری

۳۰۶- بیوگرافی حواحه نصیر الدین طوسی (بربان فرانسه)

۳۰۷- رساله بیست باب در معرفت اسطرلاب

۳۰۸- مجموعه رسائل حواحه نصیر الدین

تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم دگر کنبانی  
دکتر نعم آبادی - دکتر تیک هس  
نگارش دکتر محسن صا  
« « « حساب - دکتر مازوگا  
نگارش دکتر حسن سهراب - دکتر محمدی بژاد  
نگارش دکتر علامه حسین مصباح  
« « « طرح الله شفا  
« « « عرت الله حسری  
« « « محمد دروش  
« « « نارسا  
« « « مدرس رضوی  
« « « آقای مروارید  
« « « قاسم توسرکابی  
« « « دکتر محمد ناقر محمودان  
« « « محمود نعم آبادی  
نگارش دکتر یحیی یونا  
« « « احمد شعانی  
تألیف دکتر کمال الدین حار

- ۳۸۲ - یادداشتهای فروینی (۳) ایرج افشار
- ۳۸۴ - گویش آشتیان تألیف دکتر صادق کا
- ۳۸۵ - کالد شکافی (سریخ علی قسه سه ولف رربه) نگارش دکتر نعمت الله کیهانی
- ۳۸۶ - ایران بعد از اسلام « عباس حلیلی
- ۳۸۷ - تاریخ مصر قدیم (جلد اول چاپ دوم) « دکتر احمد بهمنس
- ۳۸۸ - آرسنولوگیاها (۱) سرخسها « « حسری
- ۳۸۹ - شیمی صنعتی (جلد اول) « « رادور
- ۳۹۰ - فیریک عمومی اکثریسته (جلد اول) « « روش
- ۳۹۱ - مبادی علم هوا شناسی « « احمد سعادت
- ۳۹۲ - منطق و روش شناسی « « علی اکبر ساسی
- ۳۹۳ - الکترونیک (جلد اول) « « رحیمی فاحار
- ۳۹۴ - فرهنگ عماری (جلد دوم) « مهندس حلال الدین عماری
- ۳۹۵ - حکمت الهی عام و خاص (- جلد دوم) « محیی الدین مهدی الهی قمشای
- ۳۹۶ - گنج حواهر دانش (۴) « حسن آل طه
- ۳۹۷ - فن کالد گشانی و آسیب شناسی « دکتر محمدکار
- ۳۹۸ - فرهنگ عماری (جلد سوم) « مهندس حلال الدین عماری
- ۳۹۹ - مراد پرستی در ایران قدیم « دکتر دسح الله صفا
- ۴۰۰ - اصول روشهای ریاضی آمار « « اصلی نور
- ۴۰۱ - تاریخ مصر قدیم (جلد دوم) « « دکتر احمد بهمنس
- ۴۰۲ - عددمنی بلغاء ایران فی العة « فاسم بوسرگانی
- ۴۰۳ - علم اخلاق (بطری و علمی) « دکتر علی اکبر ساسی
- ۴۰۴ - ادوار فقه (جلد دوم) « آقای محمود شهابی
- ۴۰۵ - جراحی عملی دهان و دندان (جلد دوم) نگارش دکتر کاظم سمحور
- ۴۰۶ - فیریولژی نابیی « « گنتی
- ۴۰۷ - سهم الارث « « نصر اصهبانی
- ۴۰۸ - حشر آنا لیر « دکتر محمد علی محمدی
- ۴۰۹ - هوا شناسی (جلد اول) « « محمد محیی
- ۴۱۰ - بیماریهای درونی (جلد سوم) « « ممندی نژاد
- ۴۱۱ - مانی فلسفه « « علی اکبر ساسی
- ۴۱۲ - فرهنگ عماری (جلد چهارم) « مهندس امر حلال الدین عماری
- ۴۱۳ - هندسه تحلیلی (چاپ دوم) « دکتر احمد سادات عقلی
- ۴۱۴ - کالد شناسی (عصه شناسی معاسه ای) (جلد دوم) « « مرانائی
- ۴۱۵ - سالنامه دانشگاه ۱۳۳۶-۱۳۳۵ -
- ۴۱۶ - یادنامه حواحه نصیر طوسی نگارش دکتر صفا
- ۴۱۷ - تئوریهای اساسی ژنتیک « « آردم
- ۴۱۸ - فولاد و عملیات حرارتی آن « مهندس هوشنگ خسرویاری
- ۴۱۹ - تأسیسات آبی « مهندس عبدالله رنایی
- ۴۲۰ - بیماریهای اعصاب (جلد نخست) نگارش دکتر صادق صفا
- ۴۲۱ - مکانیک عمومی (جلد دوم) « دکتر محیی رنایی

- ۳۴۴ - ارادة معطوف قدروت (ارسچہ)  
۳۴۵ - دفتر دانش وادب (جلد سوم)  
۳۴۶ - حقوق مدني (جلداول تعديد چاپ)  
۳۴۷ - نمايشنامه لوسند  
۳۴۸ - آب شمس هيدرو لوژی  
۳۴۹ - روش شيمي تجربه (۱)  
۳۵۰ - هندسه رسميه  
۳۵۱ - اصول الصرف  
۳۵۲ - استخراج نفت (جلد اول)  
۳۵۳ - سحر ابيهای پروفيسور ربه وسان  
۳۵۴ - کورش کبير  
۳۵۵ - فرهنگ عماري فارسي فرانسه (جلد اول)  
۳۵۶ - اقتصاد اجتماعي  
۳۵۷ - بيو لوژی (ورانت) (تعديد چاپ)  
۳۵۸ - بيماريهای معرو رواں (۳)  
۳۵۹ - آئين دادرسي در اسلام (تعديد چاپ)  
۳۶۰ - فقر رات اصول  
۳۶۱ - کاليد شکافي توصيفي (جلد ۴ - عمله شناسي اسب) تأليف دکتر ميرنابايي  
۳۶۲ - الرسالة الکماليه في الحقايق الالهيه  
۳۶۳ - بي حسي های ناحيه ای درد دندان پرشکي  
۳۶۴ - چشم و بيماريهای آن  
۳۶۵ - هندسه تحليلي  
۳۶۶ - شيمي آلي ترکيبات حلقوي (چاپ دوم)  
۳۶۷ - پرشکي عملي  
۳۶۸ - اصول آمورش و پرورش (چاپ سوم)  
۳۶۹ - پر تو اسلام  
۳۷۰ - جراحي عملي دهان و دندان (جلد اول)  
۳۷۱ - درد شناسي دندان (۱)  
۳۷۲ - مجموعه اصطلاحات علمي (مست دوم)  
۳۷۳ - تيره شناسي (جلد سوم)  
۳۷۴ - المعجم  
۳۷۵ - حواهر آلاثار (ترجمه منوي)  
۳۷۶ - تاريخ ديپلوماسي عمومي  
۳۷۷ - Textes Français  
۳۷۸ - شيمي فيزيک (جلد دوم)  
۳۷۹ - رياضياتي  
۳۸۰ - بيماريهای مشترک انسان و دام  
۳۸۱ - فرران تي وروان  
۳۸۲ - بهود نسل بشر

۴۶۲ - کلیات شمس تریبری (حروه دوم)

۴۶۳ - اوندنسی (جلد اول)

۴۶۴ - یادداشت‌های قزوینی (جلد اول)

۴۶۵ - فهرست پیشنهادی اسامی پرندگان ایران

۴۶۶ - تاریخ دیپلوماسی جلد اول

۴۶۷ - میودر - یاناب الحجه

۴۶۸ - فلسفه عالی یا حکمت صدرالمتألهین

۴۶۹ - کالد شاسی انسانی (ته)

۴۷۰ - شیمی آلی

۴۷۱ - نانا افضل کاشی (جلد دوم)

۴۷۲ - تجربه سنگهای معدنی

۴۷۳ - اکوستیک

۴۷۴ - تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد دوم)

۴۷۵ - راهمای رنان اردو (جلد اول)

۴۷۶ - تشخیص حراحي های فوری شکم

۴۷۷ - اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی (تجدید چاپ)

۴۷۸ - حواهر الانار در ترجمه مشوی (جلد دوم)

۴۷۹ - لغات واصطلاحات مشوی (جلد اول)

۴۸۰ - تاریخ دامپرشکی (جلد اول)

۴۸۱ - نشانه شاسی بیماریهای اعصاب

۴۸۲ - حمام عددی ترسیمی

۴۸۳ - شرح تفسیر آیت اله علامه حلی جلد دوم (چاپ دوم)

۴۸۴ - ترمودینامیک، جلد اول (چاپ دوم)

۴۸۵ - گئانشاسی فهرستهای نسخه‌های خطی فارسی

۴۸۶ - واژه‌نامه فارسی (بخش ۴ معیار حمایتی)

۴۸۷ - دیوان قصائد - هزار عرل - مقطعات

۴۸۸ - مکابیک عمومی (جلد اول)

۴۸۹ - میکروب‌شناسی و ریه‌پاری‌شناسی عمومی

۴۹۰ - حقوق حیاتی (۱) (تجدید چاپ)

۴۹۱ - داروهای خالوسوی (۴) (تجدید چاپ)

۴۹۱ - روش تدریس زبان انگلیسی در دبیرستان (تجدید چاپ)

۴۹۳ - اندام‌شناسی اسب

۴۹۴ - شیمی آلی (جلد اول)

۴۹۵ - بیماریهای دندان

۴۹۶ - راهمای مذهب شافعی (جلد اول)

۴۹۷ - ممر و جمع و مفرقه و نکره

۴۹۸ - نافت شناسی

تصحیح مروراهر

نگارش دکتر رباص

نگوشش ابرح افشار

➤ سایمون کرویس رید

نگارش دکتر رباص

➤ محمدعلی گلربر

ترجمه حواد مصلح

نگارش برنرور حکیم

➤ دکتر شبح

➤ مهدوی

➤ مهديس محمد رصارحالی

➤ دکتر اسمعیل سگی

➤ محسن عربی

➤ سید باحدر شهرنار

➤ لمان الله ودر رزاده

➤ محسن صبا

➤ حواهر کلام

➤ گوهرین

➤ منمندی‌نژاد

➤ صادق صبا

➤ مهديس رباصی

➤ دس العادین دوالمعدنی

➤ دکتر روشن

➤ ابرح افشار

➤ دکتر صادق کیا

➤ نقی داش

➤ دکتر محتسبی رباصی

➤ دکتر کاوه - دکتر احمدشینی

➤ علامه حسین علی‌آبادی

➤ صادق مقدم

➤ نادرارگادی

➤ محمود بردی‌زاده

➤ نادر شرمی

➤ محمود ساسی

➤ حاج سید محمد شبح الاسلام

➤ کردسانی

➤ دکتر محمد معین

➤ باصرالدین نامشاد

(علوی)

- ۴۲۲ - صایع شیمی معدنی (جلد اول)      « مهندس مرتضی قاسمی
- ۴۲۳ - مکاتیک استدلالی      « برهسورتنی فاطمی
- ۴۲۴ - تاریخ فرهنگ ایران      « دکتر عیسی صدیق
- ۴۲۵ - شرح نصرة آية الله علامة حلی (جلد دوم)      « رین العابدین دوالمحدث
- ۴۲۶ - حکیم اررفی هروی      تصحیح مرحوم علی عبدالرسولی
- ۴۲۷ - علوم عقلی      نگارش دکتر دیبج الله صفا
- ۴۲۸ - شیمی آنالیتیک      « دکتر گایک
- ۴۲۹ - فیریک الکتريسته (جلد دوم)      « « روش
- ۴۳۰ - کلیات شمس تریری      ناتصحیحات و حواشی آدای مروادهر
- ۴۳۱ - گالی شناسی (تحقیق درباره مصی اراکهای حریره هرمر)      نگارش دکتر عبدالکریم قرب
- ۴۳۲ - فرهنگ عماری فارسی نهراسه (جلد سجم)      « امیرحلال الدین عماری
- ۴۳۳ - ریاضیات در شیمی (جلد دوم)      « دکتر هوردر
- ۴۳۴ - تحقیق در فهم بشر      ترجمه دکتر وصاراده شفق
- ۴۳۵ - السعادة والاسعار      تصحیح محسن میوی
- ۴۳۶ - تاریخ فرهنگ اروپا      نگارش دکتر عیسی صدیق
- ۴۳۷ - نقشه برداری (جلد دوم)      « مهندس حسن شمس
- ۴۳۸ - بیماریهای گیاه (تحدید چاپ)      « دکتر حسری
- ۴۳۹ - حقوق مدنی (جلد سوم)      « دکتر سید حسن امامی
- ۴۴۰ - سحرانیهی آقای ایس المقدسی (استاد داسگاه آمریکایی سروت)      نگارش دکتر محمود ساسی
- ۴۴۱ - دردشناسی دندان (جلد دوم)      « « فاسم زاده
- ۴۴۲ - حقوق اساسی فرانسه      « « شدهر
- ۴۴۳ - حقوق عمومی واداری      « « مسندی نواد
- ۴۴۴ - باتولوژی مقایسه ای (جلد سوم)      « « شروایی
- ۴۴۵ - شیمی عمومی معدنی فلرات      « « فرشاد
- ۴۴۶ - فسیل شناسی      نگارش امیرحلال الدین عماری
- ۴۴۷ - فرهنگ عماری فارسی نهراسه (جلد ششم)      « مهندس ابرهم ریاحی
- ۴۴۸ - تحقیق در تاریخ قدساری ایران      « دکتر حسن گل گلاب
- ۴۴۹ - مشخصات حمر اقیای طبیعی ایران      « حسن مهدوی
- ۴۵۰ - جراحی فك و صورت (جلد دوم)      « « هادی هدانسی
- ۴۵۱ - تاریخ هرودت      « « حسن ستوده تهرانی
- ۴۵۲ - تاریخ دیپلماسی عمومی (چاپ دوم)      « « علی کی
- ۴۵۳ - سازمان فرهنگی ایران (تحدید چاپ)      « « محمدعلی مولوی
- ۴۵۴ - مسائل گوناگون پزشکی      « « روش
- ۴۵۵ - فیریک الکتريسته (جلد سوم)      « « یحیی مهدوی
- ۴۵۶ - جامعه شناسی یا علم الاحتماع      « « رفعت
- ۴۵۷ - اورمی      نگارش دکتر اعتمادیان
- ۴۵۸ - بهداشت عمومی (بیش گیری سمارهای واگیر)      « « مرحوم دکتر حسن شهید واداء
- ۴۵۹ - تاریخ عقاید اقتصادی (چاپ دوم)      نکوشش دانش پژوه
- ۴۶۰ - نصرة ودورسالة دیگر در منطق      نگارش دکتر مولوی
- ۴۶۱ - مسائل گوناگون پزشکی (جلد سوم)



- ۴۹۹ - هیدرلیک (تجدید چاپ)
- ۵۰۰ - مؤلفات و مصنفات راری
- ۵۰۱ - روشهای نوین سرم شناسی
- ۵۰۲ - شیمی آنالیتیک
- ۵۰۳ - مکانیک سیالات
- ۵۰۴ - فلور ایران (جلد هفتم)
- ۵۰۵ - شیمی مختصر آلی
- ۵۰۶ - راهمهای دانشگاه (انگلیسی)
- ۵۰۷ - فرهنگ عناری (جلد هفتم)
- ۵۰۸ - د د (جلد هشتم)
- ۵۰۹ - نام علمی گیاهان - واژه نامه گیاهی  
به انگلیسی - فرانسه - آلمانی - عربی - فارسی
- ۵۱۰ - بیوشیمی
- ۵۱۱ - سرطان شناسی (جلد دوم)
- ۵۱۲ - مکانیک صنعتی (مقاومت مصالح)
- ۵۱۳ - فرهنگ نامه های عربی به فارسی
- ۵۱۴ - وزن شعر فارسی
- ۵۱۵ - سرزمین همد
- ۵۱۶ - مقدمه روان شناسی (تجدید چاپ با اصلاحات)
- ۵۱۷ - یادداشتهای قزوینی (جلد چهارم)
- ۵۱۸ - پزشکی قانونی
- ۵۸۹ - کلیات صنعت قندسازی
- ۵۲۰ - وزارت در عهد سلاطین لرک سلحوقی
- نگارش آقای مهندس رباصی
- » د کرم محمود نجم آبادی
- » » بطری
- » » حسین راد مرد
- » » احمد وریری
- » » احمد پارسا
- » » برنس
- -
- » امیرحلال الدین عفری
- » »
- » د کرم اسمعیل راهندی
- » آقای د کرم گانگ
- » » کمال آرمس
- » مهندس محمدی
- » علمی مروتی
- » د کرم پرویز مایل حالری
- » علی اصغر حکمت
- » د کرم مهدی حلالی
- » ابرح افشار
- » آقای د کرم ماسمی
- » » مهندس ابراهیم راجی
- » مرحوم عباس امثال